

UNIVERSAL
LIBRARY

OU-234588

UNIVERSAL
LIBRARY

وَمِنْ تَوَكُّبِكُمْ عَلَيَّ وَعَلَىٰ آلِيَّ وَحَسْبِيَ اللَّهُ
فَهُوَ سَمِيُّهُ

الْبَيْتِ

مَكْتُوبٌ فِي رِجْلِ حَسْبِي فِي حَقِّهِ
رَبِّهِ مَصْطَفَىٰ مُحَمَّدٌ كَانَ

سَمَسْتَرُ وَاِنْ كَمَّ يَرَاهَا الضَّرِيبُ وَالْعَسَلُ عَسَلٌ وَاِنْ كَمَّ
يَجِدُ طَعْمَهُ الْمُرُّ وَاِنْ كَمَّ يَرَاهَا الضَّرِيبُ وَاَصْحَابُ خَيْبَرَ وَاَبَادُ وَاَبَادُ وَاَبَادُ وَاَبَادُ
رضوان مرتابین و ایمه مجتهدین را باید و نباید که ما لبسوی جنه الما و
دلائل سرموده از راه جهنم و عقوبات اهل سواد باز داشته اند خدا یا جمیع
مسلمانان را توفیق یمایتی بدهد و تن ظنی نصیب در حق ساخته خاندان کل
علیه لاله الا الله محمد و آله و صحبه اجمعین ان الله کراد ان امین یا رب العالمین
انا بعد اضغف العباد احمد بن ^ص ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱ ^۰ ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲}
که یکی از کمترین ثلاثه جناب ایت و ارشاد مات تاج الفقهاء و شرف الاقی
قاصد بدعت سیئه تابع سنت نبویه زیده خاندان علیه تقاده و ذوقان غیری
یعنی گواید و عارفین امام المحدثین حضرت عبدالعزیز بن وهب و ابی العباس
قدس سرار ما اعنی هند الوقت فی الافاق مولانا دستا و دانش محمد
اسحق بن ایخ محمد افضل الفاروقی المحدث لاهوری افاض الید علینا
برکاته و نفعنا به و سایر المسلمین سکیو یدیکه روزی بعضی از صاحبزادگان
انبار لطنی و سلاله خاندان ^ص ^{۱۲} ^{۱۱} ^{۱۰} ^۹ ^۸ ^۷ ^۶ ^۵ ^۴ ^۳ ^۲ ^۱ ^۰ ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲}
اقوال و افعال علی عصر نود سوات تحسیر کنانیده پیش جناب مولانا شمس
آورده محرک و موکد برین معنی شدند که جوابهای این سوالات از کتب
معتبره ارقام فرمایند که ناامیان و دیگر مسلمانان رانفع و دیگر کسانی که بسبب

بزرگوار است
تاج عالم
در این کتاب
مجموعت
پیش
بزرگوار است
تاج عالم
در این کتاب
مجموعت
پیش
بزرگوار است
تاج عالم
در این کتاب
مجموعت
پیش

اختلافات در ورطه شکوک و شبهات افتاده اند نجات یافته از محدود
 بحد و در بجه مجتهدین رحمهم الله تعالی تجاوز نه نمایند و از اوقاف وقف ^{بط}
 باز آیند اگر چه جناب مولانا صاحب کلمه به سبب تعصبات قیامین ^{همانکه انما الله تعالى}
 اکثر شعوم و خواص به تحریر جوابها اراده نمی داشتند لیکن غریب تا کید و فوط
 رغبته صاحبزادگان و الاتبار و با استدعای حضاران دیگر موجود صحبت
 شریف من دلت علی خیر فله مثل لجر فاعلیه این معنی بدرجه اجابت
 مقرون گردید و جوابهای سوالات مسطوره از کتب صحیح متداوله تحریر
 فرموده جزا که الله خیرا فی الدارین عتی و عن سائر المسلمین ^{تذکره}
 پس از آن خواستم که این نود سوالات را بصد تکمله نمایم لهذا سوالات
 عشره مع اجوبه جناب مولانا صاحب مع صوف بانها الحاق نموده بکتابت
 المسائل فی تحصیل الفضائل بالأدلة الشرعیة و ترک
 الامور الممتنعیه موسوم ساختم آگاه شوید بدانید ای طالبان صدق
 و صفا که این رساله نافع عظیمه بر سن پنهان در دو صد و چهل و پنج بحری بنویس
 صلی الله علیه و سلم صورت تمذیب و انتظام یافت و تو صدمشمن به تحریر
 ضرورتیست که از خواندن و شنیدن ظاهر و باهر خواهد شد بقول مشهور
 آنست که خود موبدینه که عطار بگوید لیکن ابتدا برای ترغیب و تحریص طالبان
 باین جمله متنبیه میسازم که برای صدق و یقین که تابع دین مشین خاتم النبیین اند

لا
 سبک راه نمود
 برای نیک پس
 برای او پیش
 ثواب کننده
 آن امر است
 در ده صدقه
 جزای نیک
 در جهان از
 من و از جمیع
 سالاران
 باین مسائل
 در تحصیل
 فضیلتها دلیل
 شمر علیست و
 ترک امور
 مکروه شده

از همه کس

۲

بسیار مفید واقع است و یقین و اطمینان از درگاه موثر حقیقی و موقوف
 تحقیقی آنست که هر کس علی العموم اگر راه محادله و مکابره بگذارد و بطریق
 مناظره سلوک نماید یعنی اطمیناناً للصواب الحق درین رساله نافعه تدبر
 و تامل نماید بی ریب و یرین از شکوک هواییه و شبهات خلافیه نجات
 یابد و اتباع طریقه اخسرت علیه الصلوة و السلام بطور صحابه کرام و اولاد
 عظام و تابعین و تبع تابعین و ائمه مجتهدین و علمای صاحبین و اولیا
 متقدمین و متأخرین رحمهم الله تعالی اجمعین درین مسائل مسطوریه نصب
 او گردد **اللَّهُمَّ وَفَقْنَا لِمَا نَحِبُّ وَتَرْضَى وَاجْعَلْ الْخَيْرَ تَخِيْرًا**
مِنَ الْاَوْلَى فَاَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ وَامْتِنَاعِلْ
ذِي سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ اٰمِيْنَ وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ
نِعْمَ الْوَلِيٌّ وَنِعْمَ الْمَصْنُوْدُ لَا خَوْفَ وَلَا حُزْنَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيْمِ وَكُنْهٗ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَ
كُنْهٗ اَنْ سَيِّدًا وَّمَوْلَانَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُوْلَهُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سوال اول شرک چه معنی دارد در شرع جواب شرع
 شرک کرد اینست که چیزی را بخندد از الوهیت یا در استحقاق عبادت
 فی شرح العقائد التفسیری لا شرک هو انبات الشریک فی الوهیه

اینجا آنچه در رساله مذکور است در بیان اینست که هر کس در این رساله تدبر و تامل نماید بی ریب و یرین از شکوک هواییه و شبهات خلافیه نجات یابد و اتباع طریقه اخسرت علیه الصلوة و السلام بطور صحابه کرام و اولاد عظام و تابعین و تبع تابعین و ائمه مجتهدین و علمای صاحبین و اولیا متقدمین و متأخرین رحمهم الله تعالی اجمعین درین مسائل مسطوریه نصب او گردد

له در زمانه
خیالی در تفسیر عقاید
تاکید بر شکر است
عزای غیر انحصاری
نیای نیای
انچه از مشیت
که در وقت یاد آن
بجز کرده اند
معاذی که در
شکر با کفر
که نفسی کفار
بزرگ

بمعنی و حُجُبُ الوجودِ کما للجورِ ^{مؤمن} و بمعنی استحقاق العبادَةِ
کما الْعِبَادَةُ الْأَصْنَامِ انتهى و شرک در شرع بمن کفر
بهمستعمل شده چنانچه در ترجمه مشکوٰه که تصنیف شیخ عبدالحمید محدث
دهلوی است مذکور و مرقوم **الاشْرَکُ بِاللّٰهِ** شرک کردن بدین بخدا و
وجود یاد در عبادت و مراد از شرک کفر است بهر نوع که باشد انتی و فی
الْحَاشِيَةِ الْخِيَالِيَةِ عَلَى شَرْحِ الْعَقَائِدِ فَوَلَّهُ تَعَالَى
وَاللَّهُ تَعَالَى يَعْرِفُ أَن كَيْفَ شُرِكْتُهُ أَي كَيْفَ كَفَرْتُمْ وَأَيْمَانًا
عَبَّرَ عَنِ الْكُفْرِ بِالشِّرْكِ لِأَنَّ كُفْرًا أَعْرَبَ كَمَا أَنَّهُ
مُسْرِكِينَ انتهى وَفِي حَاشِيَةِ مُلَاحِظَةِ اللَّهِ الْمُرَادِ مِنَ
الشِّرْكِ هَهُنَا مُطْلَقُ الْكُفْرِ انتهى و نیز شرک در شرع ثابت
کردن صفات مخصوصه خدا تعالی را بغیر خدا استعمال شده یعنی مثل علم خدا در غیر
خدا تعالی ثابت کردن یا مثل قدرت خدای تعالی را در غیر ثابت نمودن یا
صفت ایجاد شقای ^{مردمان} مریض را در غیر خدا تعالی دانستن یا تصرف در
عالم براراده خود در غیر خدا تعالی اعتقاد کردن چنانچه در کتاب
الکبیر تصنیف حضرت شاه ولی الله محدث دهلوی است مذکور و مرقوم
عبادت آن این است شرک نیست که غیر خدا را اضافه صفات اشیاء یا مثل تصرف
در عالم براراده که تعبیر از آن به کفر است می شود یا علم ذاتی از غیر التماس

تکلیف
مربوطه
در حدیث
نکوه که در
از بر زمین
خلق کفار
معنی
است
شکستن
یعنی

تذکره از حضرت شیخ الفیاض...
 در بیان تفاوت بین این دو...
 اولی در مقام عبادت است...

کتابت است...
 در بیان تفاوت بین این دو...
 اولی در مقام عبادت است...
 دومی در مقام عبادت است...
 در بیان تفاوت بین این دو...
 اولی در مقام عبادت است...
 دومی در مقام عبادت است...

مَا يَفْعَلُونَ مِنْ تَقْبِيلِ الْأَرْضِ بَيْنَ يَدَيْ الْعُلَمَاءِ وَالْعِظَمَاءِ
 فَسَلَّمَ وَالْفَاعِلُ وَالرَّاضِي بِهِ أَيْمَانٌ لِأَنَّهُ لِيَسْتَبَاهُ عِبَادًا
 الْوَسْتَيْنِ أَنْتَهَى وَدَرِينِ اخْتِلَافِ اسْتِعْلَامِ الْأَرْضِينَ فَعَلُ كَأَوْفَمِ
 مِ شَوْ دِيَانَهُ بِسِ اِرْتَقْبِيلِ اِرْضِينَ وَبِهِ عِبَادَتٍ وَبِهِ تَقْبِيمِ بَاشَرُ كَفَرْتِ
 وَكَرْبُ وَبِهِ تَحْيِيَةٍ بِهَا كَفَرْتِ شَوْ دِيَانَهُ لِيَكُنْ مَرْكَبُ أَنْ كُنْ كَارِ وَصَاحِبُ بِيَرِهِ
 اسْتِ كَمَا يَظْهَرُ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْمُخْتَارِ فِي هَذَا الْمَقَامِ هَلْ يَكْفُرُ
 إِنْ عَلُو وَجْهِ الْعِبَادَةِ وَالْتَعْظِيمِ كَفَرُ وَإِنْ عَلُو وَجْهِ
 التَّحِيَّةِ لَا وَصَارَ امْتِثَالًا مِنْ تَحْيَا بِالْكِبَرِيَّةِ أَنْتَهَى **سؤال**
دویم عبادت چه معنی دارد و شرع **جواب** عبادت و شریع
 عبادت تدلل و خضوع است چنانچه در تفسیر مدارک بیضاوی مرقوم است
 فِي الْمَدْرِكِ الْعِبَادَةُ أَفْضَى غَايَةِ الْخُضُوعِ وَالْتَدَلُّ وَفِيهِ تَدَلُّ
 هَذَا فِي الْبَيْضَاوِيِّ وَقَرِيبٌ هَذَا فِي تَقْسِيرِ الرَّسْمَانِيِّ وَعِبَادَةٌ
 وَشَرِيعَةٌ بِرُتُوحِهِدُ وَطَاعَتِهِمْ اِلْطِاقُ آدَمَ چنانچه در کتاب حوجه تفسیر
 تَضْيِيفُ اَوْسَادُ الْفَقِيهِ الْعَالِمِ اِسْمَاعِيلِ بْنِ حَسَنِ الْفَرُغِيانِيِّ
 نَدْوَسْتُ الْعِبَادَةَ عَلَى وَجْهَيْنِ احَدُهُمَا التَّوْحِيَّةُ كَقَوْلِهِ تَعَالَى
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْعَبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَاللثَانِ الطَّاعَةَ
 كَقَوْلِهِ تَعَالَى سُبْحَانَ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كَانُوا يَعْبُدُونَ قَالَوا

۱۰
 در بیان تفاوت بین این دو...
 اولی در مقام عبادت است...
 دومی در مقام عبادت است...
 در بیان تفاوت بین این دو...
 اولی در مقام عبادت است...
 دومی در مقام عبادت است...

سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَوَيْسْتَ مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِبْرَ
 الَّذِينَ هُمْ مُؤْمِنُونَ ^{معنی عبادت درین آیه کریمه یا ایها الناس}
 اعْبُدُوا وَأَنْتُمْ كُفَرَاءُ وَرَدِّكُمْ تَفَاهِيرُ مِمَّنْ نُوَشْتُهُ
 اِنَّهٗ وَقَالَ الْاِمَامُ الرَّازِي فِي تَفْسِيْرِهِ الْمُسْتَسْنَى بِالْكَبِيْرِ الْعِبَادَةُ
 عِبَادَةٌ عَنِ الْفِعْلِ الَّذِي يُؤْتَى فِيهِ لِعَرْضِ الشَّعْطِ الْعَبْدَانِ
سؤال سوم لفظ آله معنی دارد در شرع جواب من
 الیه معبود است برابر است که حق باشد یا باطل لیکن غالب در عرف شرع اطلاق
 بر معبود بحق میکنند چنانچه در کتاب تفسیر کبیر در تفسیر سوره فاتحه مذکور
 اِنَّ اَوْلَاهُ هُوَ الْمَعْبُودُ سَوَاءٌ عَبْدٌ بِالْحَقِّ اَوْ بِاطِلٍ ثُمَّ
 عَلَبَ فِي عَرَفِ الشَّرْعِ كَلِمَ الْمَعْبُودِ بِالْحَقِّ اَنْتُمْ وَرَدِّ تَفْسِيْرِ عَرَفِ
 چنین معنی آله نوشته عِبَادَةٌ هَكَذَا اَوْ اَلَا هُ اسْمُ لَدَاتِ
 الْمَعْبُودِ هُوَ اَوْ اِنْ كُنْ حَظْفِ فِيهِ الْمَعْنَى كَمَا يُقْصَدُ قِلْدَانِكَ
 لَا يُوَاصَفُ بِهِ اَعْلَبَ عَلَى الْمَعْبُودِ بِطَرِيقِ الْكَلِمَةِ اَنْتُمْ
 و نیز در تفسیر رحمانی از امام رازی ^{معنی آله نقل نموده} حَيْثُ قَالَ
 اَلَا هُ هُوَ الْمَوْجُودُ الْاَلَا فِي الْاَيْدِي الْوَالِحِ لِيَا هُ الْمُنْعَمَ
 لَا يَلْتَقِي بِهِ الْمَوْجِدُ نَعْبِيهِ اَنْتُمْ ^{سؤال چهارم}
 آله شرعیست چنانچه **جواب** اوله شرعیست که در اصول فقه می آید

سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَوَيْسْتَ مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِبْرَ
 الَّذِينَ هُمْ مُؤْمِنُونَ ^{معنی عبادت درین آیه کریمه یا ایها الناس}
 اعْبُدُوا وَأَنْتُمْ كُفَرَاءُ وَرَدِّكُمْ تَفَاهِيرُ مِمَّنْ نُوَشْتُهُ
 اِنَّهٗ وَقَالَ الْاِمَامُ الرَّازِي فِي تَفْسِيْرِهِ الْمُسْتَسْنَى بِالْكَبِيْرِ الْعِبَادَةُ
 عِبَادَةٌ عَنِ الْفِعْلِ الَّذِي يُؤْتَى فِيهِ لِعَرْضِ الشَّعْطِ الْعَبْدَانِ
سؤال سوم لفظ آله معنی دارد در شرع جواب من
 الیه معبود است برابر است که حق باشد یا باطل لیکن غالب در عرف شرع اطلاق
 بر معبود بحق میکنند چنانچه در کتاب تفسیر کبیر در تفسیر سوره فاتحه مذکور
 اِنَّ اَوْلَاهُ هُوَ الْمَعْبُودُ سَوَاءٌ عَبْدٌ بِالْحَقِّ اَوْ بِاطِلٍ ثُمَّ
 عَلَبَ فِي عَرَفِ الشَّرْعِ كَلِمَ الْمَعْبُودِ بِالْحَقِّ اَنْتُمْ وَرَدِّ تَفْسِيْرِ عَرَفِ
 چنین معنی آله نوشته عِبَادَةٌ هَكَذَا اَوْ اَلَا هُ اسْمُ لَدَاتِ
 الْمَعْبُودِ هُوَ اَوْ اِنْ كُنْ حَظْفِ فِيهِ الْمَعْنَى كَمَا يُقْصَدُ قِلْدَانِكَ
 لَا يُوَاصَفُ بِهِ اَعْلَبَ عَلَى الْمَعْبُودِ بِطَرِيقِ الْكَلِمَةِ اَنْتُمْ
 و نیز در تفسیر رحمانی از امام رازی ^{معنی آله نقل نموده} حَيْثُ قَالَ
 اَلَا هُ هُوَ الْمَوْجُودُ الْاَلَا فِي الْاَيْدِي الْوَالِحِ لِيَا هُ الْمُنْعَمَ
 لَا يَلْتَقِي بِهِ الْمَوْجِدُ نَعْبِيهِ اَنْتُمْ ^{سؤال چهارم}
 آله شرعیست چنانچه **جواب** اوله شرعیست که در اصول فقه می آید

الكتاب

چهارم کتاب و اشته و الاجماع و القياس و كذا في التوضيح والمنها
 و الحسامي و الشاشي و المسلم و البرزوي و غيرهم كتب اصول الفقهه ليكن
 قياس آن قياس حجت است كه مفروض بشرط باشد موافق شرط مذكوره
 كه در اصول فقهه مسطور اند و استخوان و استصحاب مغیره داخل در
 قياس نم و امده علم سوال **سوال** **بچه** كرسيدك توش بر كلمه لا اله
 الا الله محمدا رسول الله شده باشد و منافی آن از و صاد شده
 یعنی انكار از ضروریات دین مثل بعثت و رسالت و معجزات انبیاء و وكرات
 اولیاء امده و افانت ایشان و غیره از وجبات ترك برای جنین شخص در شرع
 شریف چه حکم است مومن است یا کافر یا مشكک جواب مومن است نه
 کافر و نه مشكک لیکن اگر ترك گناه بگیرد یا ترك فرض از فرایض شده باشد
 و توبه نکرده باشد پس این شخص مومن فاسق است آخر امید نجات است اگر
 چه بعد عذاب باشد و امید عفو هم است که بشفاعت پیغمبر خدا
 صلی الله علیه و سلم بدون عذاب مغفرت کند ان او شود
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَهُوَ يُعَلِّمُ
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَكَذَا فِي الْمَشْكُوكَةِ
 قَالَ الشَّيْخُ عَبْدُ الْحَكِيمِ فِي سُرُوحِ الْغُرَبَاءِ وَازِيدُكَ أَنْ بَعْدَ الْعَذَابِ
 أَزْوَاجَهُ لِيَسْتَفَاعَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهُ نَبِيُّ

این تفسیر است
 نه از اصول فقهه
 یعنی حکم
 بچه
 توش
 بر
 كلمه
 لا
 اله
 الا
 الله
 محمدا
 رسول
 الله
 شده
 باشد
 و
 منافی
 آن
 از
 و
 صاد
 شده
 یعنی
 انكار
 از
 ضروریات
 دین
 مثل
 بعثت
 و
 رسالت
 و
 معجزات
 انبیاء
 و
 وكرات
 اولیاء
 امده
 و
 افانت
 ایشان
 و
 غیره
 از
 وجبات
 ترك
 برای
 جنین
 شخص
 در
 شرع
 شریف
 چه
 حکم
 است
 مومن
 است
 یا
 کافر
 یا
 مشكک
 جواب
 مومن
 است
 نه
 کافر
 و
 نه
 مشكک
 لیکن
 اگر
 ترك
 گناه
 بگیرد
 یا
 ترك
 فرض
 از
 فرایض
 شده
 باشد
 و
 توبه
 نکرده
 باشد
 پس
 این
 شخص
 مومن
 فاسق
 است
 آخر
 امید
 نجات
 است
 اگر
 چه
 بعد
 عذاب
 باشد
 و
 امید
 عفو
 هم
 است
 که
 بشفاعت
 پیغمبر
 خدا
 صلی
 الله
 علیه
 و
 سلم
 بدون
 عذاب
 مغفرت
 کند
 ان
 او
 شود
 قَالَ
 رَسُولُ
 اللَّهِ
 صَلَّى
 اللَّهُ
 عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ
 مَنْ
 مَاتَ
 وَهُوَ
 يُعَلِّمُ
 أَنَّهُ
 لَا
 إِلَهَ
 إِلَّا
 اللَّهُ
 دَخَلَ
 الْجَنَّةَ
 رَوَاهُ
 مُسْلِمٌ
 وَكَذَا
 فِي
 الْمَشْكُوكَةِ
 قَالَ
 الشَّيْخُ
 عَبْدُ
 الْحَكِيمِ
 فِي
 سُرُوحِ
 الْغُرَبَاءِ
 وَازِيدُكَ
 أَنْ
 بَعْدَ
 الْعَذَابِ
 أَزْوَاجَهُ
 لِيَسْتَفَاعَةَ
 النَّبِيِّ
 صَلَّى
 اللَّهُ
 عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ
 إِنَّهُ
 نَبِيُّ

و بر شیخ عبدالحق محدث دهلوی در ترجمه فارسی تحت این حدیث می نویسند
کسیکه بمیرد حال آنکه می داند و یقین دارد بوجه اینست در رسالت پیغمبر
در می آید نیست را اگر چه در مقابله گنامان که دارد در وزخ نیز در آید و غذا
بیند و تواند که بشفاعت محمد رسول الله درگذرند از گنامان و در تبارند
اورا در وزخ انستی و اگر موتش بر کلمه لا اله الا الله که آخر کلام او شده پس
مبشر نجیبست موافق حدیث شریف قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ مِنْ أَجْرِكُمْ لَمْ يَلَهُ إِلَّا
اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ كَذَابِي الْمَصَابِيحِ وَفِي مَتْنٍ أَوْ أَقْفَاتٍ
مَنْ تَكَبَّ الْكِبْرِيَّةَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ مُؤْمِنٍ أَنْتَهَى وَفِي عَقَائِدِ
التَّسْفِي وَالْكِبْرِيَّةَ لَا تُخْرَجُ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْإِيمَانِ إِنَّمَا
سؤال ششم شخصی که منکر باشد فیض روح مبارک محمد رسول
الله علیه و سلم در عالم برنخ در شرع حکم او چیست و چه باید گفت سوال
هفتم شخصی که منکر باشد از فیض ارواح مقدسه انبیاء دیگر علیهم الصلوة
و السلام در شرع حکم او چیست کافر یا مشرک یا مرتکب کبیره یا صغیره
سؤال هشتم شخصی که منکر باشد از فیض ارواح اولیاء الله
در عالم برنخ حکم او چیست از امور آن مذکور جواب
هر سه سوال هر فیض شرعی که ثبوت آن باخبار

۱۲
نیز در رساله
مجلس علمیه
سکون کبیر
حاج میرزا
نزد در وقت
با چنین
سراج در
نیم بوقت
نزد در وقت
از این
بل السلام
از این
مضمون
از این
نظر
کبر و حاج
از این
از این
نزد
تعالی
نزد
کبر

کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است
 کفر با خداوند است

متواتره باشد پس منکر آن کافرست و هر فیضیکه ثبوت آن با جابر مشهور
 باشد پس منکر آن نزدیک شهر کافرست و نزد بعضی کافرست بلکه
 ضال است و هو الصحیح و هر فیضیکه ثبوت آن بخبر واحد باشد پس منکر
 آن کافر نیست کین بسبب آنکه قبول گنہ کار خواهد شد بشرطیکه ثبوت
 آن بطریق صحیح یا بطریق حسن خواهد شد و اگر ازین هر سه یکی تمام
 نباشد پس منکر آنرا حکم مکفب نماید کرد و لیکن شرط در ثبوت جابر متواتره
 مشهوره و احاد نیست که در امور دین باشد و اگر در امور دین نباشد
 مثلا انکار وجود قائم و شجاعت حضرت علی رضی الله تعالی عنہ پس از انکار
 آن کافر نمیشود و فی رسالہ الففاظ الکفر لعلی القاری همیشه
 قال و فی المحیط من انکار الاخبار المتواترة فی الشریعة کفر منکر
 لیس لجرید علی الرجال و من اصل الون و اصل
 الاضحیة کفر ولا یخفی انما ایتة بقوله
 فی الشریعة لانه ان انکر متواترا فی غیر
 الشریعة کانکار جوحائمه و شجاعة علی و غیره کالکفر تمام
 انه اراد بالمتواتر التواتر المعنی لا اللفظی بعدیم ثبوت تخیر لیس
 الحزب و اصل الون و الاضحیة بالتواتر المستطیع فان
 الاخبار المرئیة عنه صلی الله علیه و کرم علی ثلاث

متواتره باشد و هر فیضیکه ثبوت آن با جابر مشهور
 باشد پس منکر آن نزدیک شهر کافرست و نزد بعضی کافرست بلکه
 ضال است و هو الصحیح و هر فیضیکه ثبوت آن بخبر واحد باشد پس منکر
 آن کافر نیست کین بسبب آنکه قبول گنہ کار خواهد شد بشرطیکه ثبوت
 آن بطریق صحیح یا بطریق حسن خواهد شد و اگر ازین هر سه یکی تمام
 نباشد پس منکر آنرا حکم مکفب نماید کرد و لیکن شرط در ثبوت جابر متواتره
 مشهوره و احاد نیست که در امور دین باشد و اگر در امور دین نباشد
 مثلا انکار وجود قائم و شجاعت حضرت علی رضی الله تعالی عنہ پس از انکار
 آن کافر نمیشود و فی رسالہ الففاظ الکفر لعلی القاری همیشه
 قال و فی المحیط من انکار الاخبار المتواترة فی الشریعة کفر منکر
 لیس لجرید علی الرجال و من اصل الون و اصل
 الاضحیة کفر ولا یخفی انما ایتة بقوله
 فی الشریعة لانه ان انکر متواترا فی غیر
 الشریعة کانکار جوحائمه و شجاعة علی و غیره کالکفر تمام
 انه اراد بالمتواتر التواتر المعنی لا اللفظی بعدیم ثبوت تخیر لیس
 الحزب و اصل الون و الاضحیة بالتواتر المستطیع فان
 الاخبار المرئیة عنه صلی الله علیه و کرم علی ثلاث

مَرَاتِبِ مُتَوَاتِرٍ وَهُوَ مَرَادُ الْأَجْمَاعَةِ عَنْ جَمَاعَةٍ لَا

يَتَصَوَّرُ تَوَاطُّعَهُمْ عَلَى الْكُذِبِ لَمَنْ أَنْكَرَهُ كَفْرًا وَمَشْهُورًا

وَهُوَ مَرَادُ وَاهٍ وَاحِدٍ عَنْ وَاحِدٍ ثُمَّ جَمَعَ عَنْ جَمْعٍ لَا يَتَصَوَّرُ

تَوَافُقَهُمْ عَلَى الْكُذِبِ وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَفْرًا عِنْدَ الْكُلِّ الْأَعْيُنِ

ابْنِ عَبَّاسٍ فَإِنَّ عِنْدَهُ يُضَلُّ وَلَا يَكْفُرُ وَهُوَ الصَّحِيحُ

وَحَبُّبُ الْوَلِيدِ وَهُوَ أَنْ يَنْ وَيَهُ وَاحِدٌ عَنْ وَاحِدٍ

فَلَا يَكْفُرُ بِجَلْدِهِ غَيْرَ أَنَّهُ يَا شِمْرُ بَيْتُكَ الْقَبُولُ إِذَا

كَانَ صَحِيحًا أَوْ حَسَنًا انْتَهَى سَوَالُهُمْ سِوَاكَ

بِأَنَّكَ كَرَامَتٌ وَفِي مَطْلُوقِ عَمَلٍ مَا عَمِلْتَ كَافِرًا بِسُوءِ يَأْفَاقِ

جَوَابِ مَنْكَرِ كَرَامَتِ وَفِي مَطْلُوقِ عَمَلٍ مِنْهُ مَقْتَرَةٌ وَبِمَبْتَدِعِ اسْتِ

زِيرِكِهِ بِرُضْلَافِ عَقِيدِهِ اِهْلِ السُّنْتِ اسْتِ جَانِبِهِ وَرَكِبَ عَقَائِدِ اِهْلِ السُّنْتِ

مَنْثَلِ عَقَائِدِ نَسَفِيٍّ وَغَيْرِهِ مَرْقُومٍ وَسَطُورِ اسْتِ كَرَامَتِ الْأَوْلِيَاءِ حَرْفِيٍّ

شَرَحَ فَقَاهُ الْأَكْبَرُ لِأَعْيُنِ قَارِيٍّ وَالْكَرَامَاتِ لِلْأَوْلِيَاءِ

سُؤَالِ تَابِتٍ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَلَا عَيْنَ تَخَالِفَةَ الْمَعْنَى

وَأَهْلُ الْبَيْدَةِ عَاتِيَةٌ فِي انْتِخَابِ الْكَرَامَاتِ انْتَهَى فِي رِجَالِهِ بَابُ اسْتِ

كِرَامَتِ اسْتِ زَوَالِيٍّ كَمَا دَلَّ عَلَى اسْتِ تَابِتٍ سُنْدَةً بَشَرًا كَرَامَتِ اسْتِ حَرْفِيٍّ

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like 'وَهُوَ مَرَادُ' and 'وَالْكَرَامَاتِ'.

15

Handwritten marginal notes at the bottom left, including 'قَسْمٌ مِنْهُ' and 'وَالْكَرَامَاتِ'.

او خصوصا از نصوص قطعیه ثابت باشد مثل ولایت حضرت ابو بکر صدیق و حضرت
 عمر فاروق و حضرت عثمان و حضرت علی مدینه و کریم نیز باخبار متواتره
 یا مشهوره ثابت باشد پس سران کافرست و اگر ولایت او بخصوص ثابت باشد
 و کرامت او باخبار ثابت نشده یا ولایت و کرامت او بهر دو از روی اخبار و نصوص
 ثابت شده پس سران کافرست ^{و ولایت و کرامت حضرت غوث الاعظم قدر}
 اندر آنکه اگر چه ثبوت آن از ادله قطعیه شرعی نیست لیکن ثبوت ولایت و
 کرامت ایشان بسیاری از علماء و اولیا که احصای آن ممکن نیست است از پیش سران
 باید که خاطر بیاید زیرا که در شمار کرامت ایشان ^{احاطه تمام} تفصیل بسیار از علامات
 و اهدا ^{خلاصه} و اجماع علی سلف که در سوال مرقوم است بطور جمیع شرعی در
 اولی انقاد و غیر مسلم پس این حکم و غیر ایشان نخواهد بود و بعد علم سوال
 یازدهم زیارت بوال اهل اسلام از قول فیصل رسول ^{صلی الله علیه و سلم}
 ثابت است یا نه جواب زیارت بوال اهل اسلام یعنی رفتن بسوی تسبیح اهل
 اسلام و عبرت گرفتن و برای ایشان دعا نمودن و یاد کردن آن حضرت و بی غیبت
 شدن از دنیا و مقرون ببدعت نشدن چون سجده و طواف و غیره از قول
 و فصل غیر خدا صلی الله علیه و سلم ثابت است ^{عنه} عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُنْتُ كُمْ عَنِ يَارَ
 الْقُبُورِ فَنَزَلُوا هَارَ وَأَنَا مُسَلِّمٌ وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

اینست که در کتابهای معتبره آمده است که زیارت بوال اهل اسلام از قول رسول خدا است

اینست که در کتابهای معتبره آمده است که زیارت بوال اهل اسلام از قول رسول خدا است

اعازت زیارت قبور فرموده اند بعد از آنکه نمی فرموده بودند قال
 هتبتکم عن زیارة القبور فنوروها فانها تنها
 فی الدنيا وتذکر الاخذة رواه ابن ماجه کذا فی
 مشکوٰۃ این قسم فواید از زیارت قبور حاصل می شود و درین قسم
 زیارت کردن قبر ولی و غیر ولی و شهید و غیر شهید و صالح و فاسق و
 غنی و فقیر برابر است بلکه از زیارت قبور غنیها و ملوک آیه تر عبرت
 حاصل میگردد و **دویم** آنکه برای زیارت قبور روز و پنجشنبه که در حدیث
 شریف نزد فرور داشته و در غیر قبور جائز و مباح اند عمل نمایند
 مثل بوسه دادن و مسح کردن قبر و انجاء نمودن و ضحک و قهقهه
 و نوم نبرد بعضی خواندن قرآن بجزر و ختم نبرد و از آلات لهو و کلام
 دنیا بی فایده و دیگر افعال و کلام مالا یعنی نمودن و خوردن و آشامیدن
 این قسم افعال نزد قبر نمودن مکروه است پس هر که زیارت قبر
 باین طور خواهد نمود در حق او این افعال مکروه نخواهند شد و بیکره
 عند القبر کما لم یعمد من السنه و الممک منها لیس
 الا زیارتها و الدعاء عندها قائما کما کان یفعل
 صلی الله علیه و سلم فی الخرج الی البقیع کذا فی البحر
 و الخرو فیع القدر و مثله فی فتاوی عالمگیری و غیرها

۱۰
 این قسم فواید از زیارت قبور حاصل می شود و درین قسم
 زیارت کردن قبر ولی و غیر ولی و شهید و غیر شهید و صالح و فاسق و
 غنی و فقیر برابر است بلکه از زیارت قبور غنیها و ملوک آیه تر عبرت
 حاصل میگردد و دویم آنکه برای زیارت قبور روز و پنجشنبه که در حدیث
 شریف نزد فرور داشته و در غیر قبور جائز و مباح اند عمل نمایند
 مثل بوسه دادن و مسح کردن قبر و انجاء نمودن و ضحک و قهقهه
 و نوم نبرد بعضی خواندن قرآن بجزر و ختم نبرد و از آلات لهو و کلام
 دنیا بی فایده و دیگر افعال و کلام مالا یعنی نمودن و خوردن و آشامیدن
 این قسم افعال نزد قبر نمودن مکروه است پس هر که زیارت قبر
 باین طور خواهد نمود در حق او این افعال مکروه نخواهند شد و بیکره
 عند القبر کما لم یعمد من السنه و الممک منها لیس
 الا زیارتها و الدعاء عندها قائما کما کان یفعل
 صلی الله علیه و سلم فی الخرج الی البقیع کذا فی البحر
 و الخرو فیع القدر و مثله فی فتاوی عالمگیری و غیرها
 ۲۱
 این قسم فواید از زیارت قبور حاصل می شود و درین قسم
 زیارت کردن قبر ولی و غیر ولی و شهید و غیر شهید و صالح و فاسق و
 غنی و فقیر برابر است بلکه از زیارت قبور غنیها و ملوک آیه تر عبرت
 حاصل میگردد و دویم آنکه برای زیارت قبور روز و پنجشنبه که در حدیث
 شریف نزد فرور داشته و در غیر قبور جائز و مباح اند عمل نمایند
 مثل بوسه دادن و مسح کردن قبر و انجاء نمودن و ضحک و قهقهه
 و نوم نبرد بعضی خواندن قرآن بجزر و ختم نبرد و از آلات لهو و کلام
 دنیا بی فایده و دیگر افعال و کلام مالا یعنی نمودن و خوردن و آشامیدن
 این قسم افعال نزد قبر نمودن مکروه است پس هر که زیارت قبر
 باین طور خواهد نمود در حق او این افعال مکروه نخواهند شد و بیکره
 عند القبر کما لم یعمد من السنه و الممک منها لیس
 الا زیارتها و الدعاء عندها قائما کما کان یفعل
 صلی الله علیه و سلم فی الخرج الی البقیع کذا فی البحر
 و الخرو فیع القدر و مثله فی فتاوی عالمگیری و غیرها

قَالَ الْحَرَبِيُّ فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَتَعَرَّضُ لِكُلِّ خَيْرٍ
عَزَّابِي ذُرَّانْتِي قَالَ الْمَنَاوِي فِي شَرْحِهِ الْمُخْتَصَرِ
فِيهِ نَدَبُ زِيَارَةِ الْقَبْرِ أَيَّ لِلرَّجَالِ وَتَعْسِيلِ الْمَوْتِ
لَكِنْ لَا يَمَسُّ الْقَبْرَ وَلَا يَقْتَبِلُهُ فَإِنَّهُ عَادَةُ النَّصَارَى
أَنْتِي وَقَالَ الْمَنَاوِي فِي شَرْحِهِ فِي مَوْضِعٍ أُخَرَ تَشْرَحُ
حَدِيثَ كُنْتُ هَيْبْتُ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ قُرُورُهَا
أَيْ لِشَرْطِ أَنْ لَا يَقْتَرَنَ بِذَلِكَ تَمَسُّحُ بِالْقَبْرِ وَتَقْبِيلُهُ
فَإِنَّهُ كَمَا قَالَ السُّبُّكِيُّ بِدَعْوَةِ مُنْكَرَةٍ أَنْتِي وَفِي كِتَابِ
شَجَرَةِ الْإِيمَانِ جُورِ كَسِي دَرْگورستان جُورِي مَجُورِي أَيُّ شَاهِدِي بِنَجْمِيَا
قَبْرِ بِلُوسِه وَهِيَا سَجْدَه كَنْدِيَا دَرِ آنجَا أَنْشِ سُوَزِ لِمَذَاهِنِ بَهْمِدِ كَرُوهُ تَحْمِيِي اِسْت
أَنْتِي وَدَرِ تَرْجَمِه شَكُوهُ شَيْخِ عَبْدِ الْحَيِّ دَهْلَوِي مُحَدَّثِ نَكُورِ شَهْتِ وَمَسَّحُ كَنْدِ قَبْرِ بِلُوسِ
وَ بُوَسْتِه وَهِيََا سَزَاوِ مَنجِيِي تَسُوَدِ وَرُوِي بِنَجَاكِ نَالِهْ كِه اَيْنِ عَادَةُ نَصَارَى اِسْت
وَ قَرَاتِ قُرْآنِ نَزْدِ قَبْرِ كَرُوهُ نَزْدِ اِسْتِ جَيْفِيَه بِهْمِ وَ نَزْدِ مَحْمُودِ كَرُوهُ نَيْتِ وَ صَدِ
شَهْمِيدِ كِه كِي اِرْشِيَاخِ حَقِيْقِيَهْتِ بِمَقُولِ مَحْمُودِ كَرُوهُ وَ تَسْمُوْمِ مَعْرِيِنِ اِسْت
وَ شَيْخِ مَحْمُودِ بْنِ بَعْضِ كَلَمَةِ كِه كَرُوهُ قَرَاتِ قُرْآنِ بِجَيْسْتِ اِلَّا فَاقِيْتِ
لَا بَابِ اِسْتِ اِكْرَاهِيَهْتِ كَنْدِ اِلَّا اِخْرَهْ اِهْمَالِ مِيُوَهْ اِنْكِه نَزْدِ قَبْرِ رُفْتِهْ قَبْرِ اِسْتِ جَدِ
نَايِدِ يَا كَرْدِ قَبْرِ طَوَافِي سَارِ دِيَا نَزْدِ قَبْرِ قَصْرِ ضَرْبَاتِ هُوْمَنْشِ دَهْلِ وَ دَهْلِكِ دَسَارِكِي

مجموعه کتابهای سنی
تفسیر جامع القرآن
در بیان حقایق و معانی
و در بیان فضیلت و کمالات
و در بیان عقوبات و جزایات
و در بیان حکایات و مناسبات
و در بیان صنایع و مهارت
و در بیان حقایق و معانی
و در بیان فضیلت و کمالات
و در بیان عقوبات و جزایات
و در بیان حکایات و مناسبات
و در بیان صنایع و مهارت
و در بیان حقایق و معانی
و در بیان فضیلت و کمالات
و در بیان عقوبات و جزایات
و در بیان حکایات و مناسبات
و در بیان صنایع و مهارت
و در بیان حقایق و معانی
و در بیان فضیلت و کمالات
و در بیان عقوبات و جزایات
و در بیان حکایات و مناسبات
و در بیان صنایع و مهارت
و در بیان حقایق و معانی
و در بیان فضیلت و کمالات
و در بیان عقوبات و جزایات
و در بیان حکایات و مناسبات
و در بیان صنایع و مهارت

در فتاوی کلامیه
 در فتاوی فقهیه
 در فتاوی اخلاقیه
 در فتاوی تربیتی
 در فتاوی اجتماعی
 در فتاوی سیاسی
 در فتاوی اقتصادی
 در فتاوی حقوقی
 در فتاوی پزشکی
 در فتاوی نظامی
 در فتاوی ادبی
 در فتاوی تاریخی
 در فتاوی فلسفی
 در فتاوی علمی
 در فتاوی هنری
 در فتاوی ورزشی
 در فتاوی تفریحی
 در فتاوی خانگی
 در فتاوی اجتماعی
 در فتاوی سیاسی
 در فتاوی اقتصادی
 در فتاوی حقوقی
 در فتاوی پزشکی
 در فتاوی نظامی
 در فتاوی ادبی
 در فتاوی تاریخی
 در فتاوی فلسفی
 در فتاوی علمی
 در فتاوی هنری
 در فتاوی ورزشی
 در فتاوی تفریحی
 در فتاوی خانگی

و سار و رباب و صبح مزامیر و معارف و نوبت لوازی و غلاف قبر محبت
 تعظیم پوشانیدن باین طور رفتن بسوی قبر حرام است چرا که اکثر این چیزها
 فی نفسه در غیر مقابر حرام اند و در مقام تبرک که مقابر اند زیاده تر حرام می شود
 شد و فی فتاوی الحکامیه قال الفقیه یوجع من قبل الأَرْضِ
 بَيْنَ يَدَي سُلْطَانٍ أَوْ أَمِيرٍ أَوْ سَجْدَ لَهُ فَإِنْ كَانَ عَلَى وَجْهِ
 الْحِجَّةِ لَا يَكْفُرُ وَلَكِنْ يَصِدُّ عَنْ تَكْبِيرًا لِلْكَبِيرَةِ
 چه آدم آنکه نزد قبر زنده سجده عبادت نماید از صاحب بر حاجت خود مثل
 طلب ولد و طلب شفا و مرض و طلب تن و کشف مصائب و بلاد و دیگر حاجات خود
 بالاستقلال یا بطریق شراکت دسته یا مشورت در عالم نبیست نماید این قسم
 رفتن موجب کفر نیست و فی شرح المناسک ملّا علی قاری
 وَلَا يَصُوتُ أَيُّ وَلَا يَدْرُحُوهُ بِالْمَقْعَةِ الشَّرِيفَةِ لِأَنَّ الطَّوْفَ
 مِنْ مَخْصَصَاتِ الْكُتُبِ الْمَنَفِيَّةِ فَحَرِّمُوهُ تَعْرِفُ الْأَنْبِيَاءِ وَ
 الْأَوْلِيَاءِ وَلَا عَابَةَ بِمَا يَفْعَلُهُ الْجَهْلَاءُ وَلَوْ كَانُوا فِي صُورَةِ الْمَسْلُوحِ
 وَالْعُلَمَاءِ وَلَا يَحْتَجُّ وَلَا يَقْبَلُ الْأَرْضَ فَإِنَّهُ أَيُّ كَلْوَجِدِ بَدِخْ
 أَيُّ عِبْرٍ مُسْتَحْسِنَةٍ فَيَكُونُ مَكْرَهُهَا أَمَّا السَّجْدَةُ فَلَا تَسْكَ الْأَهْلَاءُ
 مَكْرَهُهَا فَلَا يَغْبِرُ الزَّكْرُ بِمَا يَرَى مِنْ فِعْلِ الْجَاهِلِينَ بَلْ يَتَّبِعُ
 الْعُلَمَاءُ الْعَامِلِينَ وَلَا يَصِلُ إِلَيْهِ أَيُّ الْجَانِبِ فَإِنَّهُ حَرَامٌ

بَلْ يُعْتَبِرُ يَكْفِرُهُ إِنْ أَرَادَ عِبَادَتَهُ وَتَعْظِيمُ قَبْرِ إِبْنَتِي وَفِي
النَّهْرِ الْفَائِقِ التَّعْرِيفَ لَيْسَ بِشَيْءٍ لِأَنَّ الْوُقُوفَ لِمَا كَانَ
عِبَادَةً فَخُصَّصَتْ بِمَكَانٍ كَمَا حُجِرَ فَعَلَاهُ إِلَّا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ
كَالطَّوَافِ وَغَيْرِهِ الْأُخْرَى أَنَّهُ لَا يَجُوزُ الطَّوَافُ حَوْلَ سَائِرِ
الْبُيُوتِ تَشْبِيهُهَا كَذَا فِي غَايَةِ الْبَيَانِ وَهَذَا ظَاهِرٌ أَنَّهُ يَكُونُ
مُتَحَرِّمًا وَصَرَاحٍ فِي الْمِعْرَاجِ بِأَنَّهُ لَوْ كُتِفَ حَوْلَ مَسْجِدِ سَعُودِي
الْكَعْبَةِ يُحْتَسِبُ عَلَيْهِ الْكُفْرُ إِبْنَتِي وَهَكَذَا فِي الْجِدْرِ
الرَّائِقِ وَالْكِتَابَةِ حَاشِيَةِ الْهُدَايَةِ سَوَالِ جِهَامِ
مقرر کردن روز برای زیارت قبور از روزها در شرع بهتر است یا نه
که ام‌کنایه جواب مقرر کردن روزی از روزهای هفته بوضعی که ام
شماره و در آن مقام ساز و از احادیث و روایات فقهیه کتب معتبره ثابت
نشد مگر در فتاوی عالمگیری این قدر نوشته کرد چهار روز دو شب
و پنجشنبه و جمعه و شب زیارت کند بهتر است عبارتند هَكَذَا أَفْضَلُ
أَيَّامُ الزِّيَارَةِ أَرْبَعَةٌ أَيَّامُ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ
وَالسَّبْتِ إِنَّمَا وَنَحْوُ ذَلِكَ رَوَيْتُ بِهَيْئَةٍ وَارْتَدُّهُ مِنْ زَادِ قَدِ ابْنِ
أَوَّلَ حَاضِرًا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ عَقْرُكَ وَكَيْتُ بِنِيسَ مَرَاوَزِ
كُلِّ جُمُعَةٍ مَفْهُومُهُ أَنْتَ جَبَّارٌ سَمِعَ عَبْدُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَزَّ جَزْبَةُ كَوَهْ شَرِيفٌ مَبِينٌ مَعْنَى

مکان از برای زیارت است که در روزهای خاص است و در روزهای دیگر نیست
مقرر کردن روزی از روزهای هفته بوضعی که ام
شماره و در آن مقام ساز و از احادیث و روایات فقهیه کتب معتبره ثابت
نشد مگر در فتاوی عالمگیری این قدر نوشته کرد چهار روز دو شب
و پنجشنبه و جمعه و شب زیارت کند بهتر است عبارتند هَكَذَا أَفْضَلُ
أَيَّامُ الزِّيَارَةِ أَرْبَعَةٌ أَيَّامُ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ
وَالسَّبْتِ إِنَّمَا وَنَحْوُ ذَلِكَ رَوَيْتُ بِهَيْئَةٍ وَارْتَدُّهُ مِنْ زَادِ قَدِ ابْنِ
أَوَّلَ حَاضِرًا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ عَقْرُكَ وَكَيْتُ بِنِيسَ مَرَاوَزِ
كُلِّ جُمُعَةٍ مَفْهُومُهُ أَنْتَ جَبَّارٌ سَمِعَ عَبْدُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَزَّ جَزْبَةُ كَوَهْ شَرِيفٌ مَبِينٌ مَعْنَى

مقرر کردن روزی از روزهای هفته بوضعی که ام
شماره و در آن مقام ساز و از احادیث و روایات فقهیه کتب معتبره ثابت
نشد مگر در فتاوی عالمگیری این قدر نوشته کرد چهار روز دو شب
و پنجشنبه و جمعه و شب زیارت کند بهتر است عبارتند هَكَذَا أَفْضَلُ
أَيَّامُ الزِّيَارَةِ أَرْبَعَةٌ أَيَّامُ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ
وَالسَّبْتِ إِنَّمَا وَنَحْوُ ذَلِكَ رَوَيْتُ بِهَيْئَةٍ وَارْتَدُّهُ مِنْ زَادِ قَدِ ابْنِ
أَوَّلَ حَاضِرًا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ عَقْرُكَ وَكَيْتُ بِنِيسَ مَرَاوَزِ
كُلِّ جُمُعَةٍ مَفْهُومُهُ أَنْتَ جَبَّارٌ سَمِعَ عَبْدُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَزَّ جَزْبَةُ كَوَهْ شَرِيفٌ مَبِينٌ مَعْنَى

یا اباحت است که امروزه مطایفة و رای معتزله هم همین است که اهل حق
 فی الدرر پس این روایات معلوم شد که اصل در شهادت یا حرمت است
 یا توقف یا اباحت اگر مذکور است یا توقف شده است پس مقرر کردن بوم
 عرس از طرف خود نباید ساخت که در حرمت خواهد بود و یاد امری خواهد
 افتاد که حال او معلوم نیست و اگر لحاظ اباحت در اصل اشیا کرده شود پس
 بظاهر معلوم میشود که مقرر کردن بوم عرس جایز باشد لیکن این امر در وقت
 بدو جهت یکی که حدیث صحیح در مشکوٰۃ المصابیح بر اوایت نسائی مرویست
 دارد بر اینکه بهیئت استماعی نزد قبر مثل جمیع استماع نباید کرد و سخن این
 هَريرة رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَجْعَلُوا قُبُورَكُمْ قُبُورًا وَلَا تَجْعَلُوا قُبُورِي عَيْدًا
 وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ
 فِي الْمَشْكُوتِ قَالَ فِي مَجْمَعِ الْبَحَارِ فِي تَرْجُحِ هَذَا الْحَدِيثِ يَعْنِي
 لَا تَجْعَلُوا قُبُورِي عَيْدًا أَنِي لَا تَجْعَلُوا زِيَارَةَ قُبُورِي عَيْدًا وَقُبُورِي
 مَطَهْرٌ حَبِيدٌ أَنِي لَا تَجْعَلُوا زِيَارَتِي إِجْتِمَاعًا كَمَا لِلنَّبِيِّ فَإِنَّهُ
 يَوْمٌ لَهُمْ وَسُرُورٌ وَحَالَ الزِّيَارَةِ بِخِلَافِهِ وَكَانَ ذَابِئًا
 الْكِتَابِ فَأَوْرَدَهُمُ الْقُسُوفَ أَوْ مِنْ هَجِيرِ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ
 حَتَّى عَبَدُوا الْأَمْثَالَ لَيْكِنِ ابْنُ وَجْهِ مَخْصُوصٌ بِبَعْضِ

این روایت در مشکوٰۃ المصابیح
 در حدیث صحیح است
 در بیان این که
 در وقت بدو جهت یکی
 که حدیث صحیح در مشکوٰۃ
 المصابیح بر اوایت نسائی
 مرویست دارد بر اینکه
 بهیئت استماعی نزد قبر
 مثل جمیع استماع نباید
 کرد و سخن این هَريرة
 رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
 قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ
 اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ يَقُولُ
 لَا تَجْعَلُوا قُبُورَكُمْ
 قُبُورًا وَلَا تَجْعَلُوا
 قُبُورِي عَيْدًا وَصَلُّوا
 عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ
 تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ
 رَوَاهُ النَّسَائِيُّ فِي
 الْمَشْكُوتِ
 قَالَ فِي مَجْمَعِ
 الْبَحَارِ فِي تَرْجُحِ
 هَذَا الْحَدِيثِ
 يَعْنِي لَا تَجْعَلُوا
 قُبُورِي عَيْدًا أَنِي
 لَا تَجْعَلُوا زِيَارَةَ
 قُبُورِي عَيْدًا وَقُبُورِي
 مَطَهْرٌ حَبِيدٌ أَنِي
 لَا تَجْعَلُوا زِيَارَتِي
 إِجْتِمَاعًا كَمَا لِلنَّبِيِّ
 فَإِنَّهُ يَوْمٌ لَهُمْ
 وَسُرُورٌ وَحَالَ
 الزِّيَارَةِ بِخِلَافِهِ
 وَكَانَ ذَابِئًا
 الْكِتَابِ فَأَوْرَدَهُمُ
 الْقُسُوفَ أَوْ مِنْ
 هَجِيرِ عِبَادَةِ
 الْأَوْثَانِ حَتَّى
 عَبَدُوا الْأَمْثَالَ
 لَيْكِنِ ابْنُ وَجْهِ
 مَخْصُوصٌ بِبَعْضِ

نزد قبر خلیف دوم و چه که عام است که عرس نزد قبر باشد یا غیر قبر دووم ائمه در شریع
 شریف تاکید نموده شد با آنکه شعار اسلام اهتمام باید کرد چنانچه با قیامت
 جمعیه و جماعت و اقامت اعیان و جهاد و با قیامت امور حج مثل طواف خانه
 کعبه و سعی بین الصفا و المرده و وقوف عرفه و مزدلفه و اقامت در منادی
 جاری و بیجا بیا و بکثیرات تشریح و صلیق و غیره پس غیر شعار اسلام را اهتمام نمودن
 بمثل است تمام این امور در شریع مقصودست و فی زماننا ظاهر و هوید است
 که اهتمام اعراس مشایخ این قدر می کنند که در شعار اسلام اصلا کرده نمی شود
 مثلاً برای اقامت جمعیه خروج اکثر سلاطین و امرا و مشایخ عظام هرگز نمی شود
 و در اعراس بیرون و هم تمام نمودن هرگز فوت نمی شود بلکه بعضی بر
 ادای فسخ صوم این قدر اهتمام ندارند که برای کردن اعراس اهتمام
 دارند اگر فرض فوت شود هیچ با آن ندارند و اگر فرض فوت شود موجب
 بفرار کاره نگارند و روز عرس و تمام شهر شور و شغب مثل یوم عید
 می شود و تزئین لباس فاخره با استعمال طیب نامی نموده می میرند چنانکه
 برای رفتن باشد و جاییکه عرس میکند آنجا رفقه تجوید عادت شیعیه و
 منکرات قبیحه بسمل می آرد که ذکر آن نشاید بنا بر همین آنحضرت علی
 الله علیه وسلم در آخر مرض خود بعذر فرموده اند که لعن الله علی
 الیهود و النصارى اتخذوا قبور انبیائهم مساجدا

از آنکه عرس است
 ۱۱۰

عرس است
 ۱۱۱

عرس است
 ۱۱۲

صحت این روایت است
 در بعضی روایات آمده است که
 در روز نهار در روزهای
 صوم اگر کسی از فقیران
 یا مسکینان چیزی بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را
 در روز نهار بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را

۳۲
 و در بعضی روایات آمده است که
 در روز نهار در روزهای
 صوم اگر کسی از فقیران
 یا مسکینان چیزی بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را
 در روز نهار بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را

وَ فِي قَتْحِ الْقَدِيرِ يَكْرَهُ اخْتِذَاذَ الضِّياْفَةِ مِنَ الطَّعَامِ
 مِنْ اَهْلِ الْمِيْتِ لِانَّهُ كَشْرَعٍ فِي الشَّرْوَ وِ لَافِي الشَّرْوَ وِ وَ هُوَ
 بِدَعَاةِ مُسْتَقْبِحَةٌ رُوِيَ الْاِمَامُ الْاَكْبَرُ وَاِبْرُهَامُ جَابِرَةٌ
 بِاسْتِنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ جَبْرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ كُنَّا نَعْبُدُ
 الْاَجْتِمَاعَ اِلَى اَهْلِ الْمِيْتِ وَصَنَعِهِمْ الطَّعَامَ مِنَ النَّيْطَخِ
 وَ زُوَيْتِ قَتْحِ الْقَدِيرِ مَعْلُومٌ شَدَّةُ اخْتِذَاذِ طَعَامِ اَهْلِ مِيْتٍ اَلْمَكْرُوهَةُ هِيَ جَيْلِمٌ
 بَشْدِ يَاسِيَوْمٍ يَأْتِيهِمْ بِاَيْتَانَ اِپْسِ وِ زَمْعِيْنٌ مَبْرُوْدُنٌ لِبرَى اِپْسِ مَرْحُومٌ مَكْرُوهَةٌ حَتَّى
 شَدَّ وِ مُتَّصِدَقٌ طَعَامَ مَبْرُوْدُنٍ وَ ثَوَابُ اَنْ بِمِيْتٍ بِسَائِرِيْنَ جَائِزٌ هِيَ
 مُوقُوفٌ بِرُوزِي نَيْتٍ وِ مَعْنَى كَرْوِنٌ رُوزِي لِبُرَى اِيْصَالِ ثَوَابٍ مَبْرُوْدَةٍ
 كِهْ بِالْاِخْتِصِصِ مَبْرُوْدَةٍ رُوزِي هُوَ بَرِيْدٌ وِ دِيْكَرٌ رُوزِي هُوَ اَبْرُهَامُ بَرِيْدٌ خَطَايَا سَدِّ
اعلم سوال هفدهم هم برای زیارت قبور اولیاء الهی از
 کابل بپزدستان و از اینجا تا بانجا چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه
جواب دین سئله علم را اختلاف است بعضی جایز داشته و بعضی حرام
 نوشته چنانچه در قسطلانی شرح صحیح تجاری و ترجمه مشکوٰه شیخ عبدالحق
 محدث اهلبوم قوم مسطورت و فی الترجمة للشیخ الموصوف بعد الاما سفرت برا
 زیارت قبور صاحبین رسیدن مواضع نیز که خلاف است بعضی مباح و از
 بعضی حرام گویند انتهى و فی القسطلانی وَ لَخْتَلَفَ فِي شَدِّ الرَّجَالِ
 و در بعضی روایات آمده است که
 در روز نهار در روزهای
 صوم اگر کسی از فقیران
 یا مسکینان چیزی بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را
 در روز نهار بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را

و در بعضی روایات آمده است که
 در روز نهار در روزهای
 صوم اگر کسی از فقیران
 یا مسکینان چیزی بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را
 در روز نهار بخورد
 یا بنام خدا بخورد و در
 آن روز دعا بخواند و
 صدقه بدهد و این را

إِلَى غَيْرِهَا كَالرَّهَابِ إِلَى زِيَارَةِ الصَّالِحِينَ أَحْيَاءً وَأَمْوَانًا
 وَالْمَوَاضِعِ الْفَاضِلَةِ لِلصَّلَاةِ فِيهَا وَالتَّبَرُّكِ بِهَا فَقَالَ
 أَبُو مُحَمَّدٍ بنِ الْجَوْنِيِّ يَحْمُرُهُ عَمَلًا بِظَاهِرِ الْحَدِيثِ وَلَمَّا
 قَاضَى حُسَيْنٌ وَقَالَ بِهِ الْقَاضِي عِيَّاضُ وَطَائِفَةٌ
 وَالصَّيْحُ عِنْدَ مَا مِ الْخَرْمَيْنِ وَغَيْرِهِ مِنَ الشَّافِعِيِّ
 الْجَوَانِ أَيْ فِي شَرْحِ الْمَشْكُوتِ لِمِالَةِ عَلِيِّ قَارِي ذَهَبَ بَعْضُ
 الْعُلَمَاءِ إِلَى الْأَسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى الْمَنْعِ مِنَ الرِّجَالِ لِمِزَارَةِ
 السَّاهِدِ وَقَبُورِ الْعُلَمَاءِ وَالصَّالِحِينَ أَيْ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
 رَضِ قَالَ لَقِيتُ بَصْرَةَ بنَ أَبِي بَصْرَةَ الْغَفَّارِي
 فَقَالَ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ فَقُلْتُ مِنَ الطُّورِ فَقَالَ لَوْ أَذَرْتُكَ قَبْلَ
 أَنْ تَخْرُجَ إِلَيْهِ مَا حَرَجْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تُفْعَلُ الْمَطْيِي إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِلَى مَسْجِدِي هَذَا وَإِلَى مَسْجِدِ أَلْمِيَا أَوْ
 بِنْتِ الْمَقْدَسِ يُشَاكُّ رِوَاةَ مَا لِكُ فِي الْمَوْطَأِ فِي
 حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ وَقُلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَنَّ
 الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَمَسْجِدِي هَذَا أَيْ كَمَا هَلْ

ابن الجوزي في بيان ما في هذا الخبر من المعاني والآثار
 في قوله تعالى وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ
 وَأُخْرَى أَبْوَابٌ لِقَابِ رَبِّكَ وَسَبْعُ سَمَاوَاتٍ
 مُتَابَعَاتٍ مُتَوَاتِرَاتٍ فِي سِتْرَيْنِ لِيُحِيطَ
 بِالشَّيْءِ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْغَنِيُّ
 وَجِذَارٌ مِّنَ الْجِبَالِ يَرِيحُ فَتُصَوِّرُهَا
 كَمَا يُرِيدُ لَهَا أَجْرٌ مَّكِينٌ فَذُرِّيَّةُ
 لِقَابِ رَبِّكَ وَأَنَّ الْجِبَالَ حَبْلٌ مَّوَدَّقٌ
 وَأَنَّ الْجِبَالَ حَبْلٌ مَّوَدَّقٌ وَأَنَّ الْجِبَالَ
 حَبْلٌ مَّوَدَّقٌ وَأَنَّ الْجِبَالَ حَبْلٌ مَّوَدَّقٌ

٣٣

في بعض النسخ وذكر ان هذا الخبر رواه ابو جعفر محمد بن عمار بن محمد بن ابي بصير

في بعض النسخ وذكر ان هذا الخبر رواه ابو جعفر محمد بن عمار بن محمد بن ابي بصير

کتاب فی الجہلۃ بقصدون مواضع معظمہ بن عمہ بن ذر و نسا
وینتہا کون ہا و فیہ من الخرف و الفساد ما لا یخفی
فسد النبی صلی اللہ علیہ وسلم الفساد لثلا یلیغ غیر
الشعائر بالشعائر لثلا یصیر ذریعۃ لعبادۃ غیر
اللہ و الخ عندی ان القبر محل عبادۃ ولی من
اولیاء اللہ و الطور کل ذلک سوا فی النہی سوال
ہجرت ہم السلام علیکم یا اہل مقابر المشرکین
کفتن جائزت یا نہ جواب جائز است و کفتن السلام علیکم
بجند صینہ وارد شدہ جناحہ در شکوۃ شریف در باب زیارت
قبور مرقوم و مسطور است سوال نوزد ہم سماعت سوتی سلام
زیارت و شرح آمدہ یا نہ جواب سماعت سوتی سلام زیارت و شرح شکوۃ
طاعی قاری السیوطی نقل نمودہ ہکذا عبارتہ قال السیوطی
اخرج العقبی عن ابي ہریرۃ رض قال قال ابو ذر بن
یا رسول اللہ ان طریقی علی الموتی فکل من ذک لای
اکلم بہ اذا امرت علیہم فقال قل السلام علیکم یا اہل القبور
من المسلمین و المؤمنین انتم لنا سلف و نحن لکم تبع و انما
انشاء اللہ بکم لاحقون قال ابو ذر بن یسعون قال یسمعون

کتاب فی الجہلۃ بقصدون مواضع معظمہ بن عمہ بن ذر و نسا
وینتہا کون ہا و فیہ من الخرف و الفساد ما لا یخفی
فسد النبی صلی اللہ علیہ وسلم الفساد لثلا یلیغ غیر
الشعائر بالشعائر لثلا یصیر ذریعۃ لعبادۃ غیر
اللہ و الخ عندی ان القبر محل عبادۃ ولی من
اولیاء اللہ و الطور کل ذلک سوا فی النہی سوال
ہجرت ہم السلام علیکم یا اہل مقابر المشرکین
کفتن جائزت یا نہ جواب جائز است و کفتن السلام علیکم
بجند صینہ وارد شدہ جناحہ در شکوۃ شریف در باب زیارت
قبور مرقوم و مسطور است سوال نوزد ہم سماعت سوتی سلام
زیارت و شرح آمدہ یا نہ جواب سماعت سوتی سلام زیارت و شرح شکوۃ
طاعی قاری السیوطی نقل نمودہ ہکذا عبارتہ قال السیوطی
اخرج العقبی عن ابي ہریرۃ رض قال قال ابو ذر بن
یا رسول اللہ ان طریقی علی الموتی فکل من ذک لای
اکلم بہ اذا امرت علیہم فقال قل السلام علیکم یا اہل القبور
من المسلمین و المؤمنین انتم لنا سلف و نحن لکم تبع و انما
انشاء اللہ بکم لاحقون قال ابو ذر بن یسعون قال یسمعون

کتاب فی الجہلۃ بقصدون مواضع معظمہ بن عمہ بن ذر و نسا
وینتہا کون ہا و فیہ من الخرف و الفساد ما لا یخفی
فسد النبی صلی اللہ علیہ وسلم الفساد لثلا یلیغ غیر
الشعائر بالشعائر لثلا یصیر ذریعۃ لعبادۃ غیر
اللہ و الخ عندی ان القبر محل عبادۃ ولی من
اولیاء اللہ و الطور کل ذلک سوا فی النہی سوال
ہجرت ہم السلام علیکم یا اہل مقابر المشرکین
کفتن جائزت یا نہ جواب جائز است و کفتن السلام علیکم
بجند صینہ وارد شدہ جناحہ در شکوۃ شریف در باب زیارت
قبور مرقوم و مسطور است سوال نوزد ہم سماعت سوتی سلام
زیارت و شرح آمدہ یا نہ جواب سماعت سوتی سلام زیارت و شرح شکوۃ
طاعی قاری السیوطی نقل نمودہ ہکذا عبارتہ قال السیوطی
اخرج العقبی عن ابي ہریرۃ رض قال قال ابو ذر بن
یا رسول اللہ ان طریقی علی الموتی فکل من ذک لای
اکلم بہ اذا امرت علیہم فقال قل السلام علیکم یا اہل القبور
من المسلمین و المؤمنین انتم لنا سلف و نحن لکم تبع و انما
انشاء اللہ بکم لاحقون قال ابو ذر بن یسعون قال یسمعون

که بارسول آمد در جناب آئی از طرف این کس عرض کنید که حاجت من براید
یا ولی آمد تو از طرف این کس بجناب آئی بگو که حاجت من براید جائز است یا کنا
که ام کناه **جواب** این صورتها که در سوال مرقومست صورت استمداد
چنانچه از کتاب کشف العطا تصنیف شیخ الاسلام واضح می شود پس این سده مختلف
فیه است و آن این است که استمداد نرو قبر از غیر انبیا منکر شده اند فقها و میگویند
که نیت زیارت فکر برای رسانیدن نفع باموات بدعا و استغفار برای ایشان استمداد
نماید نمودن از غیر انبیا نرد قبر ولی بایست هید ممنوع و مخلوط است مگر بعضی فقها
که قلیل اند بطوریکه در سوال مرقوم جائز داشته اند چنانچه این تفصیل
در کتاب کشف العطا و ترجمه مشکوه از شیخ عبدالحی دهلوی و شرح عربی ایشان
مرقومست **فمن شاء قلبه نظر فی تنجیه الشیخ** اما عبارت کشف
العطا کنذا و اما استمداد با بلی قبور در غیر نبی یا در غیر انبیا صلوات الله علیهم منکر است
از بسیاری از فقها گویند نیت زیارت مکر برای رسانیدن نفع باموات بدعا
و استغفار و قائل گشته اند بان بعضی از ایشان وظاهر است که از فقها
انانکه قائل بسمع و ادراک میت اند قائل بحدوث سجدت و انانکه منکر اند آنرا اینرا نیز
انکار گشته و نیست صورت استمداد مگر همین که محتاج خدایت حاجت خود است
جناب آئی تو بسل برو حاجت بنده مقرب در گاه والا و گوید خداوند ای
برکت این بنده که تو رحمت و اکرام کرده او را بر آورده گردان حاجت مرا

تفصیل در کتاب کشف العطا

و حق در گاه استمداد

باید گفت آن بنده محترم کرم را که ای بنده خدا و ولی وی شفاعت کرده
 و خواه از خدای تعالی مطلوب هر اما قضا کند حاجت مرابست نیست ^{بسیار}
 در میان مکر و سید و قادر و معطی رسول پروردگار است تعالی شاهد انتهی
 وَ فِي تَنْجِ الْمَشْكُوتِ الْعَرَبِيِّ لِلشَّيْخِ عَبْدِ الْحَقِّ رَحْمَةً وَأَمَّا الْإِسْتِمْلَاءُ
 بِأَهْلِ الْقُبُورِ فِي غَيْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ الْكُنْيَا
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَدْ أَنْكَرَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْفُقَهَاءِ وَقَالُوا
 لَيْسَ الزِّيَارَةُ إِلَّا الدُّعَاءُ لِلْمَوْتَى وَالْإِسْتِغْفَارُ لَهُمْ وَ
 الْبِصَالُ النَّفْعُ إِلَيْهِمْ بِالْدُّعَاءِ وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَانْتَبَهَتْهُ
 الْمَشَائِخُ الصُّوفِيَّةُ وَدَسَّ اللَّهُ أَسْرَادَهُمْ وَبَعْضُ الْفُقَهَاءِ
 كَرِهَتْهُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ انْتَهَى و در رساله ما لایده که تصنیف قاضی شاد اید با
 بتی است مرقوم است سجده کردن برای قبور انبیا و اولیا و طواف
 نمودن و دعا از آنها خواستن و نذر برای ایشان قبول کردن حرام است
 بلکه چیزی از آنها بکفر می رسد انتهی و در کتاب شجره الایمان مرقوم است و
 گویند سجده کردن و بوسه دادن و برود دست مالیدن و طواف کردن و از
 صاحب بر عاج طلبیدن و در قبرستان جبرغما افروختن همه کرده تحریری است
 بست و سیل و اعمال عباد از خیر و شر براقب و معارف ایشان
 یانه و او شان در حق ایتا خود ما دعای می کنند یا نمی کنند

این کتاب در شرح
 است لکن
 در این کتاب
 حکایت کرده اند
 با شایسته
 تحقیق
 از نفس کفایت
 و بود که در
 در این کتاب
 عطف این
 خواندن در
 کرده اند
 مضمون
 تعالی است

بعضی
 است که
 بر این
 شرح

و منظور خدا بود بدلیل عموم آیات مخصوص قرآنی که تلاوت نموده خواهد شد
 و اگر غیر خدا را باین اعتقاد میگوید که هر وقت که من ندای کنم او می شنود و قدرت
 در انجام حاجات می دارد و یا در عالم منتصف است یا شریک تبار در کارها
 الهی میدارد پس برین صورت شریک کردنیدن است تجدا برای دفع این
 امر منسحب خدا صلی مهد علیه و سلم معجوت شده بچکس او در علم غیب و قدرت
 مطلقه و تصرف در امور عالم شریک با خدا استعالی نباید ساخت پس
 این قسم را کردن غیر خدا را موجب شرک کفر است چنانچه آیات قرآنی
 و احادیث رسول مهد صلی مهد علیه و سلم و آیات فقهیه را همه ادا کند
 قال الله تعالى قل لا يعلم من في السموات والارض
 الغيب الا الله وما تشعرون ايان يعثونك ايضا قال
 الله تبارك وتعالى ومن اصل بمن يدعوه من دون
 الله من لا يستجيب اليه الي يوم القيمة وهم عن دعاهم
 غافلون وقال الله تعالى ولا تدع من دون الله مالا
 يتفعاك ولا يضرك فان فعلت فانك اذا امن
 الظالمين قال الله تعالى قل ادعوا الذين رعبتم من دونك
 الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في الارض
 وما لهم فيها من شرك وما لهم من ظهير

فردوضای تعالی و غیر
 برادر همان بازمین است
 را که خدا می اندک می
 فخر و خود خدا
 شکر و سپاس
 تعالی بزرگ
 تبارکی که
 را قبول کند
 چه پیش این
 خواندن نشان
 معنی و معنی
 خیران
 ۳۹
 تکرار کرد
 پس اگر
 کاران
 گویند
 می کنند
 استغفار
 ایشان
 پیش سرکشی
 ایشان
 ایشان

آيات بسیارند و اما احادیث پس از آن جمله این است قَالَتْ اِحْدَاثٌ
وَفِي سَابِئِي يَعْلَمُ مَا فِي عَدِي فَقَالَ دَعِي هَذِهِ وَتَوَلَّيْ بِالَّذِي
كُنْتَ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا
مَنْ اخْبَرَكَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمَ الْحَسْرَةَ
قَالَ اللهُ تَعَالَى إِنَّ اللهُ خَلَقَهُ عِلْمَ النَّسِائِيَةِ فَقَدْ أَعْظَمَ
الْفُرْيَةَ كَذَا فِي الْمُسْلِمِ أَيْضًا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وَاللهُ لَا آذِرِي وَاللهُ لَا آذِرِي وَآذَرَ رَسُولُ اللهِ مَا
يَقَعْرُنِي وَلَا يَكْمُرُنِي كَذَا فِي الْمَشْكُوتِ وَبِهَا أَحَادِيثٌ سَبَارِئِي بِطَرِيقِ
مَوْزَةٍ ذَكَرَ مُحَمَّدٌ وَهُوَ شَدِيدُ الْوَالِدِ فَهِيَ سَبِينِ اسْتَشْمَ اعْلَمَ أَنَّ
الْأَنْبِيَاءَ كَمَا يَعْلَمُوا الْغَيْبِيَّاتِ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا أَعْلَمَهُمُ
اللهُ لِحَيَاتِهِ إِذْ كَرَّ الْحَقِيقَةُ تَضَرَّحًا بِالتَّكْفِيرِ بِاِعْتِقَادِ أَنَّ
النَّبِيَّ يَعْلَمُ الْغَيْبِ اِعْتَارِصَةً قَوْلُهُ تَعَالَى قُلْ لَا يَعْلَمُ مِنَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ الْغَيْبِ إِلَّا اللهُ كَذَا فِي شَرْحِ نِقْضِ الْأَنْبِيَاءِ الْمَلَا
عَنْ قَارِي قَالَ فِي الْبَرَزِيَّةِ وَخَبَرَهَا مِنْ كِتَابِ الْقِتَادِ
مَنْ قَالَ إِنَّ أَرْوَاحَ الْمَشَائِخِ حَاضِرَةٌ تَعْلَمُ بِكُمْ كَذَا قَالَ الشَّيْخُ
فخر الدين أبو سعيد عثمان الحيماني بن سكيمة الجعفي
فِي رِسَالَتِهِ وَمَنْ ظَنَّ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَصَرَّفُ فِي الْأُمُورِ رَدُّونَ

وَأَيْضًا فِي تَعْلِيمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ
كُنْتُ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ
رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ كُنْتُ تَقُولِينَ
وَأَيْضًا فِي تَعْلِيمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ
كُنْتُ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ
رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ كُنْتُ تَقُولِينَ
وَأَيْضًا فِي تَعْلِيمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ
كُنْتُ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ
رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ كُنْتُ تَقُولِينَ
وَأَيْضًا فِي تَعْلِيمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ
كُنْتُ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ
رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ كُنْتُ تَقُولِينَ
وَأَيْضًا فِي تَعْلِيمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ
كُنْتُ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ
رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ كُنْتُ تَقُولِينَ
وَأَيْضًا فِي تَعْلِيمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ
كُنْتُ تَقُولِينَ وَنَزَّ وَصِدِّيقِ شَرِيفِ عَنِ عَائِشَةَ
رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ كُنْتُ تَقُولِينَ

دست انصار بنده می شمارد و قائل تعمیر است

اینکه در حکایت از بعضی اصحاب است

اللَّهُ وَاعْتَقَدِ بِهِ ذَلِكَ كَقَوْلِكَ فِي الْحَجِّ الرَّائِبِ سُؤَالَ
 بِسْتِ وَيَجِبُ ثَوَابُ قُرْآنٍ شَرِيفٍ وَوَكْرِعَامَالٍ صَالِحٍ بِأَمْوَاتٍ مَيِّسَةٍ
 يَأْتِي جَوَابُ دَرِّسِيْدِنِ ثَوَابٍ وَعَدَمِ رَسِيْدِنِ ثَوَابِ اِعْمَالٍ سَلْبَةٍ
 اِنَّمَا كِي نَدِيْبٍ مَعْتَرِلِهٖ وَاَنْ اِيْنِ اِسْتِ كِهٖ ثَوَابِ اِعْمَالِ بَدَنِ يَابِشْتِ يَامَالِي بِلْكِهٖ دَعَا
 نِيْرِيْبْرِدَهٗ بِيْرَسِيْدِ اِيْنِ نَدِيْبٍ مَرُوْدِ اِسْتِ دَوْمِ اَمَّا كِهٖ ثَوَابِ اِعْمَالِ نِي يَامَالِي مَرُو
 بِاَمْوَاتٍ مَيِّ رَسِيْدِ اِيْنِ نَدِيْبِ اِيْمِ عَظِيْمٍ وَاَحِيْدٍ وَاَحْمُوسِ اِسْتِ سَعُوْمِ اَمَّا كِهٖ ثَوَابِ
 اِعْمَالِ مَالِي بَمَوْتِيْ بِيْرَسِيْدِ وَاَثَرِ ثَوَابِ اِعْمَالِ بَدَنِ مِثْلِ ثَوَابِ قُرْآنِ بِاَمْوَاتِ مَيِّسَةٍ
 اِيْنِ نَدِيْبِ سَهُوِ اِيْمِ شَفَاعِيْ وَنَدِيْبِ اِيْمِ اَلِكْ اِسْتِ دَوْرِ نَدِيْبِ حَقِيْقَةِ تِيْرِ اِخْتِلَافِ
 دَرِ وَصُوْلِ ثَوَابِ اِعْمَالِ بَدَنِ وَعَدَمِ وَصُوْلِ اَنْ لِيْكِنِ قُوِيْ مِ مَفْتِيْ بِدَنَدِيْبِ
 سَهْنِ اِسْتِ كِهٖ ثَوَابِ بَرُو وَاِعْمَالِ بَدَنِ يَابِشْتِ يَامَالِي بِيْرَسِيْدِ جَبِيْرُ وِيْرِيْدِيْ وِنَدِيْبِ
 عَالِمِيْرِيْ وَبِحَرِّ الرُّبِيِّ وَنَهْرِ فَاثِقٍ وَزَيْطِيْعِيْ عِيْنِيْ وَوَكْرِكْتِ مَعِيْرِهٖ اِيْنِ اِسْتِ اِنْ اِسْتِ قَوْمِ وَسَطُوْر
 وَعِبَادَةُ الرَّطِيْبِيْ هَلْكَانَ الْاَصْلُ فِيْ هَذَا الْبَابِ اَنَّ الْاِنْسَانَ لَهُ اَنْ
 يَجْعَلَ ثَوَابَ عَمَلِهِ لِعِيْنِهِ عِنْدَ اَهْلِ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ صَلَوَةٌ
 كَانَ اَوْ صَوْمًا اَوْ حَجًّا اَوْ زَكَاةً اَوْ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ وَالاَدَاكُمُ اِلَى
 عَنِ ذَلِكِ مِنْ جَمِيْعِ اَنْوَاعِ الدِّبِ وَيَصِلُ ذَلِكِ اِلَى
 الْمَيِّتِ وَيَنْفَعُهُ وَقَالَتِ الْمُعْتَزِلَةُ لَيْسَ لَهُ ذَلِكِ وَلَا يَصِرُ
 اِلَيْهِ وَلَا يَنْفَعُهُ يَقُوْلُهُ تَعَالَى وَاَنْ لَيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعَى

۲

خدا را متقا نمود
 بنوعی از تقوی
 از این کارها
 با این که در دنیا
 رسیدن ثواب
 به آن عملی است
 که در دنیا
 انجام می‌دهد
 و در آخرت
 بر او ثواب
 می‌دهد
 و اگر کسی
 عمل بدی
 انجام دهد
 در دنیا
 و در آخرت
 بر او عقوبت
 می‌دهد
 و اگر کسی
 عمل نیکویی
 انجام دهد
 در دنیا
 و در آخرت
 بر او پاداش
 می‌دهد
 و این است
 حکایتی از بعضی
 اصحاب است
 که در این باره
 گفته‌اند

مَسْجُودَةً يَقُولُهَا تَعَالَى وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتِهِمُ الْأَيُّهُ وَقِيلَ
 هِيَ خَاصَّةٌ بِقَوْمِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ لِأَنَّهُ وَقَعَ حِكَايَةُ عَمَّا فِي صُحُفِهِمَا
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُهَا تَعَالَى أَمْرٌ مُنْبَأَةٌ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ
 الَّذِينَ وَثِقَ وَقِيلَ إِنَّهُ بِالْإِنْسَانِ الْكَافِرِ وَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَلَهُ مَا سَعَى
 لِعُورِهِ وَقِيلَ لَيْسَ لَهُ مِنْ طَرِيقِ الْعَدْلِ وَكَهْ مِنْ طَرِيقِ الْفَضْلِ وَقِيلَ
 اللَّامُ فِي الْإِنْسَانِ مَعْنَى عَلَى لِقَوْلِهِ تَعَالَى فَإِنْ أَسَاءَ تَمَّ فَلَهَا أَيُّ عَلَيْهِمَا
 وَلِقَوْلِهِ تَعَالَى لَهُمُ اللَّعْنَةُ أَيُّ فَعَلِيهِمْ وَقِيلَ لَيْسَ لَهُ الْأَسْبَابُ
 لَكِنْ سَعِيهِ فَدَلِيلُكَ بِمُبَاشَرَةِ أَسْبَابِهِ بِتَكْثِيرِ الْأَخْرَافِ وَتَحْمِيلِ
 الْأَيَّامِ حَتَّى صَارَ مِنْ يَتَفَعَّلُ شَفَاعَةَ الشَّاغِعِينَ وَأَمَّا قَوْلُهُ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ الْأَمْرُ ثَلَاثَةَ فَلَا
 يَدُلُّ عَلَى انْقِطَاعِ عَمَلِ عَيْنٍ وَالْكَلَامُ فِيهِ وَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِمَّا
 يُسْتَبَعَا عَقْلًا لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا جَعَلَ مَا لَهُ مِنَ الْأَخْرِافِ
 وَاللَّهُ تَعَالَى هُوَ الْمُوَصَّلُ إِلَيْهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيْهِ وَلَا يَخْتَصِرُ
 ذَلِكَ يَجْعَلُ دُونَ عَمَلِ نَبِيِّ وَعِمَارَةَ الْعَالَمِ كِبَارِهِ هَكَذَا الْأَهْلُ
 فِي هَذِهِ الْبَابِ أَنَّ الْإِنْسَانَ لَهُ أَنْ يَجْعَلَ ثَوَابَ عَمَلِهِ لغيره
 صَلَوةً كَانَ أَوْ صَوْمًا أَوْ صَدَقَةً أَوْ غَيْرَ هَذَا كَالْحَجِّ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
 وَالْأَدْكَارِ وَزِيَارَةِ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ الصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ

في قوله تعالى والذين آمنوا واتبعوا ذريتهم الآية وقيل هي خاصة بقوم موسى وإبراهيم لأنه وقع حكاية عما في صحيفتهما عليهما السلام يقولها تعالى أمر منبأة بما في صحيفتي موسى وإبراهيم الذين وثق وقيل إنه بالإنسان الكافر وأما المؤمن فله ما سعى لعوره وقيل ليس له من طريق العدل وكه من طريق الفضل وقيل اللام في الإنسان بمعنى على لقوله تعالى فإن أساء تم فلها أي عليهما ولقوله تعالى لهم اللعنة أي فعليةهم وقيل ليس له الأسباب لكن سعيه فدليلك بمباشرة أسبابه بتكثير الأخراف وتحميل الأيام حتى صار ممن يتفعل شفاعت الشاغعين وأما قوله عليه السلام إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث فلا يدل على انقطاع عمل عين والكلام فيه وليس فيه شيء مما يستبعأ عقلاً لأنه ليس فيه إلا جعل ما له من الأخراف والله تعالى هو الموصل إليه وهو قادر عليه ولا يختص ذلك بجعل دون عمل نبي وعمارة العالم كباره هكذا أهل في هذه الباب أن الإنسان له أن يجعل ثواب عمله لغيره صلوة كان أو صوماً أو صدقة أو غير هذا كالحج وقراءة القرآن والأدكار وزيارة قبور الأنبياء عليهم الصلوة والسلام

في قوله تعالى والذين آمنوا واتبعوا ذريتهم الآية وقيل هي خاصة بقوم موسى وإبراهيم لأنه وقع حكاية عما في صحيفتهما عليهما السلام يقولها تعالى أمر منبأة بما في صحيفتي موسى وإبراهيم الذين وثق وقيل إنه بالإنسان الكافر وأما المؤمن فله ما سعى لعوره وقيل ليس له من طريق العدل وكه من طريق الفضل وقيل اللام في الإنسان بمعنى على لقوله تعالى فإن أساء تم فلها أي عليهما ولقوله تعالى لهم اللعنة أي فعليةهم وقيل ليس له الأسباب لكن سعيه فدليلك بمباشرة أسبابه بتكثير الأخراف وتحميل الأيام حتى صار ممن يتفعل شفاعت الشاغعين وأما قوله عليه السلام إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث فلا يدل على انقطاع عمل عين والكلام فيه وليس فيه شيء مما يستبعأ عقلاً لأنه ليس فيه إلا جعل ما له من الأخراف والله تعالى هو الموصل إليه وهو قادر عليه ولا يختص ذلك بجعل دون عمل نبي وعمارة العالم كباره هكذا أهل في هذه الباب أن الإنسان له أن يجعل ثواب عمله لغيره صلوة كان أو صوماً أو صدقة أو غير هذا كالحج وقراءة القرآن والأدكار وزيارة قبور الأنبياء عليهم الصلوة والسلام

وَالشَّهَادَةِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَتَكْفِينِ الْمَوْتِ وَجَمِيعِ
 التَّوَالِيحِ الْبَرَكَةِ فِي خَايَةِ السَّرُوحِي شَرَحِ الْهَدَايَةِ أَنْتَهَى وَبَعْضِي
 نَيْرِ قَائِلٍ بَعْدَ مَوْصُولِ ثَوَابِ عِبَادَاتِ بَدَنِ أَنْجَانِهِ دَرِ مَوَائِبِ لَدُنِيهِ مَرْقُومِ
 وَعِبَارَتُهُ هَكَذَا وَقَدْ اخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي ثَوَابِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
 يَصِلُ إِلَى الْمِيَّتِ فَذَهَبَ كَثَرُونَ إِلَى الْمَنَعِ وَهُوَ الْمَشْهُورُ مِنْ
 مَذْهَبِ الْأَمَامِ الشَّافِعِيِّ وَالْأَمَامِ مَالِكٍ وَنَقَلَ عَنْ جَمَاعَةٍ
 مِنَ الْحَنَفِيَّةِ وَقَالَ كَثِيرٌ مِنَ الشَّافِعِيَّةِ وَالْحَنَفِيَّةِ يَصِلُ
 إِلَيْهِ قَالَ الْأَمَامُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ الْقِرَاءَةُ عَلَى
 الْقَبْرِ بَدْعٌ بَلْ نَقَلَ عَنِ الْأَمَامِ أَحْمَدَ يَصِلُ إِلَى الْمِيَّتِ
 كُلُّ شَيْءٍ مِنْ صَدَقَةٍ وَصَلْوَةٍ وَحَجٍّ وَاعْتِكَافٍ وَقِرَاءَةِ وَذِكْرِ
 وَعَيْنِ ذَلِكَ أَنْتَهَى بِسِوَاكِ كِتَابِ مَوَائِبِ لَدُنِيهِ مَعْلُومٌ كَمَا فِي زِيَارَتِي فِي مَوْصُولِ
 ثَوَابِ قِرَاءَةِ وَغَيْرِهِ بِأَمْوَاتٍ نَيْرِ اخْتِلَافٍ لَيْكِنَ نَيْرِ شَهْرٍ شَافِعِيٍّ مَوْصُولِ
 بِبَابِ نَيْرِ شَرَحِ نِقْمَةِ الْكَبْرِ عَلَى قَائِلِ نَقْلِ مَوْصُولِهِ عِبَارَتُهُ هَكَذَا وَاخْتَلَفَ
 الْعُلَمَاءُ فِي الْعِبَادَاتِ الْبَدَنِيَّةِ كَالصَّوْمِ وَالصَّلْوَةِ وَقِرَاءَةِ
 الْقُرْآنِ وَالَّذِي ذَهَبَ أَبُو حَنِيفَةَ وَلِأَخِيهِ وَجَمْعٌ مِنَ السَّلَفِ
 إِلَى وَصُولِهَا وَالْمَشْهُورُ مِنْ مَذَاهِبِ الشَّافِعِيِّ وَمَالِكٍ
 عَدَمُ وَصُولِهَا وَذَهَبَ أَهْلُ الْبِدْعِ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَى عَدَمِ

وَمَا فِيهَا مِنْ عِلْمٍ وَفِيهَا
 وَبَعْضُ الْبَدَنِ وَالصَّالِحِينَ
 وَتَكْفِينِ الْمَوْتِ وَجَمِيعِ
 التَّوَالِيحِ الْبَرَكَةِ فِي خَايَةِ
 السَّرُوحِي شَرَحِ الْهَدَايَةِ
 أَنْتَهَى وَبَعْضِي نَيْرِ قَائِلٍ
 بَعْدَ مَوْصُولِ ثَوَابِ عِبَادَاتِ
 بَدَنِ أَنْجَانِهِ دَرِ مَوَائِبِ
 لَدُنِيهِ مَرْقُومِ وَعِبَارَتُهُ
 هَكَذَا وَقَدْ اخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ
 فِي ثَوَابِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
 يَصِلُ إِلَى الْمِيَّتِ فَذَهَبَ
 كَثَرُونَ إِلَى الْمَنَعِ وَهُوَ
 الْمَشْهُورُ مِنْ مَذْهَبِ الْأَمَامِ
 الشَّافِعِيِّ وَالْأَمَامِ مَالِكٍ
 وَنَقَلَ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنَ
 الْحَنَفِيَّةِ وَقَالَ كَثِيرٌ مِنَ
 الشَّافِعِيَّةِ وَالْحَنَفِيَّةِ يَصِلُ
 إِلَيْهِ قَالَ الْأَمَامُ أَحْمَدُ
 بْنُ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ
 الْقِرَاءَةُ عَلَى الْقَبْرِ بَدْعٌ
 بَلْ نَقَلَ عَنِ الْأَمَامِ أَحْمَدَ
 يَصِلُ إِلَى الْمِيَّتِ كُلُّ شَيْءٍ
 مِنْ صَدَقَةٍ وَصَلْوَةٍ وَحَجٍّ
 وَاعْتِكَافٍ وَقِرَاءَةِ وَذِكْرِ
 وَعَيْنِ ذَلِكَ أَنْتَهَى بِسِوَاكِ
 كِتَابِ مَوَائِبِ لَدُنِيهِ مَعْلُومٌ
 كَمَا فِي زِيَارَتِي فِي مَوْصُولِ
 ثَوَابِ قِرَاءَةِ وَغَيْرِهِ بِأَمْوَاتٍ
 نَيْرِ اخْتِلَافٍ لَيْكِنَ نَيْرِ شَهْرٍ
 شَافِعِيٍّ مَوْصُولِ بِبَابِ نَيْرِ
 شَرَحِ نِقْمَةِ الْكَبْرِ عَلَى قَائِلِ
 نَقْلِ مَوْصُولِهِ عِبَارَتُهُ
 هَكَذَا وَاخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي
 الْعِبَادَاتِ الْبَدَنِيَّةِ كَالصَّوْمِ
 وَالصَّلْوَةِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
 وَالَّذِي ذَهَبَ أَبُو حَنِيفَةَ
 وَلِأَخِيهِ وَجَمْعٌ مِنَ السَّلَفِ
 إِلَى وَصُولِهَا وَالْمَشْهُورُ
 مِنْ مَذَاهِبِ الشَّافِعِيِّ وَمَالِكٍ
 عَدَمُ وَصُولِهَا وَذَهَبَ
 أَهْلُ الْبِدْعِ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 إِلَى عَدَمِ

۲۵

وَمَا فِيهَا مِنْ عِلْمٍ وَفِيهَا
 وَبَعْضُ الْبَدَنِ وَالصَّالِحِينَ
 وَتَكْفِينِ الْمَوْتِ وَجَمِيعِ
 التَّوَالِيحِ الْبَرَكَةِ فِي خَايَةِ
 السَّرُوحِي شَرَحِ الْهَدَايَةِ
 أَنْتَهَى وَبَعْضِي نَيْرِ قَائِلٍ
 بَعْدَ مَوْصُولِ ثَوَابِ عِبَادَاتِ
 بَدَنِ أَنْجَانِهِ دَرِ مَوَائِبِ
 لَدُنِيهِ مَرْقُومِ وَعِبَارَتُهُ
 هَكَذَا وَقَدْ اخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ
 فِي ثَوَابِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
 يَصِلُ إِلَى الْمِيَّتِ فَذَهَبَ
 كَثَرُونَ إِلَى الْمَنَعِ وَهُوَ
 الْمَشْهُورُ مِنْ مَذْهَبِ الْأَمَامِ
 الشَّافِعِيِّ وَالْأَمَامِ مَالِكٍ
 وَنَقَلَ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنَ
 الْحَنَفِيَّةِ وَقَالَ كَثِيرٌ مِنَ
 الشَّافِعِيَّةِ وَالْحَنَفِيَّةِ يَصِلُ
 إِلَيْهِ قَالَ الْأَمَامُ أَحْمَدُ
 بْنُ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ
 الْقِرَاءَةُ عَلَى الْقَبْرِ بَدْعٌ
 بَلْ نَقَلَ عَنِ الْأَمَامِ أَحْمَدَ
 يَصِلُ إِلَى الْمِيَّتِ كُلُّ شَيْءٍ
 مِنْ صَدَقَةٍ وَصَلْوَةٍ وَحَجٍّ
 وَاعْتِكَافٍ وَقِرَاءَةِ وَذِكْرِ
 وَعَيْنِ ذَلِكَ أَنْتَهَى بِسِوَاكِ
 كِتَابِ مَوَائِبِ لَدُنِيهِ مَعْلُومٌ
 كَمَا فِي زِيَارَتِي فِي مَوْصُولِ
 ثَوَابِ قِرَاءَةِ وَغَيْرِهِ بِأَمْوَاتٍ
 نَيْرِ اخْتِلَافٍ لَيْكِنَ نَيْرِ شَهْرٍ
 شَافِعِيٍّ مَوْصُولِ بِبَابِ نَيْرِ
 شَرَحِ نِقْمَةِ الْكَبْرِ عَلَى قَائِلِ
 نَقْلِ مَوْصُولِهِ عِبَارَتُهُ
 هَكَذَا وَاخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي
 الْعِبَادَاتِ الْبَدَنِيَّةِ كَالصَّوْمِ
 وَالصَّلْوَةِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
 وَالَّذِي ذَهَبَ أَبُو حَنِيفَةَ
 وَلِأَخِيهِ وَجَمْعٌ مِنَ السَّلَفِ
 إِلَى وَصُولِهَا وَالْمَشْهُورُ
 مِنْ مَذَاهِبِ الشَّافِعِيِّ وَمَالِكٍ
 عَدَمُ وَصُولِهَا وَذَهَبَ
 أَهْلُ الْبِدْعِ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 إِلَى عَدَمِ

وَالْقَتْلَ وَغَيْرَ ذَلِكَ رَجُلٌ قَالَ إِنْ ضَرَبْتُكَ أَوْ كَسَرْتُكَ
أَوْ كَلَّمْتُكَ أَوْ دَخَلْتُ عَلَيْكَ أَوْ قَالَ لِمِصْرَاتِهِ أَوْ وَطِنَتِكَ
أَوْ قَبْلَتِكَ فَعَبْدُهُ حُرٌّ تَقِيماً بِالْحَيوةِ حَتَّى لَوْ فَعَلَ هَذِهِ
الْأَشْيَاءَ بَعْدَ الْمَوْتِ لَا يَحْسَبُ لِأَنَّ الضَّرْبَ إِنْهُمْ لِفِعْلِ
مَوْلَاهُ وَالْمَيِّتَ لَا يَتَأَلَّمُ بِضَرْبِ بَنِي آدَمَ وَإِنَّمَا ذَلِكَ مِمَّا
يَتَفَرَّخُ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى كَمَا فِي عَدَابِ الْقَبْرِ فَإِنَّهُ نَابَتْ عَنْهُ أَهْلُ
السُّنَّةِ وَإِنْ لَخْتَلَفُوا فِي مَاتِيَّتِهِمْ فَقَالَ بَعْضُهُمْ نَوْمٌ مَنْ
يَأْخُضُ الْعَذَابَ وَكَسَبَتْ عَنْ الْكَيْفِيَّةِ أَنَّ الْوَجِبَ عَلَيْنَا
تَصَدِيقُ مَا وَرَدَ بِهِ السُّنَّةُ الْمُسْتَفِيدَةُ وَهِيَ التَّعْدِيْبُ
بَعْدَ الْمَوْتِ فَنَوْمٌ بِهِ وَلَا تَشْغَلُ بِكَيْفِيَّتِهِ وَغِنَا الْعَامَّةِ
يُوضَعُ فِيهِ الْحَيوةُ بِقَدْرِ مَا يَتَأَلَّمُ لِحَيوةِ الْمَطْلُوعَةِ وَ
قَيْلٌ يُوضَعُ فِيهِ الْحَيوةُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَمَعْنَى كَسَوْتُكَ
مَلَكْتُكَ عِنْدَ الْأَطْلَاقِ وَيُقَالُ كَسَى الْأُمَيْرُ فَلَانًا أَيْ
مَلَكَهُ وَهُوَ الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى أَوْ كَسَوْتُهُمُ وَالتَّوَلِيَّكَ
مَنْ الْمَيِّتَ لَا يَحْتَقِرُ لِأَنَّ الْمَوْتَ يُبَاقِي الْمَلَكَ فَلِأَنَّ بَيْنَهُمَا
أَبْتِدَاءً أَوْ لِأَنَّ بَيْنَهُمَا السُّنَّةَ حَيْثُ يَصْدَرُ لِأَنَّ فِيهِ
تَشْدِيدٌ أَوْ قَيْلٌ اِنْكَانَتْ يَمِيْنُهُ بِالْفَارِسِيَّةِ حَيْثُ كَانَتْ

عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْثَدَةَ عَنْ أَبِي بَرزَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمَّا دَخَلَ عَلَيْنَا بَنِي آدَمَ إِذْ هُمْ فِي غِيَابِ الْمَوْتِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَمَّا دَخَلَ عَلَيْنَا بَنِي آدَمَ إِذْ هُمْ فِي غِيَابِ الْمَوْتِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَمَّا دَخَلَ عَلَيْنَا بَنِي آدَمَ إِذْ هُمْ فِي غِيَابِ الْمَوْتِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَمَّا دَخَلَ عَلَيْنَا بَنِي آدَمَ إِذْ هُمْ فِي غِيَابِ الْمَوْتِ

٣٤

وَأَمَّا التَّعْدِيْبُ فَمَا يُضَرَّبُ بِهِ الْعَبْدُ فِي مَوْتِهِ فَإِنَّهُ يَأْخُضُ الْعَذَابَ وَكَسَبَتْ عَنْ الْكَيْفِيَّةِ أَنَّ الْوَجِبَ عَلَيْنَا تَصَدِيقُ مَا وَرَدَ بِهِ السُّنَّةُ الْمُسْتَفِيدَةُ وَهِيَ التَّعْدِيْبُ بَعْدَ الْمَوْتِ فَنَوْمٌ بِهِ وَلَا تَشْغَلُ بِكَيْفِيَّتِهِ وَغِنَا الْعَامَّةِ يُوضَعُ فِيهِ الْحَيوةُ بِقَدْرِ مَا يَتَأَلَّمُ لِحَيوةِ الْمَطْلُوعَةِ وَ قَيْلٌ يُوضَعُ فِيهِ الْحَيوةُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَمَعْنَى كَسَوْتُكَ مَلَكْتُكَ عِنْدَ الْأَطْلَاقِ وَيُقَالُ كَسَى الْأُمَيْرُ فَلَانًا أَيْ مَلَكَهُ وَهُوَ الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى أَوْ كَسَوْتُهُمُ وَالتَّوَلِيَّكَ مَنْ الْمَيِّتَ لَا يَحْتَقِرُ لِأَنَّ الْمَوْتَ يُبَاقِي الْمَلَكَ فَلِأَنَّ بَيْنَهُمَا أَبْتِدَاءً أَوْ لِأَنَّ بَيْنَهُمَا السُّنَّةَ حَيْثُ يَصْدَرُ لِأَنَّ فِيهِ تَشْدِيدٌ أَوْ قَيْلٌ اِنْكَانَتْ يَمِيْنُهُ بِالْفَارِسِيَّةِ حَيْثُ كَانَتْ

بَابُ الْيَمِينِ فِي الضَّرْبِ وَالْقَتْلِ وَعَنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ وَكَذَلِكَ
 الْكَلَامُ لِعَنِي إِذَا حَلَفَ لَا يَكْمِلُهُ إِقْصَرَّ عَلَى الْحَيَّةِ فَلَوْ كَلِمَةٌ
 بَعْدَ مَوْتِهِ لَا حَيْثُ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْهُ الْإِفْهَامُ وَالْمَوْتُ بَيْنَهُ
 لِأَنَّهُ لَا يَسْمَعُ فَلَا يَفْهَمُ وَأُورِدَ أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ
 لِأَهْلِ الْقَلْبِ قَلْبِي بَدْرٌ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا
 فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ
 وَالسَّلَامُ وَالَّذِي نَعِشِي بِبَدْرٍ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعُ مِنْهُ لَوْلَا مَا
 أَقُولُ مِنْهُمْ وَبِحَيْبٍ أَنَّهُ غَيْرُ تَابِتٍ يَعْنِي مِنْ جِهَةِ الْمَعْنَى وَالْأَلَا
 فَهَوِيَ فِي الصَّحِيحِ وَذَلِكَ لِسَبَبِ أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
 رَدَّتْهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمَسْمُوعٍ مِنْ فِي الْقُبُورِ وَ
 أَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَبَيَّانُهُ إِنَّمَا قَالَ عَلَى وَجْهِ الْمُعْظَمِ
 لِلْإِحْيَاءِ لَا الْإِفْهَامِ الْمَوْتَى كَمَا رَوَى عَنْ عِيسَى عَلَيْهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمِ
 مُؤْمِنِينَ أَمَا نِسَاءُكُمْ فَهَكَذَا وَأَمَا أَمْوَالُكُمْ فَهَكَذَا
 وَأَمَا دُورُكُمْ فَقَدْ سَكَنْتَ فَمَا خَبَرُكُمْ عِنْدَنَا فَمَا
 خَبَرًا عِنْدَكُمْ وَبَيَّانُهُ مُخْصُوصٌ بِأَوْلِيكَ تَضْعِيفًا
 لِلْحَسْرَةِ عَلَيْهِمْ لَكِنْ بَعِيَ أَنَّهُ رَوَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

بَابُ الْيَمِينِ فِي الضَّرْبِ وَالْقَتْلِ وَعَنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ وَكَذَلِكَ
 الْكَلَامُ لِعَنِي إِذَا حَلَفَ لَا يَكْمِلُهُ إِقْصَرَّ عَلَى الْحَيَّةِ فَلَوْ كَلِمَةٌ
 بَعْدَ مَوْتِهِ لَا حَيْثُ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْهُ الْإِفْهَامُ وَالْمَوْتُ بَيْنَهُ
 لِأَنَّهُ لَا يَسْمَعُ فَلَا يَفْهَمُ وَأُورِدَ أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ
 لِأَهْلِ الْقَلْبِ قَلْبِي بَدْرٌ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا
 فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ
 وَالسَّلَامُ وَالَّذِي نَعِشِي بِبَدْرٍ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعُ مِنْهُ لَوْلَا مَا
 أَقُولُ مِنْهُمْ وَبِحَيْبٍ أَنَّهُ غَيْرُ تَابِتٍ يَعْنِي مِنْ جِهَةِ الْمَعْنَى وَالْأَلَا
 فَهَوِيَ فِي الصَّحِيحِ وَذَلِكَ لِسَبَبِ أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
 رَدَّتْهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمَسْمُوعٍ مِنْ فِي الْقُبُورِ وَ
 أَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَبَيَّانُهُ إِنَّمَا قَالَ عَلَى وَجْهِ الْمُعْظَمِ
 لِلْإِحْيَاءِ لَا الْإِفْهَامِ الْمَوْتَى كَمَا رَوَى عَنْ عِيسَى عَلَيْهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمِ
 مُؤْمِنِينَ أَمَا نِسَاءُكُمْ فَهَكَذَا وَأَمَا أَمْوَالُكُمْ فَهَكَذَا
 وَأَمَا دُورُكُمْ فَقَدْ سَكَنْتَ فَمَا خَبَرُكُمْ عِنْدَنَا فَمَا
 خَبَرًا عِنْدَكُمْ وَبَيَّانُهُ مُخْصُوصٌ بِأَوْلِيكَ تَضْعِيفًا
 لِلْحَسْرَةِ عَلَيْهِمْ لَكِنْ بَعِيَ أَنَّهُ رَوَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

٢٩

الكلاب بالمولوي لعدم الافادة بعد سماعهم وهو مرع

الكلاب بالمولوي لعدم الافادة بعد سماعهم وهو مرع
 عدم سماع المولى انتهى وفي العيني شرح الكثر
 عبارة في هكذا اليمين في الضرب والقتل وغير ذلك
 ولو قال رجل ان ضربت بك فعند حرق وان كنت
 فعلى كذا وان كلمت بك فامرتني طالق وان دخلت
 عليك فامتي حرة تفيد يمينه بحياة الخاطب
 فعل به هذه الاشياء بعد موت الخاطب لم يحث لان
 هذه الاشياء لا يتحقق في الميت لان الضرب ايقاع
 الالم وبعد الموت لا يتصور ومن يعد في القبر لوضع
 الحياة على الصيح وان اختلفوا في كيفية ما الى ان قال و
 الكلام لا فمهم فلا يتحقق في الميت فان قلت قال ائمتنا
 الله عليه وسلم لقتل ابد من المشركين هل وجدتم
 ما وعد ربكم حقا قلت ردت له عائشة رض وقالت قال
 الله تعالى اياك لا شمع المولى وما انت بمسمع من في القبور
 ولكن ثبت فهو مختص بالنبي صلى الله عليه وسلم و
 يجوز ان تكون ذاك لو عطا الاحياء لانه استنبط الخط
 للموت انتهى وفي المستخلص شرح الكثر لو قال ان كلمتك

هذا هو المراد بالكلاب بالمولوي لعدم الافادة بعد سماعهم وهو مرع
 عدم سماع المولى انتهى وفي العيني شرح الكثر عبارة في هكذا اليمين في الضرب والقتل وغير ذلك

كذا في رواية اخرى فانها لا تحتمل
 كذا في رواية اخرى فانها لا تحتمل
 كذا في رواية اخرى فانها لا تحتمل
 كذا في رواية اخرى فانها لا تحتمل

Handwritten marginal notes at the top of the page, including the word 'بَعْدَ' and other scriptural references.

بَعْدِي حَسْرَةَ نَفْسِي بَعْدَ مَوْتِهِ لَا يَحْتَجُّ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْ
الْكَلَامِ الْأَفْهَامُ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْيَحْتَقُ فِي الْمَوْتِ فَإِنَّ قِتْلَ قَدْرٍ وَرَوَى
أَنَّ النَّبِيَّ قَدَّرَ كَلِمَ أَصْحَابِ الْقَلْبِ مِنْ أَهْلِ الْبَدْرِ مِنَ الْكُفَّارِ
حِينَ الْقَاهِمِ فِي الْقَلْبِ مَا عَلَى رَأْسِ الْقَلْبِ وَقَالَ عَلَيْهِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ هَلْ مَجِدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
بِالْمَوْتِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مَا أَنْتُمْ
بِاسْمِعَ مِنْ هُوَ لَا فُلْنَا هَذَا غَيْرَ نَابِتٍ بِقَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّكَ لَا
تَسْمَعُ الْمَوْتِ وَقَوْلُهُ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِسَمْعٍ مِنْ فِي الصُّورِ وَإِنْ بَلَّغْتَ
فَهُوَ مُجْرَهٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقِيلَ بِلِ
الْمَقْصُودِ مِنْ ذَلِكَ وَعُطِيَ الْأَحْيَاءُ لَا أَفْهَامُ الْمَوْتِ أَنْتَ وَفِي
الْكَفَايَةِ شَرَحَ الْهَدَايَةِ قَوْلُهُ وَكَذَلِكَ الْكَلَامُ بِأَنَّ حَلْفَ
لَا يَجْمَعُ فَلَنَا وَلَا يَدْخُلُ دَرَجَاتٍ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْ
الْكَلَامِ الْأَفْهَامُ وَذَلِكَ لِأَنَّ السَّمْعَ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْيَحْتَقُ بَعْدَ
الْمَوْتِ فَإِنَّ قِتْلَ رُوِيَ أَنَّ قِتْلَ بَدْرٍ مِنَ الْمَشْرِكِينَ نَدَى
الْقَوْلِ وَالْقَلْبِ مَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
رَأْسِ الْقَلْبِ وَقَالَ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا وَقَالَ عُمَرُ
أَتَكَلِّمُ الْمَوْتِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَا أَنْتُمْ بِاسْمِعَ مِنْ هُوَ لَا

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the page, providing commentary and additional scriptural references. Includes the number '٥٢' (52) and various phrases like 'بَعْدَ' and 'الْمَقْصُودُ'.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, including the word 'بَعْدَ' and other scriptural references.

سبوی قبر نماز گذار و حرام است بلکه فتویٰ بکفر اوست اگر اراده عبودت یا عظیم
 و نمود و شد و فی شرح المناسک ملا علی قاری و لا ھدای الیہ
 آئی الی جانبین فانه حرام بل یفتی بکفره ان اراد عبادتہ
 او تعظیمہ قبل بس وقتیکہ کسی خلاف حدیث و روایات کتب فقہہ
 خود نمود البتہ کفار خواهد بود و اگر برین فعل امر نخواہد نمود و گناہ کبیرہ خواهد شد بخاتم
 در کتب و کلام کور است الاضرار علی الصغیرہ کثیرہ سؤال
 سنیام مسجد بنا کردن در کورستان برای نماز و مکان دیگر برای نشستن
 و ماندن و راحت یافتن در آن از کرام و مسرما و بارش جائز یا گناہ کدام گناہ
 جواب مسجد بنا کردن در محاربه و بر قبور احرام دستوجب لعنت است
 حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بر کسیکه بر قبورها
 مسجد بنا کند لعنت فرمودہ اند چنانچہ در مشکوٰۃ شریف بروایت
 بود او و ترمذی و نسائی حدیث مذکور است لعن رسول اللہ صلی
 اللہ علیہ وسلم ذوات القبور و المتخذین علیہا المساجد
 و السرح انہی و قال الملا علی القاری فی شرحہ علی المسکوٰۃ
 بما حررہ لیتخذ المساجد علیہا لان الصلوٰۃ فیہا

بکفره ان یصلی الی القبر و یصلی بین القبور یعنی بس که
 سبوی قبر نماز گذار و حرام است بلکه فتویٰ بکفر اوست اگر اراده عبودت یا عظیم
 و نمود و شد و فی شرح المناسک ملا علی قاری و لا ھدای الیہ
 آئی الی جانبین فانه حرام بل یفتی بکفره ان اراد عبادتہ
 او تعظیمہ قبل بس وقتیکہ کسی خلاف حدیث و روایات کتب فقہہ
 خود نمود البتہ کفار خواهد بود و اگر برین فعل امر نخواہد نمود و گناہ کبیرہ خواهد شد بخاتم
 در کتب و کلام کور است الاضرار علی الصغیرہ کثیرہ سؤال
 سنیام مسجد بنا کردن در کورستان برای نماز و مکان دیگر برای نشستن
 و ماندن و راحت یافتن در آن از کرام و مسرما و بارش جائز یا گناہ کدام گناہ
 جواب مسجد بنا کردن در محاربه و بر قبور احرام دستوجب لعنت است
 حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بر کسیکه بر قبورها
 مسجد بنا کند لعنت فرمودہ اند چنانچہ در مشکوٰۃ شریف بروایت
 بود او و ترمذی و نسائی حدیث مذکور است لعن رسول اللہ صلی
 اللہ علیہ وسلم ذوات القبور و المتخذین علیہا المساجد
 و السرح انہی و قال الملا علی القاری فی شرحہ علی المسکوٰۃ
 بما حررہ لیتخذ المساجد علیہا لان الصلوٰۃ فیہا

قاری و نسائی حدیث مذکور است لعن رسول اللہ صلی
 اللہ علیہ وسلم ذوات القبور و المتخذین علیہا المساجد
 و السرح انہی و قال الملا علی القاری فی شرحہ علی المسکوٰۃ
 بما حررہ لیتخذ المساجد علیہا لان الصلوٰۃ فیہا

السُّنَّةُ لِسُنَّةِ الْيَهُودِيِّكَ عَلَيْهِ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 الْيَهُودِيُّ وَالنَّصَارَى الَّذِينَ أَخَذُوا مِنْ آبَائِهِمْ وَمِنْ مَسَاجِدِ الْيَهُودِ
 الْعَيْنِي فِي تَرْجِمَةِ الْخَارِجِيِّ لَمَّا كَانَتْ الْيَهُودِيُّ وَالنَّصَارَى يَسْجُدُونَ لِقُبْرِ الْيَهُودِ
 تَعْظِيمًا لِلشَّارِعِ وَيَجْعَلُونَهَا قِبْلَةً يَتَوَجَّهُونَ فِي الصَّلَاةِ وَنَحْوِهَا وَالْخَارِجِيُّ هَذَا
 لِعِزِّهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَ الْمُسْلِمِينَ عَزَّ ذِكْرُ اللَّهِ إِنَّهُ وَمَنْ
 بِرَقْبِهِ مِثْلُ قَبْرِهُ وَيُغَيِّرُهُمْ سَاحِرٌ جَرَامٌ وَمَنْعُومٌ بِمَوْجِدِيهِ رَوَايَاتُ كِتَابِ فِعْهِي
 حَاطِبٌ رَضِيَ قَالَ نَبِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ يُحْصَى الْقَبْرُ
 يُنْبِئُ كَيْدًا أَنْ يُقْعَدَ عَلَيْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ كَذَا فِي الشُّكْرِ وَمَرَادُ رِجَالِهِ
 حَدِيثٌ عَامٌّ أَيْ كَمَا عَمَّتْ بِنَا مَوْدُهُ وَبَانِيهِ السَّيَادَةُ كَمَا نَبِيَهُ وَوَجْهًا نَحْوَ رِجَالِهِ
 مُسْلِمُهُ شَيْخٌ عَابِدٌ وَشَرِيحٌ مُسْلِمُهُ لِمَا عَلِمَ قَارِيٌّ مَعْلُومٌ فِي شُكْرِهِ وَفِي جَامِعِ الْأَكْبَادِ
 بِرِوَايَةِ النَّسَائِيِّ نَبِيُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ يُنْبِئُ عَلَى الْقَبْرِ
 أَوْ يُنَادِي عَلَيْهِ أَوْ يُحْصَى أَنْهُ وَفِي مَتْنِ مَوَاهِبِ التَّحْرِيكِ فِي مَذْهَبِ
 السُّنَّانِ وَحُرْمَةِ الْبِنَاءِ عَلَى الْقَبْرِ لِلزِّيَادَةِ وَبِكْرِهِ الْأَحْكَامُ بَعْدَهُ
 الَّذِي فِيهِ نَبِيُّ فِي الْعَالَمِ كَثِيرًا وَبِكْرُهُ أَنَّ يُنْبِئُ عَلَى الْقَبْرِ نَبِيُّ
 هَكَذَا فِي حُفَاةِ الْمُلُوكِ وَالْعَيْنِيُّ شَرِيحٌ الْكِبْرُ وَالْمُخْلِصُ نَحْوُ الْكَثْرَةِ وَنَحْوِهَا
 الرَّابِعُ وَبِكْرُهُ أَنَّ يُنَادِي عَلَى الْقَبْرِ الَّذِي أَخْرَجَ مِنْ
 الْقَبْرِ لِأَنَّ الزِّيَادَةَ عَلَيْهِ مِثْلُهَا الْبِنَاءُ نَبِيُّ

٤
 السُّنَّةُ لِسُنَّةِ الْيَهُودِيِّكَ عَلَيْهِ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 الْيَهُودِيُّ وَالنَّصَارَى الَّذِينَ أَخَذُوا مِنْ آبَائِهِمْ وَمِنْ مَسَاجِدِ الْيَهُودِ
 الْعَيْنِي فِي تَرْجِمَةِ الْخَارِجِيِّ لَمَّا كَانَتْ الْيَهُودِيُّ وَالنَّصَارَى يَسْجُدُونَ لِقُبْرِ الْيَهُودِ
 تَعْظِيمًا لِلشَّارِعِ وَيَجْعَلُونَهَا قِبْلَةً يَتَوَجَّهُونَ فِي الصَّلَاةِ وَنَحْوِهَا وَالْخَارِجِيُّ هَذَا
 لِعِزِّهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَ الْمُسْلِمِينَ عَزَّ ذِكْرُ اللَّهِ إِنَّهُ وَمَنْ
 بِرَقْبِهِ مِثْلُ قَبْرِهُ وَيُغَيِّرُهُمْ سَاحِرٌ جَرَامٌ وَمَنْعُومٌ بِمَوْجِدِيهِ رَوَايَاتُ كِتَابِ فِعْهِي
 حَاطِبٌ رَضِيَ قَالَ نَبِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ يُحْصَى الْقَبْرُ
 يُنْبِئُ كَيْدًا أَنْ يُقْعَدَ عَلَيْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ كَذَا فِي الشُّكْرِ وَمَرَادُ رِجَالِهِ
 حَدِيثٌ عَامٌّ أَيْ كَمَا عَمَّتْ بِنَا مَوْدُهُ وَبَانِيهِ السَّيَادَةُ كَمَا نَبِيَهُ وَوَجْهًا نَحْوَ رِجَالِهِ
 مُسْلِمُهُ شَيْخٌ عَابِدٌ وَشَرِيحٌ مُسْلِمُهُ لِمَا عَلِمَ قَارِيٌّ مَعْلُومٌ فِي شُكْرِهِ وَفِي جَامِعِ الْأَكْبَادِ
 بِرِوَايَةِ النَّسَائِيِّ نَبِيُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ يُنْبِئُ عَلَى الْقَبْرِ
 أَوْ يُنَادِي عَلَيْهِ أَوْ يُحْصَى أَنْهُ وَفِي مَتْنِ مَوَاهِبِ التَّحْرِيكِ فِي مَذْهَبِ
 السُّنَّانِ وَحُرْمَةِ الْبِنَاءِ عَلَى الْقَبْرِ لِلزِّيَادَةِ وَبِكْرِهِ الْأَحْكَامُ بَعْدَهُ
 الَّذِي فِيهِ نَبِيُّ فِي الْعَالَمِ كَثِيرًا وَبِكْرُهُ أَنَّ يُنْبِئُ عَلَى الْقَبْرِ نَبِيُّ
 هَكَذَا فِي حُفَاةِ الْمُلُوكِ وَالْعَيْنِيُّ شَرِيحٌ الْكِبْرُ وَالْمُخْلِصُ نَحْوُ الْكَثْرَةِ وَنَحْوِهَا
 الرَّابِعُ وَبِكْرُهُ أَنَّ يُنَادِي عَلَى الْقَبْرِ الَّذِي أَخْرَجَ مِنْ
 الْقَبْرِ لِأَنَّ الزِّيَادَةَ عَلَيْهِ مِثْلُهَا الْبِنَاءُ نَبِيُّ

رَوَاهُ مُسْلِمٌ كَذَا فِي الشُّكْرِ وَمَرَادُ رِجَالِهِ

و روایات کتب فقه معلومند که بنا کردن بر سر منتهی عنقه است پس اگر کسی بخواهد
ان نبویست اعتبار او نخواهد شد زیرا که مخالف احادیث کتب فقه معتبره است
و اگر خارج حد مقبره مکانی برای رحمت کردن از کرامت و سایر بارش محفوظ ماندن بماند

لا باس است **سوال سی و یکم** اگر در کورستان شخصی امامت کند و

پیش روی او قبر نباشد و اگر باشد ستره کرده باشد و پیش روی مقتدمان قبر

باشد نماز همه کسان روا باشد یا اگر است یا نه **جواب** نماز همه کسان روا

باشد بجز آنهایی که سابق گذشت بموجب احادیث و کتب فقه معتبره که نماز

در مقابل گروه است و اینکه اگر ستره باشد نماز بلا کر اشته روست و اگر ستره نباشد

نماز مکروه است در کتب فقه تقضیل نمی کنند بلکه مطلقاً می نویسند که نماز

در مقبره مکروه است پس عام است که ستره رو بروی او باشد یا نباشد

و در شریعت نهادن ستره برای مرور مردمان مقرر نشده برای دفع گناه است

نماز در مقبره مگر این قدر است که اگر دیوار در میان مصلیان و در میان

قبر خاکی باشد آنوقت نماز بلا کر است درست خواهد شد چنانچه در کتب

شرح مناسک ملا علی قاری در قوم است **حَاجِلُ الْعِبَادَةِ هَكَذَا إِنَّ كَأَنَّ**

بِأَنْزِلُ الْمَصَلِّ وَبِأَنْزِلُ الْقَبْرِ حِجَابٌ مِنْ جِدَارٍ فَلَا يَكْرَهُ الصَّلَاةَ

سوال سی و دویم اگر شخصی پیش روی خود قبر

میدارد و نماز بسوی قبر می خواند نماز او فاسد می شود یا کرده **جواب**

در کتب معتبره که نماز در مقابل گروه مکروه است و اگر ستره نباشد نماز رواست و اگر ستره باشد نماز بلا کر است و اگر ستره نباشد نماز در مقابل گروه مکروه است پس عام است که ستره رو بروی او باشد یا نباشد و در شریعت نهادن ستره برای مرور مردمان مقرر نشده برای دفع گناه است نماز در مقابل گروه مگر این قدر است که اگر دیوار در میان مصلیان و در میان قبر خاکی باشد آنوقت نماز بلا کر است درست خواهد شد چنانچه در کتب شرح مناسک ملا علی قاری در قوم است حاجل العبادة هكذا ان كان بين القبور حجاب من جدار فلا يكره الصلاة

اذْهَبْ اِلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَقُلْ لَهَا اِنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُوْكَ فَاذْهَبْ اِلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ
 وَقَالَ اِنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُوْكَ
 فَتَأْتِيكَ الشَّجَرَةُ مِنْ اطْرَافِهَا الْاَرْبَعِ حَتَّى تَقْلَعْتَ عَنِ
 الْاَرْضِ وَجَاءَتْ مَعَهُ اِلَى رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهَا عُوْدِي اِلَى مَكَانِكَ فَعَادَتْ اِلَى مَكَانِهَا
 وَقَامَ كُلُّ عَرَبٍ مِنْهَا اِلَى مَوْضِعِهِ كَمَا كَانَ فَقَالَ الْعَرَبُ
 اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاَنْتَ رَسُوْلُ اللهِ ثُمَّ
 قَالَ يَا رَسُوْلَ اللهِ كَمَا اَنْتِ سَأَلْتِ مِنْكَ بِنِّهَا نَا خَالِصًا
 فَاَدْذَنْ لِي حَتَّى اَصِلَ لَكَ الصَّلُوْبَ الْخَمْسَ وَاسْجُدَ
 لَكَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ جَارَتْ الشَّجَرَةُ
 لِغَيْرِ اللهِ لَأَمَرْتُ الْمَرْءَ اَنْ تَسْجُدَ لِرِجْلِهَا وَالْمَعْنَى
 فِي ذَلِكَ هُوَ اَنْ هِدِيهِ عِبَادَةً خَالِصَةً لِلَّهِ تَعَالَى
 فَمَنْ آتَاَهَا لِغَيْرِ اللهِ يُكْفِرُ لِاِنَّهٗ اَسْرَكَ اِهْتَجَى
 وَفِي فَتَاوَى الْحَمَادِيَّةِ مَا يَفْعَلُهُ كَثِيْرٌ مِنَ الْجَمَلَةِ مِنَ
 السَّجْدِ بَيْنَ يَدَيْ الْمَسَاحِجِ فَاِنَّ ذَلِكَ حَرَامٌ قَطْعًا بِكُلِّ حَالٍ
 سِوَا مَا كَانَتْ اِلَى الْعِيْلَةِ اَوْ اِلَى غَيْرِهَا وَسِوَا

اذ هب الى تلك الشجرة وقول لها ان رسول الله صلى الله عليه وسلم يدعوك فاذهب الى تلك الشجرة
 وقال ان رسول الله صلى الله عليه وسلم يدعوك فتاتي الشجرة من اطرافها الاربع حتى تقلعت عن الارض
 وجاءت معه الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال لها عودي الى مكانك فعادت الى مكانها
 وقام كل عربي منها الى موضعه كما كان فقال العرب اشهد ان لا اله الا الله وانت رسول الله
 قال يا رسول الله كما انتي سالت مني بغيرها خالصا فاذذن لي حتى اصلي لك الصلوات الخمس واسجد
 لك فقال النبي صلى الله عليه وسلم لو جاريت الشجرة لغير الله لامرت المرأة ان تسجد لرجلها والمعنى
 في ذلك هو ان هديه عبادة خالصة لله تعالى فمن اتاها لغير الله يكفر لانه اسرك اهتجى
 وفي فتاوى الحمادية ما يفعله كثير من الجملة من السجود بين يدي المساجح فان ذلك حرام قطعاً بكل حال
 سوا ما كانت الى العيلة او الى غيرها وسوا

قَصَدَ السُّجُودَ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ غَفَلَ عَنْهُ مِنْ تَفْسِيرِ الدَّرِ
 فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ
 قَالَ عِكْرِمَةُ هُوَ سُجُودٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ انْتَهَى وَالصَّافِي
 الْحَمْدُ دِيَّةٌ إِذَا سَجَدَ لِغَيْرِ اللَّهِ تَكْفُرًا لِأَنَّ وَضْعَ الْجُمُودِ عَلَى
 الْأَرْضِ لَا يَجُوزُ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ رَوْضَةِ الْعُلَمَاءِ أَنَّ
 السُّجْدَةَ لَا يَحِلُّ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى انْتَهَى

وسرزدیک آوردن بر زمین مانند آنکه سجد کرده کردن به تعظیم
 مخلوق را از رسوم جاهلیت دانی است و ایضاً فی الحکامه
 التواضع لغیر الله حرام و اذا سجد لغیر الله معتقداً
 حقیقتاً کفر قال الفقیه ابو جعفر من قبل الارضین
 یدی سلطان او امیر او سجده فان کان علی وجه الخیة
 لا یکفر و لکن یتبیین مرتباً لکبیره و اما اذا سجد لغیر
 الجبارة فهو کبیره من الکبائر و مثل تکفیر
 مطلقاً قال بعضهم هذا علی وجوه ان اراد به
 العبادة کفر و ان اراد به العیة کم تکفیر و حرم
 علیه ذلک و ان لم یکن له نية کفر عند الذم
 العلم فاما تقبیل الارض فهو قریب من السجود انتهى

قصد سجود لله تعالی
 و غفلت عنه من تفسیر الدر
 فی قوله تعالی ولا یتخذ بعضنا بعضا
 اربابا من دون الله
 قال عکرمة هو سجود بعضهم لبعض
 انتہی و الصافی
 الحمد دیة اذا سجد لغیر الله
 تکفیراً لانه وضع الجمود علی
 الارض لا یجوز الا لله تعالی
 من روضة العلماء ان السجدة
 لا یحل الا لله تعالی انتہی
 و سرزدیک آوردن بر زمین
 مانند آنکه سجد کرده کردن
 به تعظیم مخلوق را از رسوم
 جاهلیت دانی است و ایضاً فی
 الحکامه التواضع لغیر الله
 حرام و اذا سجد لغیر الله
 معتقداً حقیقتاً کفر قال
 الفقیه ابو جعفر من قبل
 الارضین یدی سلطان او امیر
 او سجده فان کان علی وجه
 الخیة لا یکفر و لکن یتبیین
 مرتباً لکبیره و اما اذا سجد
 لغیر الجبارة فهو کبیره
 من الکبائر و مثل تکفیر
 مطلقاً قال بعضهم هذا
 علی وجوه ان اراد به العبادة
 کفر و ان اراد به العیة کم
 تکفیر و حرم علیه ذلک و ان
 لم یکن له نية کفر عند الذم
 العلم فاما تقبیل الارض فهو
 قریب من السجود انتهى

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام

وَفِي تَمْجِيزِ النَّاسِكِ لِلْقَارِي فِي ذِكْرِ يَابَةِ الْقُبُورِ وَلَا يَجُوزُ
 وَلَا يَقْبَلُ الْأَرْضَ فَإِنَّهُ بَدْعُهُ أَيُّ غَيْرِ مُسْتَحْسِنَةٍ فَيَكُونُ
 مَكْرُوهَةً وَأَمَّا السُّجْدَةُ فَلَا شَكَّ أَنَّهَا مُحَرَّمَةٌ فَلَا يَغْتَرُّ
 النَّاسُ بِمَا يَرَى مِنْ فِعْلِ الْجَاهِلِينَ بَلْ يَتَّبِعُ الْعُلَمَاءُ الْعَالِمِينَ
 أَنْتَهَى وَفِي الْمَشْكُوتِ عَنْ قَيْسِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ أَنْتَ الْحَيْرَةُ
 فَرَأَيْتَهُمْ لَيَسْجُدُونَ لِمَنْ بَانَ لَهُمْ فَقُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَقُّ أَنْ يُسْجَدَ لَهُ فَأَنْتَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ إِنِّي أَنْتَ الْحَيْرَةُ
 فَرَأَيْتَهُمْ لَيَسْجُدُونَ لِمَنْ بَانَ لَهُمْ فَأَنْتَ أَحَقُّ أَنْ يُسْجَدَ
 لَكَ فَقَالَ لِي أَرَأَيْتَ لَوْ مَرَرْتُ بِقَبْرِ أَبِي أُكَيْتَ لَسَجَدَ لَكَ
 فَقُلْتُ لَا فَقَالَ لَا تَفْعَلُوا لَوْ كُنْتُ أَمْرًا حَلًا أَنْ يُسْجَدَ لِأَحَدٍ
 لَا مَرَّتِ النِّسَاءُ أَنْ يُسْجَدَ لِأَنَّهُ لَوْ وَاجِبٌ لَمَا جَعَلَ اللَّهُ
 لَهُمْ عَلَيْهِمْ مِنْ حَوْرٍ وَابَةِ ابْنِ أَوْدٍ وَرَوَى أَحْمَدُ
 عَنْ مَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ أَنْتَهَى قَالَ السَّيِّدُ فِي حَاشِيَتَيْهِ
 عَلَى الْمَشْكُوتِ وَفِيهِ إِسْنَادٌ وَإِسَارَةٌ إِلَى أَنَّ الْمَكْنَى
 لَيْسَ مُسْتَحَقًّا لِلسُّجُودِ وَالْعِبَادَةِ لِتَغْيِيرِهِ وَرَوَاهُ بَيْهَقِيُّ
 الْمُسْتَحْوِلَ الْمَعْبُودِيَّةِ وَالْمُسْجُودِيَّةِ هُوَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

كونه على قاري في ذكر يابته القبور ولا يجوز ولا يقبل الأرض فإنه بدعه أي غير مستحسنه فيكون مكروهة وأما السجدة فلا شك أنها محرمة فلا يغتر الناس بما يرى من فعل الجاهلين بل يتبع العلماء العالمين انتهى وفي المشكوة عن قيس بن سعد قال أنت الحيرة ف رأيتهم يسجدون لمن بان لهم فقلت لرسول الله صلى الله عليه وسلم أحق أن يسجد له فأنت رسول الله صلى الله عليه وسلم فقلت إنني أنت الحيرة ف رأيتهم يسجدون لمن بان لهم فأنت أحق أن يسجد لك فقال لي أ رأيت لو مررت بقبر أبي أكيته ل سجد لك فقلت لا فقال لا تفعلوا لو كنت أمرًا حلًا أن يسجد لأحد لا أمرت النساء أن يسجدن لأنهن لو واجبن لما جعل الله لهم عليهم من حور و ابه ابن أود و روى أحمد عن معاذ بن جبل أنتهى قال السيد في حاشيتيه على المشكوة وفيه إسناده وإشارة إلى أن المكنى ليس مستحقًا للسجود والعبادة لتغيره و رواه البيهقي المستحوّل المعبودية والسجودية هو الله الرحمان الرحيم

في حديثه عن عبادته وعبادته

لَا تَلْقَى الْقُرُوفَ لَمَّا كَانَ عِبَادَةً مُخْتَصَّةً بِمَكَانٍ لَمْ يَحْزُ فِعْلُهُ
 إِلَّا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ كَالطَّوْفِ وَغَيْرِهَا لَمْ تَلْقَ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ
 الطَّوْفُ حَوْلَ سَائِرِ الْبُيُوتِ تَشْبِيهًا لِذَلِكَ فِي غَايَةِ الْبَيِّنَاتِ
 وَهَذَا ظَاهِرٌ فِي أَنَّهُ يُكْرَهُ كَثْرَتُهُ وَأَصَحُّ فِي الْمَعْرَاجِ بَانَ لَوْ
 طَافَ حَوْلَ مَسْجِدِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الْكُرْمَانِيُّ وَهَكَذَا
 فِي الْكَلْبَايَةِ حَاشِيَةِ الْهُدَايَةِ وَفِي شَرْحِ عَقَائِدِ النَّسْفِيِّ
 وَغَيْرِهَا اسْتِحْلَاحُ الْمَعْصِيَةِ صَغِيرَةً كَانَتْ أَوْ كَبِيرَةً كَثْرَتُهُ
 أَنْتَهَى بِرُكَاةِ هَذِهِ رِوَايَاتٍ كَثِيرَةٍ مَعْتَبَرَةٍ مَعْلُومٌ أَنَّهَا طَوَافٌ غَيْرُ كَعْبٍ
 قَبْرٍ بَشَرِيٍّ أَوْ غَيْرِ قَبْرِ حَرَامٍ وَغَيْرِ جَائِزٍ هِيَ بَعْضُ تَجْوِيزِ سَائِرِ الْبُيُوتِ
 إِذْ هِيَ رِوَايَاتٌ غَيْرُ مَعْتَبَرَةٍ هِيَ زَيْرُكَ قَاعِدَةٌ فَهِيَ هِيَ كَمَا فِي رِوَايَاتِ مَنْ
 مَعْتَبَرَةٍ بَاشَدَاز رِوَايَاتِ شَرْحِ دُرُوَايَاتِ شَرْحِ مَعْتَبَرَةٍ بَاشَدَاز قَاوِي
 بِس رِوَايَاتِ كَثِيرَةٍ مَنَعِ طَوَافِ از شَرْحِ كَمَا فِي مَنَزَلَةِ مَثَلُونَ اسْتِجْوَادِ
 رِوَايَاتِ تَجْوِيزِ دَرِ بَعْضِ قَاوِي اسْتِجْوَادِ رِوَايَاتِ قَاوِي وَشَرْحِ
 مَسْتَعَارِضِ تَتَوَضَّعُ رَجِيحِ بِرِوَايَاتِ شَرْحِ اسْتِجْوَادِ مَقْصُودِ شَرْحِ
 از طَوَافِ خَانَةِ كَعْبِ مَعْظِمَةٍ تَعْظِيمِ مَضْمُونِ اسْتِجْوَادِ دِكْرِ از رِوَايَاتِ
 مَسْمُومَةٍ تَعْظِيمِ نَاشِدِ چُونِ غَيْرِ كَعْبِ رَا طَوَافِ مَقْرُرِ كَرْدِ شُودِ بِرِوَايَاتِ
 غَيْرِ كَعْبِ كَعْبِ بَاشَدِ وَاَنْ خِلَافِ مَقْصُودِ شَرْحِ اسْتِجْوَادِ بِس رِوَايَاتِ كَمَا فِي خِلَافِ

۴۰
 اینست که در روایتی که در کتاب
 منتهی به رکاهه ازین روایات کثیره
 معتبره معلوم است که طواف غیر کعب
 قبری باشد یا غیر قبری حرام و غیر جائز است پس آنچه بعضی تجویز سائر بیوت
 اذان روایت غیر معتبره است زیرا که قاعده فقهیه است که روایات من
 معتبره باشد از روایات شرح در روایات شروح معتبره باشد از قوای
 پس روایات کثیره منع طواف از شروح که بمنزله مَثَلُونَ است موجود و
 روایات تجویز در بعض قوای است در رکاه روایات قوای و شرح
 مستعارض نتواند ترجیح بر روایات شروح است و مقصود شرح
 از طواف خانه کعبه معظمه تَعْظِيمِ مَضْمُونِ اسْتِجْوَادِ دِكْرِ از رِوَايَاتِ
 مَسْمُومَةٍ تَعْظِيمِ نَاشِدِ چُونِ غَيْرِ كَعْبِ رَا طَوَافِ مَقْرُرِ كَرْدِ شُودِ بِرِوَايَاتِ
 غَيْرِ كَعْبِ كَعْبِ بَاشَدِ وَاَنْ خِلَافِ مَقْصُودِ شَرْحِ اسْتِجْوَادِ بِس رِوَايَاتِ كَمَا فِي خِلَافِ

يَكْفُرُ بِهِ وَأَنْ يُضْرَبَ عَلَيْهِ فَسُطَّاطٌ أَوْ قَبَّةٌ
تَعَامُرُ فِيهِ وَلَيْسَتْ تَطَّلُ الْقُبُورَ فَإِنَّمَا يُظَلُّ
الْمَيِّتَ عَمَلُهُ انتهى و نیز در حدیث شریف وارد است
نَهَى أَنْ يُبْنَى عَلَيْهِ أَيْ عَلَى الْقَبْرِ كَمَا رَوَاهُ
مُسْلِمٌ و بنا عام است که عمارت نموده شود بر آن یا خیمه
ایستاده کرده شود کَذَا ذَكَرَهُ الشَّيْخُ عَبْدُ
الْحَكِيمِ فِي تَرْجُمَةِ الْمَشْكُوتَةِ وَأَصْلُ النَّهْيِ
لِلْمُحَرَّمِ كَمَا هُوَ مَذْكُورٌ فِي أَصُولِ الْفِقْهِ
و سیکه مرکب نمی نخرمی باشد گناه کاری شود کَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ
فِي الدَّرَجَاتِ وَغَيْرِهِ مِنْ كِتَابِ الْفِقْهِ وَاعْرَازِ بَرَكَاةٍ صَغِيرَةٍ كَبِيرَةٍ
است کَمَا هُوَ مَذْكُورٌ فِي كِتَابِ الْعُقَابِ
سؤال سی و هفتم بوسه گرفتن قبر
والدین چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه جواب
بوسه دادن قبر والدین غیر حائز است علی
الصَّحِيحِ وَفِي مَدَارِجِ السُّبُوحَةِ وَبُوسَةٌ دَادِنِ قَبْرِ
رَأْسِ سَجْدَةٍ كَرْدَنِ آئِزَادِ كُلِّ نَهَادِنِ حَرَامٌ وَمَنْعُوعٌ
و در بوسه دادن قبر والدین روایت فقهی نقل می کند

سنة
است که در حدیث شریف وارد است
نَهَى أَنْ يُبْنَى عَلَيْهِ
مُسْلِمٌ و بنا عام است
کَذَا ذَكَرَهُ الشَّيْخُ عَبْدُ
الْحَكِيمِ فِي تَرْجُمَةِ الْمَشْكُوتَةِ
و سیکه مرکب نمی نخرمی
فِي الدَّرَجَاتِ وَغَيْرِهِ
است کَمَا هُوَ مَذْكُورٌ
سؤال سی و هفتم
والدین چه حکم دارد
بوسه دادن قبر
الصَّحِيحِ وَفِي مَدَارِجِ
رَأْسِ سَجْدَةٍ كَرْدَنِ
و در بوسه دادن
نقل می کند

عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالشُّرُجَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالزُّهْرِيُّ
 أَنْتَهَى قَالَ الْمَلَاعِلِيُّ الْقَارِئِيُّ فِي تَرْجُمِهِ وَاللَّيْثِيُّ عَنْ إِتْحَادِ
 الشُّرُجِ أَمَا لِمَا فِيهِ مِنْ بَصِيغِ الْمَالِ لِأَنَّهُ لَا يَنْفَعُ أَحَدًا مِنْ
 الشُّرُجِ وَغَيْرِهِ وَلَا لَهَا مِنْ أُنَابِجْهَتِهِ وَأَمَا لِلْإِحْتِرَافِ
 عَنْ تَعْظِيمِ الْقُبُورِ كَالَّذِي عَنْ إِتْحَادِ الْقُبُورِ مَسْجِدًا
 أَنْتَهَى در ترجمه شیخ عبدالحق تحت این حدیث مرقوم است و لغت کرده است
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسی را که میگذرد قبور را مسجد یعنی سجده بر بندگان
 بجانب قبور بقصد تعظیم جایا که گذشت و کسی را که میگذرد چنانچه بر قبور بقصد تعظیم و نزد بعضی
 مسخر است اگر چه بقصد تعظیم باشد از جهت اسراف و تصنیع مال و بعضی گویند که اگر بر روی رملگر مردوم باشد
 و سایه چراغ کاری میکرده باشند جایز است و درین صورت چراغ گرفتن
 سبب قبر نیست بلکه سبب تعظیم کاری دیگر است که قبر از آن منظور نیست انتهى
 پس ازین روایات معلوم شد که روشنی کردن بر قبور غیر جایز است و معروف
 بلفظ شدن فعلی دلیل گناه است و نزد بعضی علامت کبیره است گمراهی
 الشَّيْخِ عَبْدِ الْحَقِّ فِي تَرْجُمِهِ الْعَرَبِيُّ عَلَى الْمَسْجِدِ
سوال چهل و یکم اگر روشنی کند برای اجتماع مردمان و
 برای حفظ قبر پوشش و رعایت اوب زیارت تا از راه اعتبار امتیاز
 شود و با اوب زیارت کند چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه

این حدیث در حوزة علمیه
 کتبه شد در روز دوشنبه
 این حدیث را ابو داود و
 نسائی و زهری
 نقل کرده اند
 تا آنکه مکتب اعلی
 تالیف و تصحیح کردند
 نمی آید در این
 چراغان بیایم این
 است که در این صحیح
 کردن مال است
 نفع داده بی
 همه از شرح

روشنی از آثار روشن است
 بیایم این حدیث را
 است این حدیث از تعظیم
 قبور است
 تعظیم را
 منظور است
 این حدیث
 عربی که
 این حدیث
 عربی که

جواب روشنی کردن نزد قبر برای کاری نه برای قصد تطهیر
 قبر و نه بطور سراف ظاهراً اجاز معلوم می شود لیکن آن فعل را
 باید دید که آن فعل که برای آن روشنی کنند فی نفسه جایز
 است یا غیر جایز اگر جائز باشد روشنی کردن هم بقدر کفایت جایز
 خواهد شد و اگر آن فعل غیر جائز است پس وسایل آن فعل هم غیر
 جائز خواهد شد سابقاً از روایات معلوم شد که اجتماع کردن مردم نزد
 قبور غیر جائز است همچنین قبرلوش نار و آبس برائے ماستم
 امر غیر جائز روشنی نمودن هم درست نخواهد شد در عایت ادب قبر
 که برود پانهند و فعل برودند و بربول و غایط نکنند و بران جلوس نمایند
 روشنی هم مقصور است پس حاجت روشنی بر این امور نمی باشد
 و اگر علت منع اثر نام است پس بهیچوجه درست نخواهد شد مگر بنا بر
 ضرورت که دفن کردن بوقت شب باشد **سوال چهارم**
یکم چادر گل انداختن بر قبر چه حکم دارد و جایز یا گناه کدام گناه
جواب اگر برای تقرب میت می اندازند غیر جائز است و حرام
 كما يفهم من الدر المختار وغيره عبارة هلا اعلم ان
 التذرة الذي يقع للاموات وما يوحد من الذمهم و
 الشيع والنيت ونحوها الى ضربها الاولياء الكرام

اینست که فهمید
 می شود و در حدیث
 و غیره عبارت در حدیث
 مختار بیان می کند
 بدانکه حکم آنست
 واقع می شود بر
 اموات و آنچه آورد
 می شود در اشعار
 و شیع در اولین
 و مانند اینها بودی

فی حدیث
 او سید مرتضی

یعنی از غذا را که در حلال است
در این کتاب در باب صیام
در این کتاب در باب صیام
در این کتاب در باب صیام

که از ائمه اهل علم و قدوه شرح حدیث است این قول را در کرده است
و انداختن سبزه و گل را بر قبور متمسک باین حدیث انکار نموده و
گفت که این سخن اصلی ندارد و در صدراول نبوده و بعضی گفته اند بنا بر
تحدید و توقیت بدان است که آنحضرت شفاعت خوشت در تخفیف عذاب
پس قبول کرده شد از وی تا مدت خشک شدن آن شاخ و کلمه لعل ناظر
است درین معنی و کرمانی گفته که در جریده خاصی نیست در رفع عذاب و نه
بود آن مگر ببرکت دست مبارک سیدنا نبی صلی الله علیه و سلم است
سوال چهل و دویم صدقه دادن از نقد و جنس و از
طعام مرخادمان را خواهد در کولک خواهد دست بدست چه حکم دارد جائز
است یا گناه کدام گناه **جواب** صدقه دادن از نقد و جنس و طعام
خادمان را بطریق دست بدست اگر فقیر و محتاج باشند جائز است بشرطیکه
تقرب الی غیر الله نباشد و آنچه در کولک می اندازند اگر بطریق نذر صاحب
قبر یا بطریق تقرب می اندازند پس آن جایز نیست حرام و گناه است بخاندان
از کتاب در مختار در جواب سابق گذشت **سوال چهل و دویم**
و سویم وکیل ساختن خادمان را تا دعا بکنند چه حکم دارد
جائز یا گناه کدام گناه، **جواب** وکیل ساختن خادمان را تا دعا
بکنند از حضرت صلی الله علیه و سلم و نه از صحابه و نه از مجتهدین +

ثابت شده و در کتب فقهیه مذکور است **سوال چهل و چهارم**
 تعظیم میت در شرع چه قدر آمده است بطوریکه در حیات ایشان تعظیم بسیار
 روا بود مثل قدم بوسی و بوسه دادن دست و معانقه همون طور بعد
 مماتشان رواست یا گناه که گناه گناه **جواب** تعظیم میت همون
 طور است چنانکه در حیات او بود لیکن در نجاست و جبر است یکی تعظیم میت
 دوم تعظیم قبر تعظیم میت همون طور است که در حیات او بود و اما اینکه
 دفن کرده باشند چو مکه در فن نمودند میت مدفون شد پس آنچه معامله
 با حیدر میت می نمودند موقوف شد پس بعد از آن باقی ماند معامله با قبر
 و آن معامله دیگر است این قدر تعظیم قبر در شرع آمده که بر آن جلو نکشند
 و پانهند و نقل بر آن نهند و از غایط و بول بر آن احتراز سازند
 تعظیم قبر بوسه دادن و دست مالیدن و سجده و طواف و تقبیل نمودن
 و سخن شدن و در و بنجاک مالیدن در سنت چنانچه روایات این
 امور در جوابات سابقه گذشته و از آن جمله در کتاب کشف الغطا
 شیخ الاسلام مذکور است دست نهند بر قبر و مسح کنند و بوسه نهند
 و منحنی نشود و در و بنجاک مالند که این عبارت نص است و شیخ در منع
 آن تشدید بسیار دارند و اینچنین عوام مردم الآن گشتند از بدعتهای منکر
 است شریعاً و باطله شک نیست در بودن مثل این امور بدعت

تان با که مشهور است در حدیثی و روایتی از مجتهدین ثابت شده و تخصیص
 کردن و اصرار نمودن بر امر مباح باشد و بوضعی که آنرا موکد دانند و بر
 رخصت عمل کردن پس ضلال از شیطان است **كَمَا يَقْهَمُ هَذَا الْمَعْنَى**
مِنْ عِبَارَةِ مَرْحِ الْمَشْكُوفَةِ لِلْاَعْلَى قَارِي وَالطَّبِي وَالسَّيِّدِ
 که در شرح این حدیث مرقوم است **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ**
عَنْهُ قَالَ لَا يَجْعَلُ لِحَدِّكَ الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاتِكَ بِيْرِي أَنْ تَقَالَ لَهُ
أَلَا تَبْصُرُ إِلَّا عَزَّ بِمِنْهُ لَقَدْ رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
كَثِيرًا يَتَضَرَّ عَنْ نَيْسَارٍ مُتَفَوِّعًا عَلَيْهِ قَالَ فِي الشَّرْحِ
فِيهِ أَنْ مَنْ أَصْرَ عَلَى أَمْرِ مُذْرِبٍ وَجَعَلَهُ عَزْمًا وَلَمْ يَعْمَلْ
لِلرَّخْمَةِ فَقَدْ أَصَابَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْاِضْطِرَالِ كَيْفَ
مَنْ أَصْرَ عَلَى اِبْدَعَةٍ وَمَنْ كَرِهَ اَنْتَهَى سَوَالِ اِحْمَلِ وَ
هَشَلَمِ برای فاسته تفر طعام از قسم شیرینی و غیره چه حکم دارد جایز است
 که ام گناه **جواب** تصدق طعام از قسم شیرینی و غیره و نواب ان بمو
 رسانیدن جایز است چنانچه در کتب فقه و عقاید مسطور است لیکن فاسته موسوم
 و مشهور اصلی دارد زیرا که حضرت علی (ع) علیه و سلم و صحابه و تابعین این طور که هم
 فیما بین الناس است منقول نیست پس امریکه منقول نباشد از آنحضرت و صحابه
 و تابعین غیر مشروعت و حاشیچه صاحب مدایحه با عدم نقل را از آنحضرت

۴۱
 چنانچه در مجمع بیرونی
 منی از سادات شیخ
 علی بن قاری روایت است
 در آنست
 علی بن مسعود روایت است
 که گفت شیطان
 ای شیطان هرگاه
 صلوات فرود آید بر تو
 از سوی آنکه از تو رو
 از جانب آنکه فرود می
 آید از آنست که
 صلوات بر او است
 کسی از او بداند غایت
 آنست که او را ازین
 نظر چه نماند ازین
 روایت کرد این
 ۴۵
 و شرح آنکه در کتب
 است بلکه بزرگوار که در
 او روایت فرموده اند و لازم
 و علی بن قاری روایت است
 در آنست که در آنست
 حال آنکه در آنست
 بر او است و صحابه
 مضمون روایت است
 از آنست که

السعدية وسلم وصحابة سبي السعد تعالى عنهم اير طوييل كرامت كرفه است
 منها في كتاب الصلوة في فصل الاوقات التي تكرر فيها
 الصلوة قال تكرر ان يتنقل بعد طلوع الفجر الا ان من
 ركعتي الفجر لانه عليه السلام لم يرد عليها مع حرصه على الصلوة
 ومنها ما قال في باب العبد لا يغفل في المصلي قبل العبد لانه
 عليه السلام لم يفعل مع حرصه على الصلوة ومنها ما
 قال في كتاب الحج ممن احرم وفي بيته اذ في قفص معه صبي
 فليس عليه ان يسلكه وقال الشافعي عليه ان يسلكه لانه
 متعرض للصبي بافسا له في ملكه فصار كما اذا كان في
 يده ولنا ان الصابة رضوان الله عليهم كانوا يخرجون
 وفي بؤرهم صيود ووداجن ولم ينقل عنهم ارسالها و
 بذلك جرت العادة الفاشية وهي من احد الحجج التي
 كلامه ويزور فاوى بالمكبري ونصاب الاحتساب استدلال
 بعد من نقل اصحابه ونابعين كرده اذ قالوا في العالم الكبرية
 قراءة الكافرون الى الخيس مع الجمع مكرهه
 لانها بدعة لم ينقل ذلك عن الصحابة والتابعين
 لكافي الجليل وقال في نصاب الاحتساب في باب الاحتساب

كلف في باب الصلوة في فصل الاوقات التي تكرر فيها
 الصلوة قال تكرر ان يتنقل بعد طلوع الفجر الا ان من
 ركعتي الفجر لانه عليه السلام لم يرد عليها مع حرصه على الصلوة
 ومنها ما قال في باب العبد لا يغفل في المصلي قبل العبد لانه
 عليه السلام لم يفعل مع حرصه على الصلوة ومنها ما
 قال في كتاب الحج ممن احرم وفي بيته اذ في قفص معه صبي
 فليس عليه ان يسلكه وقال الشافعي عليه ان يسلكه لانه
 متعرض للصبي بافسا له في ملكه فصار كما اذا كان في
 يده ولنا ان الصابة رضوان الله عليهم كانوا يخرجون
 وفي بؤرهم صيود ووداجن ولم ينقل عنهم ارسالها و
 بذلك جرت العادة الفاشية وهي من احد الحجج التي
 كلامه ويزور فاوى بالمكبري ونصاب الاحتساب استدلال
 بعد من نقل اصحابه ونابعين كرده اذ قالوا في العالم الكبرية
 قراءة الكافرون الى الخيس مع الجمع مكرهه
 لانها بدعة لم ينقل ذلك عن الصحابة والتابعين
 لكافي الجليل وقال في نصاب الاحتساب في باب الاحتساب

كلف في باب الصلوة في فصل الاوقات التي تكرر فيها
 الصلوة قال تكرر ان يتنقل بعد طلوع الفجر الا ان من
 ركعتي الفجر لانه عليه السلام لم يرد عليها مع حرصه على الصلوة
 ومنها ما قال في باب العبد لا يغفل في المصلي قبل العبد لانه
 عليه السلام لم يفعل مع حرصه على الصلوة ومنها ما
 قال في كتاب الحج ممن احرم وفي بيته اذ في قفص معه صبي
 فليس عليه ان يسلكه وقال الشافعي عليه ان يسلكه لانه
 متعرض للصبي بافسا له في ملكه فصار كما اذا كان في
 يده ولنا ان الصابة رضوان الله عليهم كانوا يخرجون
 وفي بؤرهم صيود ووداجن ولم ينقل عنهم ارسالها و
 بذلك جرت العادة الفاشية وهي من احد الحجج التي
 كلامه ويزور فاوى بالمكبري ونصاب الاحتساب استدلال
 بعد من نقل اصحابه ونابعين كرده اذ قالوا في العالم الكبرية
 قراءة الكافرون الى الخيس مع الجمع مكرهه
 لانها بدعة لم ينقل ذلك عن الصحابة والتابعين
 لكافي الجليل وقال في نصاب الاحتساب في باب الاحتساب

فِي نِعْمَلِ الْبَيْدِعِ مِنَ الطَّاعَةِ وَتَرَكَ الشُّنَّ قِرَاةَ
 الْكُفْرُونَ إِلَى الْأَحْضِ مَعَ الْجَمْعِ مَكْرُوهَةً لِأَنَّهَا
 بِدْعَةٌ لَمْ يُنْقَلْ ذَلِكَ عَنِ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ وَ
 أَنْ ذَكَرَ فِي الْفَتَاوَى وَهَكَذَا الدُّعَاءُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ
 فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَعِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ بِجَمَاعَةٍ
 لِأَنَّ هَذَا لَمْ يُنْقَلْ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا عَنِ
 الصَّحَابَةِ رِضْوَانِ اللَّهِ تَعَالَى عَنْهُمْ أَنِي بِسُؤَالِ رِوَايَاتِهِ
 يَعْلَمُ بِشِدَّةِ غَدْرِهِمْ مِنْهُمْ وَمَعَانِيهِمْ دَلَالَتُهُ بِرَبِّهِمْ
 وَكَرَاهَتُهُمْ فَعَلَّ وَاصْرَارُهُمْ بِرَبِّهِمْ مَكْرُوهٌ وَكُنَاهُ كَبِيرٌ
سؤال چهل و نهم مذکر کردن باین طریقی
 اگر حاجت من خدا بر آرد و بگاه غلاتی و کسی این قدر از نفس و دین
 طعام بخرم برسانم یا بنام او شان سبیل کنم چه حکم دارد جایز یا گناه
 که ام گناه و **جواب** مذکر کردن باین طور که اگر حاجت من خدا بر آرد
 هزار فلان ولی این قدر از نفس و دینش طعام بخرم برسانم درست
 نیست زیرا که در تذکر کردن خدای تعالی چند شرط است
 اگر همه مستحق شوند لازم می شود و الا لازم نیست
 یکی آنکه چیزی که بر ذمه خود نذر می کنند

ان شاء الله تعالى
 در تذکر کردن خدای تعالی در روز نذر
 باین طریقی صحیح است
 و اگر بخواهد که در روز نذر
 چیزی بخرد و بنام او نذر کند
 باید که در روز نذر او را
 در پیش خود داشته باشد
 و اگر در روز نذر او را
 در پیش خود نداشته باشد
 باین طریقی صحیح نیست
 و اگر در روز نذر او را
 در پیش خود نداشته باشد
 باین طریقی صحیح نیست
 و اگر در روز نذر او را
 در پیش خود نداشته باشد
 باین طریقی صحیح نیست

۷۷

شرعا از جنس او واجب باشد از همین جهت اگر کسی نذر کند بعبادت کردن
 مریض غرض لازم نمی شود زیرا که از جنس آن شرعا واجبیت دوم آنکه چیزی
 مند و از قسم عبادت مقصوده باشد و وسیله عبادت دیگر چنانچه وضو
 و غیره که نذر این هم لازم نخواهد شد میوم آنکه فی الحال یا ثانی الحال آن
 نمی واجب و نباشد چنانچه نمازهای پنجگانه چهارم آنکه مند و در فی نفس
 گناه نباشد اگر گناه خواهد شد اصلا در نذر کردن بر لازم نخواهد شد
 چنانچه در فتاوی عالمگیری مرقوم است **الْأَصْلُ أَنَّ النَّذْرَ لَا يَصِحُّ**
إِلَّا بِشَرْطٍ لِحَدِّهَا أَنْ يَكُونَ الْوَلَجِبُ مِنْ جِلْسَةٍ شَرْعِيَّةٍ
فَلِذَلِكَ لَمْ يَصِحَّ النَّذْرُ بِعِبَادَةِ الْمَرِيضِ وَالثَّانِي أَنْ يَكُونَ
مَقْصُودًا إِلَّا وَسِيلَةً فَكَمْ يَصِحُّ النَّذْرُ بِالْوُضُوءِ وَسَجْدَةٍ
الْتِلَاوَةِ وَالثَّالِثُ أَنْ لَا يَكُونَ وَلِجَبَانِي الْحَالِ أَوْ فِي
ثَانِي الْحَالِ فَكَمْ يَصِحُّ لِصَلْوَةِ الظُّهْرِ وَغَيْرِهَا مِنَ الْمَفْرُوضَاتِ
وَالرَّابِعُ أَنْ لَا يَكُونَ الْمَنْذُورُ مَعْصِيَةً بِاعْتِبَارِ نَفْسِهِ
 انتهى چون ازین عبارت معلوم شد که در نذر کردن چند
 شرط ضروری است پس در سوال که مرقوم است که بدرگاه فلاسفه
 این قدر طعام بخته بر ساختم رسانیدن طعام جای عبادت
 نیست پس نذر صحیح نخواهد شد اگر این طور خواهد گفت که اگر عبادت

اصل این است که نذر در هر چیزی
 مند و از جنس او واجب باشد از همین جهت
 اگر کسی نذر کند بعبادت کردن مریض غرض
 لازم نمی شود زیرا که از جنس آن شرعا
 واجبیت دوم آنکه چیزی مند و از قسم
 عبادت مقصوده باشد و وسیله عبادت دیگر
 چنانچه وضو و غیره که نذر این هم لازم
 نخواهد شد میوم آنکه فی الحال یا ثانی
 الحال آن نمی واجب و نباشد چنانچه نمازهای
 پنجگانه چهارم آنکه مند و در فی نفس
 گناه نباشد اگر گناه خواهد شد اصلا در
 نذر کردن بر لازم نخواهد شد چنانچه در
 فتاوی عالمگیری مرقوم است
الْأَصْلُ أَنَّ النَّذْرَ لَا يَصِحُّ
إِلَّا بِشَرْطٍ لِحَدِّهَا أَنْ يَكُونَ
الْوَلَجِبُ مِنْ جِلْسَةٍ شَرْعِيَّةٍ
فَلِذَلِكَ لَمْ يَصِحَّ النَّذْرُ بِعِبَادَةِ
الْمَرِيضِ وَالثَّانِي أَنْ يَكُونَ
مَقْصُودًا إِلَّا وَسِيلَةً فَكَمْ يَصِحُّ
النَّذْرُ بِالْوُضُوءِ وَسَجْدَةٍ
الْتِلَاوَةِ وَالثَّالِثُ أَنْ لَا يَكُونَ
وَلِجَبَانِي الْحَالِ أَوْ فِي ثَانِي
الْحَالِ فَكَمْ يَصِحُّ لِصَلْوَةِ الظُّهْرِ
وَغَيْرِهَا مِنَ الْمَفْرُوضَاتِ
وَالرَّابِعُ أَنْ لَا يَكُونَ الْمَنْذُورُ
مَعْصِيَةً بِاعْتِبَارِ نَفْسِهِ
 انتهى چون ازین عبارت معلوم شد که در
 نذر کردن چند شرط ضروری است پس در
 سوال که مرقوم است که بدرگاه فلاسفه
 این قدر طعام بخته بر ساختم رسانیدن
 طعام جای عبادت نیست پس نذر صحیح
 نخواهد شد اگر این طور خواهد گفت که
 اگر عبادت

است
 است
 است

من خدا بر آرد بفقرا و خادمان و زار فلانی بخورم پس من ز صیحه خواهد شد
 و وفار او لازم لیکن تخصیص کردن فقرا خادمان و زار ولی در وفا
 نذر لازم نیست هر فقیری که خواهد داد نذر او او نخواهد شد و اگر این طور
 بگوید که اگر حاجت من بر آید برای فلان ولی یا بنام فلان ولی این قدر
 طعام یا این قدر نقد است پس این قسم نذر کردن باطل است
 باجماع و خوردن طعام حرام است چنانچه از کتب معتبره مرقوم می
 گردد از همین قسم است حال آنکه بگوید این بنام آن ولی و سید است
 وَ فِي الْعَالَمِينَ وَالَّذِي لَدُنِي يَقَعُ مِنَ الْأَنْعَامِ بِأَنْبَاءٍ
 إِلَى قَابٍ بَعْضِ الصَّالِحِينَ وَ رَفَعْنَا قَايِلًا يَا سَيِّدُ فَلَا نَإِن
 قُضِيَتْ حَاجَتِي فَالْكَ مَنِي مِنَ الذَّهَبِ مَثَلًا كَذَا بَاطِلٌ لِّجَمَاعَةٍ
 نَعَمْ قَالَ يَا اللَّهُ نَدَرْتُ لَكَ إِن شَقِيتَ مَرِيضِي أَوْ نَحِيهُ
 أَنْ أَطْعَمَ الْفُقَرَاءَ الَّذِينَ يَبِيحُ السَّيِّدَةَ نَفْسِيَّةً
 أَوْ نَحِيهَا أَوْ اشْتَرِي حَصِيْرًا مَسِيْرًا هَا أَوْ زَيْنًا لَوْ قُوْدَهَا أَوْ
 دَرَاهِمٍ مِنْ يَبْعُومَ لِسَعَابٍ هَا مِمَّا يَكُونُ فِيهِ نَفْعُ الْفُقَرَاءِ
 وَ التَّنْذِرُ لِلَّهِ تَعَالَى وَ ذَكَرُ الشَّيْخِ أَمَّا مَوْجَلٌ لِنَصْرِفِ الذَّنْبِ
 لِمُسْتَحَقِّهِ يَجُوزُ ذَلِكُ لَكِنْ لَا يَجْعَلُ صَرْفَهُ إِلَّا إِلَى
 الْفُقَرَاءِ لَا إِلَى ذِي عِلْمٍ لِعِلْمِهِ وَلَا لِحَاضِرِي الشَّيْخِ

ع

و در میان کتب معتبره و آن است که
 واقع می شود از نذر کردن به نفع
 اینها بسیار است و بعضی صحاحی است
 برده و نذر را در آنجا ذکر کرده اند
 پس این نذران یعنی این نام او
 یا این قدر که اگر در آن مصلحتی
 باشد یا نفعی از آن نفع من از
 آن نذران نذر باطل است باجماع
 می آید اگر کسی بگوید یا فلان
 نذر که اگر نذر می نماید یا
 آن نفعی را که نذر می نماید
 پس این نذران معتبره و نذر
 ۲۹
 برای مردم است و باید که
 نذر را در آن نفع برانی فقرا
 کردن یا نفع خیران نذر
 نفع من نذر باطل است باجماع
 این نذران نذر باطل است
 آن نذر که نفعی نفع خیران
 نفع من نذر باطل است باجماع
 در نذر کردن نفع خیران نذر
 نفع من نذر باطل است باجماع

اللهم اني نذرت ان اكون من الفقراء واذا اشرف هذا فما يؤخرا
 من الداهم ونحوها وينقل الى صحيح الاولياء تقربا
 اليهم فحرام بالاجماع ماله يقصد بصرفها الفقراء الاجا
 قى لا واحدا وقد ابتلى الناس بذلك وفي البحر الرائق
 واما نذر الذي ننذره اكثر العوام على ما هو مشاهد
 كان يكون لانسان غائب او مريض او له حاجة ضرورية
 فياتي في بعض مراتب الصلحاء فجعل سيرة على
 راسه ويقول يا سيدي فلان ان رد غابي او عوفي
 مرضي او قضيت حاجتي فلان من الذهب كذا او
 من الفضة كذا او من الطعام كذا او من الماء كذا او من
 الشمع كذا او من الزيت كذا فهذا النذر باطل بالاجماع لوجوه
 منها انه نذر مخلوق والنذر للمخلوق لا يجوز لانه عبادة
 والعبادة لا يكون لمخلوق ومنها ان النذر لله عبادة
 والعبادة لا يملك ومنها ان الظن ان الميت يتصرف
 في الامور دون الله واعتقاده به ذلك كفر
 اللهم لا ان يقال يا الله اني نذرت لك ان
 شفيت مرضي او رددت غابي او قضيت حاجتي

نظر ادبنا...
 ان نذر الذي ننذره اكثر العوام على ما هو مشاهد
 كان يكون لانسان غائب او مريض او له حاجة ضرورية
 فياتي في بعض مراتب الصلحاء فجعل سيرة على
 راسه ويقول يا سيدي فلان ان رد غابي او عوفي
 مرضي او قضيت حاجتي فلان من الذهب كذا او
 من الفضة كذا او من الطعام كذا او من الماء كذا او من
 الشمع كذا او من الزيت كذا فهذا النذر باطل بالاجماع لوجوه
 منها انه نذر مخلوق والنذر للمخلوق لا يجوز لانه عبادة
 والعبادة لا يكون لمخلوق ومنها ان النذر لله عبادة
 والعبادة لا يملك ومنها ان الظن ان الميت يتصرف
 في الامور دون الله واعتقاده به ذلك كفر
 اللهم لا ان يقال يا الله اني نذرت لك ان
 شفيت مرضي او رددت غابي او قضيت حاجتي

سببی فقر و دلتنگی کند
 دینار از دست تو بدست
 کسی که نماند از تو بدست
 دینار از دست تو بدست
 دینار از دست تو بدست
 دینار از دست تو بدست

اَلِی الْفُقَرَاءِ وَ یَقْضَ النَّدْرَ عَنِ نَذْرِ السَّبِّحِ فَادَاعِلَمَتْ هَذَا
 قَامَا یُخَذُ مِنَ الدَّاهِمِ وَ الشَّحِّ وَ الرَّبِیَّةِ وَ عَیْنُهَا وَ یُنْقَلُ اِلَى
 ضَّرِیحِ الْاَوْلِیَاءِ تَقَرُّ بِاللَّهِ فَمِنْ جَمَاعِ الْمُسْلِمِیْنَ مَا
 لَمْ یَقْصِدُوْا اِیْصَرُفُهَا الْفُقَرَاءُ الْاَحْتِیَاءُ قَوْلَا وَلِجِدَا
اَنْتَهٰی وَ هَكَذَا فِی التَّمَرِّ وَ اللُّدِّ سَوَالٌ بِجَاهِهِم
 اگر حاجت من خدا بر آرد این قدر طعام پنجه گناهم و فقرا و اغنیاء اقرار با
 بخور نام این کند یا طور دیگر کند فقر را بد کسی دیگر راند بد و اگر بد و با فایز شود
 یا نشود **جواب** اگر این طور گوید که اگر حاجت من خدا بر آرد این قدر طعام
 پنجه گناهم و فقرا و اقرار با بخور نام این طور درست است فقرا و اقارب و غیره
 را بخوراند و اغنیاء بجانب هستند یا اقارب ایشان راند بد زیرا که اغنیاء محل
 مصرف صدقه نیستند و اگر فقرا و اقارب محتاجا از بخوراند از نذرا و ادمی شود
 و اصول فروع و زوج و زوج و زوج را هم مدد و همچنین بن
 هشتم هم صدقه و نذرا و ادون در نیت چنانچه زکوة و ادون ایشانرا
 در نیت چنانچه از کتاب بحبر الرائق و غیره معلوم می شود **فِی الْجَمْعِ لَا**
یَجُزُّ دَفْعُ الزَّكْوٰةِ اِلٰی اٰبِیْهِ وَجَدِّهِ وَ اِنْ عَلَا وَ لَا اِلٰی وَاِلَدِهِ وَ
وَاِلَدِ وَاِلَدِهِ وَ اِنْ سَفَلَ لِاَنَّ الْمَنْفَعَةَ لَمْ یَنْقَطِعْ عَنِ الْمَالِکِ
مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَ فِیْهِ اِشَارَةٌ وَ اِلٰی اَنَّ هَذَا الْحُكْمُ لَا

با آنکه آن که
 در آن روزگار است
 است خلاف نیت
 تمام نیت است
 الرائق او چنانچه
 است در جمیع احوال
 که چنانچه نیت دادن
 زکوة بدین صورت بود
 خود نیتی در نیت
 که صدقه بر او
 و نذرا و نذرا و نذرا
 که صدقه بر او
 و نذرا و نذرا و نذرا

این طعام مرصلا و علما و اکابر کرده است استسبی و اگر برای نام و
 نفس خربند پس خوردن آن طعام هم ممنوع است **كُلْ جَافًا لِيَكُنَّ**
تَفْحَىٰ عَنِ طَعَامِ الْمُتَبَايِنِينَ كَذَا فِي الْمَشْكُوتِ و اگر محض برای اصال
 ثواب بارواح ایشان نخورند پس فقیر را باید خوردن لیکن در خوردن
 فقرا صاحبین ثواب زیاده تر خواهد شد و اگر بطریق ضیافت پزند
 پس اغنیا و فقرا هر دو برابر و او باشد چنانچه شیخ عبدالحق در جامع
 البرکات می نویسد و طعامیکه به نیت صدق بر فقرا ازاموت
 به پزند تا ثواب آن بایشان برسد جز فقیر را رو انبود چه صدق به
 فقرا می باشد و هدیه مر اغنیا را و آنچه به نیت ضیافت مسلمان طلبند
 کنند هر که باشد خواه غنی باشد خواه فقیر چنانچه در اعراض مشایخ در
 دیار ما متعارف است عام باشد مر فقرا و اغنیا را و لا بد آنچه فقرا و محتاجان
 بخورند مورت ثواب خواهد بود و آنچه غیر فقرا خورد نیز موجب ثواب
 نخواهد شد مگر آنچه طالم را بخوراند که بقولی که از ان طعام در بدن او
 حاصل گردد و ستم مردم کنند انتهی **سؤال پنجاه و دوم**
 مفهوم بدعت چه است **جواب** مفهوم بدعت نوشته اند
فِي الْجَمْعِ الْأَوَّلِيِّ وَالْإِنْدَاكِ وَالْيَدْعَةُ مَا الْجَدِثَ عَلَى خِلَافِ
الْحَيِّ الْمَلَائِقِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ غَلْمٍ أَوْ عَمَلٍ أَوْ حَالٍ يَبْغُو عَم

چنانچه آمده است در حدیث
 شیخ فرمودند که هر چه
 استسبی است
 در کتب معتبره است
 و اگر محض برای اصال
 ثواب بارواح ایشان
 نخورند پس فقیر را
 باید خوردن لیکن
 در خوردن فقرا
 صاحبین ثواب
 زیاده تر خواهد
 شد و اگر بطریق
 ضیافت پزند
 پس اغنیا و فقرا
 هر دو برابر و او
 باشد چنانچه شیخ
 عبدالحق در جامع
 البرکات می نویسد
 و طعامیکه به نیت
 صدق بر فقرا
 ازاموت به پزند
 تا ثواب آن
 بایشان برسد
 جز فقیر را رو
 انبود چه صدق
 به فقرا می
 باشد و هدیه
 مر اغنیا را
 و آنچه به نیت
 ضیافت
 مسلمان
 طلبند کنند
 هر که باشد
 خواه غنی
 باشد خواه
 فقیر چنانچه
 در اعراض
 مشایخ در
 دیار ما
 متعارف است
 عام باشد
 مر فقرا و
 اغنیا را و
 لا بد آنچه
 فقرا و
 محتاجان
 بخورند
 مورت
 ثواب
 خواهد
 بود و آنچه
 غیر فقرا
 خورد نیز
 موجب
 ثواب
 نخواهد
 شد مگر
 آنچه
 طالم
 را بخوراند
 که بقولی
 که از ان
 طعام در
 بدن او
 حاصل
 گردد و
 ستم
 مردم
 کنند
 انتهی
سؤال پنجاه و دوم
 مفهوم
 بدعت
 چه است
جواب
 مفهوم
 بدعت
 نوشته
 اند
فِي الْجَمْعِ الْأَوَّلِيِّ وَالْإِنْدَاكِ وَالْيَدْعَةُ مَا الْجَدِثَ عَلَى خِلَافِ
الْحَيِّ الْمَلَائِقِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ غَلْمٍ أَوْ عَمَلٍ أَوْ حَالٍ يَبْغُو عَم

شَهْرَةَ وَالسَّحَابَانَ وَيُجْعَلُ دِيْنًا قَرِيْبًا وَصِرَاطًا مُسْتَقِيْمًا وَفِي
فَتْحِ الْمِيْنِ شَرْحِ الْاَرْبَعِيْنَ التَّوْرِيَةِ لِلشَّيْخِ اِبْنِ جَمْرٍ الْمَلِكِيِّ *
الْبِدْعَةُ كَيْفَ مَا كَانَ مُخْتَرًا عَلٰى غَيْرِ مِثَالِ سَابِقٍ وَمِنْهُ بَدْعُ
السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اَيُّ مُوْجِدُهُمَا عَلٰى غَيْرِ مِثَالِ سَابِقٍ
وَسَرَّعًا مَا اُحْدِثَ عَلٰى خِلَافِ اَمْرِ الْمَشَارِعِ وَدَلِيْلُهُ الْخَاصُّ
وَالْعَامَّةُ اِنْتَهَى وَفِي شَرْحِ الْمَشْكُوْةِ لِلتَّائِيْدِيِّ نَاقِلًا عَنِ التَّوْرِيِّ
الْبِدْعَةُ فِي الشَّرْعِ اِحْدَاثُ مَا لَمْ يَكُنْ فِي عَهْدِ رَسُوْلِ اللّٰهِ
وَهَكَكَ اَنِّي حَاشِيَةَ السَّيِّدِ عَلٰى الْمَشْكُوْةِ اِنْتَهَى وَفِي شَرْحِ
لِلْبَغْوِيِّ الْبِدْعَةُ مَا اُحْدِثَ عَلٰى غَيْرِ قِيَاسِ اَصْلٍ مِنْ اَصْوْلِ
الدِّيْنِ اِنْتَهَى **سؤال پنجاه و سیوم** اقسام بدعت چند است
جواب کسانیکه مفهوم بدعت را بیان کرده اند که اُحْدِثَ عَلٰی
خِلَافِ الْحَزْمِ الْمُتَّفَقِ عَنِ رَسُوْلِ اللّٰهِ اِلَى الْخُرُوجِ بِسُزُوْا
حَاقِبَتِمْ نَبِيتِ بَرِدْعَتِ كَمْ مَبِتِ ضَلَالَتِمْ و کسانیکه تعريف
بدعت نموده اند بَاِحْدَاثِ مَا لَمْ يَكُنْ عَلٰی عَهْدِ رَسُوْلِ اللّٰهِ
صَلٰى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسُزُوْا اِثْنَانِ اقسام بدعت است
کمی بدعت بدی و دیگر بدعت ضلالت كما قَالَ الْجَزَيْرِيُّ فِي النَّهْيَةِ اَللّٰهُ
بِدْعَتَانِ يَدْعَاكُمُ هُدًى وَ يَدْعَاكُمُ ضَلَالَةً فَمَا كَانَ فِي

سوال پنجاه و سیوم اقسام بدعت چند است جواب کسانیکه مفهوم بدعت را بیان کرده اند که اُحْدِثَ عَلٰی خِلَافِ الْحَزْمِ الْمُتَّفَقِ عَنِ رَسُوْلِ اللّٰهِ اِلَى الْخُرُوجِ بِسُزُوْا حَاقِبَتِمْ نَبِيتِ بَرِدْعَتِ كَمْ مَبِتِ ضَلَالَتِمْ و کسانیکه تعريف بدعت نموده اند بَاِحْدَاثِ مَا لَمْ يَكُنْ عَلٰی عَهْدِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلٰى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسُزُوْا اِثْنَانِ اقسام بدعت است کمی بدعت بدی و دیگر بدعت ضلالت كما قَالَ الْجَزَيْرِيُّ فِي النَّهْيَةِ اَللّٰهُ بِدْعَتَانِ يَدْعَاكُمُ هُدًى وَ يَدْعَاكُمُ ضَلَالَةً فَمَا كَانَ فِي

ع ۵

بأن نقول ان كل ما ورد في قوله
فمن فعل الله به ورسوله فهو في حيز الذم
ولا خلاف ما أمر الله به ورسوله فهو في حيز الحمد
وكانت عموم ما نذر الله اليبس وخصر
عليه أو رسوله فهو في حيز المدح انتهى وبعض
چنین تقرر کرده اند که معنی بدعت و دوست یکی معنی لغوی دوم معنی اخضر معنی اعم
هو المحدث مطلقا عادة أو عبادة هو منقسم باقسامها
والمعنى الاخضر غير منقسم هو معنی شرعی هو الزيادة
في الدين أو النقصان منه كما اذا كان بعد الصحابة بغير
اذن من الشارع لا قولا ولا فعلا ولا صرحا ولا استلزاما
فلا يتناول العادات اصلا بل على بعض الاعتقادات و
بعض صور العبادات، فهذا مرادوه عليه السلام يدلل
قوله عليه السلام عليكم سنتي وسنة خلفاء الراشدين
المهديين بعدني سوال پنجاه و چهارم
بدعت حسنه در شرع جائز است یا گناه که ام گناه جواب نزرکسا نیکه بدعت
منقسم بدعت نه جائز است و نزرکسا نیکه بدعت منقسم بدعت پس از ایشان حجت
سوال نیست سوال پنجاه و پنجم ادنی بدعت یمه جهت
اعلی جهت جواب ادنی بدعت مکروه است و اعلی بدعت کفر است
سوال پنجاه و ششم مکتب عبیه کافر شی و ایمانه جواب

خلاف ما أمر الله به ورسوله فهو في حيز الذم و الاحكام
وما كان واقعا تحت عموم ما نذر الله اليبس وخصر
عليه أو رسوله فهو في حيز المدح انتهى وبعض
چنین تقرر کرده اند که معنی بدعت و دوست یکی معنی لغوی دوم معنی اخضر معنی اعم
هو المحدث مطلقا عادة أو عبادة هو منقسم باقسامها
والمعنى الاخضر غير منقسم هو معنی شرعی هو الزيادة
في الدين أو النقصان منه كما اذا كان بعد الصحابة بغير
اذن من الشارع لا قولا ولا فعلا ولا صرحا ولا استلزاما
فلا يتناول العادات اصلا بل على بعض الاعتقادات و
بعض صور العبادات، فهذا مرادوه عليه السلام يدلل
قوله عليه السلام عليكم سنتي وسنة خلفاء الراشدين
المهديين بعدني سوال پنجاه و چهارم
بدعت حسنه در شرع جائز است یا گناه که ام گناه جواب نزرکسا نیکه بدعت
منقسم بدعت نه جائز است و نزرکسا نیکه بدعت منقسم بدعت پس از ایشان حجت
سوال نیست سوال پنجاه و پنجم ادنی بدعت یمه جهت
اعلی جهت جواب ادنی بدعت مکروه است و اعلی بدعت کفر است
سوال پنجاه و ششم مکتب عبیه کافر شی و ایمانه جواب

بأن نقول ان كل ما ورد في قوله
فمن فعل الله به ورسوله فهو في حيز الذم
ولا خلاف ما أمر الله به ورسوله فهو في حيز الحمد
وكانت عموم ما نذر الله اليبس وخصر
عليه أو رسوله فهو في حيز المدح انتهى وبعض
چنین تقرر کرده اند که معنی بدعت و دوست یکی معنی لغوی دوم معنی اخضر معنی اعم
هو المحدث مطلقا عادة أو عبادة هو منقسم باقسامها
والمعنى الاخضر غير منقسم هو معنی شرعی هو الزيادة
في الدين أو النقصان منه كما اذا كان بعد الصحابة بغير
اذن من الشارع لا قولا ولا فعلا ولا صرحا ولا استلزاما
فلا يتناول العادات اصلا بل على بعض الاعتقادات و
بعض صور العبادات، فهذا مرادوه عليه السلام يدلل
قوله عليه السلام عليكم سنتي وسنة خلفاء الراشدين
المهديين بعدني سوال پنجاه و چهارم
بدعت حسنه در شرع جائز است یا گناه که ام گناه جواب نزرکسا نیکه بدعت
منقسم بدعت نه جائز است و نزرکسا نیکه بدعت منقسم بدعت پس از ایشان حجت
سوال نیست سوال پنجاه و پنجم ادنی بدعت یمه جهت
اعلی جهت جواب ادنی بدعت مکروه است و اعلی بدعت کفر است
سوال پنجاه و ششم مکتب عبیه کافر شی و ایمانه جواب

فترك سببه اكر بدعت بحد كفر رسیده چنانكه در ان اكار ضروریات
 دین باشد پس ترك آن كافرست و اگر بحد كفر رسیده پس ترك آن كافرست
 فی العالم الذریة یجوز الصلوة خلف صلح هوی و بدعة
 و لا یجوز خلف الرافضی و الجهمی و القدری و المشبهیة
 و من یقول بخلق القرآن و حاصله ان كان هو لا
 یكفر به صالح یجوز الصلوة خلفه مع الكراهة
 و الا فلا انتهى و فی بحر الرایق و اطلق المینص فی المبتدع
 فتشمل كل مبتدع هو من اهل قبلتنا و قید فی الحیط
 و الخلاصة و الجمی و غیرها یا ان لا یكون بدعة
 مكفرة فان كانت مكفرة فالصلوة خلفه لا یجوز و
 عبارة الخلاصة هكذا و فی الصلوة الاقدا باهل
 الأهواء الا الجهمیة و القدریة و الرافضیة و المشبهیة و جعلته
 یقول بخلق القرآن و الخطیبة و المشبهیة و جعلته
 ان من كان من اهل قبلتنا لم یعمل فی هوا حتی
 یحکم بکفره یجوز الصلوة خلفه و تکرر انتهى
سوال پنجاه و هفتم احادیثیکه در ان وعید بر ترك سببه
 واردست که نماز فرض و نفل مقبول نیست آن کدام بدعت

احادیثیکه در ان وعید بر ترك سببه

و من یقول بخلق القرآن و حاصله ان كان هو لا یكفر به صالح یجوز الصلوة خلفه مع الكراهة و الا فلا انتهى و فی بحر الرایق و اطلق المینص فی المبتدع فتشمل كل مبتدع هو من اهل قبلتنا و قید فی الحیط و الخلاصة و الجمی و غیرها یا ان لا یكون بدعة مكفرة فان كانت مكفرة فالصلوة خلفه لا یجوز و عبارة الخلاصة هكذا و فی الصلوة الاقدا باهل الأهواء الا الجهمیة و القدریة و الرافضیة و المشبهیة و جعلته یقول بخلق القرآن و الخطیبة و المشبهیة و جعلته ان من كان من اهل قبلتنا لم یعمل فی هوا حتی یحکم بکفره یجوز الصلوة خلفه و تکرر انتهى

سینه است جواب آن بدعت سینه است که بحد کفر رسیده باشد
 زیرا که نزد اهل سنت حیط اعمال با کل سوی کفر و ارتداد نمیشود
 چنانچه در کتب کلام مذکور است و در بعضی آیات که حیط اعمال از بعضی
 افعال مرئی شده مراد از آن نقصان ثواب است نزد اهل سنت سوا
 پنجاه و هشتم مکتب بدعت سینه مذکور نماز فرض خوله خوردن و عاوه
 کند یا نه جواب بعد توبه عاده کند اگر چه بدعت بحد کفر رسیده باشد
 زیرا که عاده نماز حالت کفر لازم نمی آید و اگر بدعت بحد کفر رسیده است
 پیش از او در تش و قضای و لازم نیست سوال پنجاه و نهم
 بدعت نه محمد و وقت بوقت من الاوقای یا غیر محمد و الی یوم
 الیقین جواب غیر محمد و وقت عنده القابل بتقسیمها ^{نزدیک قابل بتقسیم او} ^{به حدیث} ^{بوقت از اوقات}
 من سنه سنه الی آخره سوال شصتم ^{من سنه تا آخر آن} بدعت سینه
 محمد و است یا غیر محمد و جواب غیر محمد و بدعت سینه من
 سنه الی آخره سوال شصت و یکم مذاهب
 اربعه بدعت نه اندیاسیه که ام سینه جواب اتباع مسایل مذاهب
 اربعه نیست نه سینه حسنه بلکه اتباع آنها سنت است زیرا که اختلاف در
 مذاهب اربعه یا اختلاف صحابه است و در مقدار اختلاف صحابه حدیث ^{احکام}
 كاللجوه یا آنچه اقتدایتیم ^{محمد} اقتدایتیم و اردست یا اختلاف مذاهب

اختلاف قیاس است و حجت قیاس مخصوص ثابت است پس اتباع نص است
 و نیز اختلاف دین نه ایه بجه اختلاف ظاهر حدیث و استنباط حدیث است بعضی
 بظاهر حدیث تمسک می کنند و بعضی عمل باستنباط حدیث چنانچه حدیث
 در صحیح بخاری و مسلم و غیره مذکور است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم وقتیکه مردمان
 بسوی نبی قرظیه فرستادند که لا یصلان احدک صلوٰۃ العصر الا فی بنی
 قریظہ بعضی مردمان در طریق نماز عصر خواندند بنابر آنکه آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم را منظور بود که در رفتن تاخیر نکنند نه آنکه نماز را فوت از
 وقت کنند و بعضی بموجب ظاهر لفظ حدیث در طریق خواندند تا اینکه در
 بنی قرظیه رسیدند و وقتیکه آنحضرت صلی الله علیه و سلم شنیدند بران انکار فرمودند
 پس عمل مرد و طور جائز شد همین طور است اختلاف مذاهب اربعه پس
 چگونه بدعت خواهد بود سوال شصت و دویم مقلد ایشان
 بدعتی گویند یا نه جواب هرگز مقلد ایشان را بدعتی نخوانند گفت زیرا که تقلید
 ایشان تقلید حدیث شریف است باعتبار الظاهر او الباطن پس تتبع حدیث
 را بدعتی گفتن ضلال و موهبگیست سوال شصت و سوم
 بر تقدیر بدعتی گفتن نماز و نقل ایشان مقبول شد یا نه جواب بر تقدیر
 بدعتی گفتن زائل شد پس آنچه بران مرتب بوده ان هم مثل ما به منثور
 گردید سوال شصت و چهارم بر تقدیر عدم مقبول نماز

لا
 بنام آن
 مقلات فانه
 است یعنی
 آوردن و
 است بدان
 و معانی آن
 یا توفیق
 بابت
 گفت تباری
 درین
 که بر
 که در
 پس است
 از ذکر
 نام
 تصور
 مشکوه
 قاری ۱۲

یا سیه جواب تعریفات علما مثل فرض و غیره ماخوذ از کتاب سنت
 است مثلاً تعریف وزه از کلام آمد و حدیث استنباط فرموده اند معنی صوما
 و رفته مطلق اساک است و در شرح اساک ^{للمساک} عَنِ الْمُفْطَلَاتِ الثَّلَاثَةِ
 مِنَ الصَّبْحِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ مَعَ التَّيْبَةِ است و همچنین اشاره
 بتعریفات الفاظ مصطلحه در شرح حضرت صلی الله علیه و سلم فرموده
 چنانچه معنی اسلام و ایمان و احسان همین فرموده اند و از تتبع احادیث
 معلوم می شود که معنی اصطلاحات شرعیه صریحاً آن گویاست و بعضی اشاره
 غرض که تعریفات مصطلحه فقه بدعتیست که ماخوذ از کتاب سنت است پس
 چیزیکه مجتهدین و علماء سابقین استنباط فرموده باشند او را بدعت نمی گویان
 گفت معنی تعریفات مثل فرض و غیره و مثل خبر متواتره و غیره اجماع منعقد
 گشته که در زمان سلف و حلف کسی انکار کرده پس او را بدعت نباید شمرد
سوال هفتاد و چهارم ذکر خفی در شرع جایز است یا
 نه گناه کدام گناه **جواب** ذکر خفی یعنی الله تعالی را بختیجه ذکر کردن
 جایز است و افضل عبادت است در شرع چه فضایل و ذکر خدا تعالی در
 احادیث بسیار است خصوصاً فضایل ذکر خفی قَالَ الْقَارِي فِي سُنَنِ جِه لِلسُّكُونِ
 الذِّكْرُ الْخَفِيُّ خَيْرٌ مِنَ الذِّكْرِ الْجَلِيِّ انتهى **سوال هفتاد و پنجم**
 ذکر چه در شرع جایز است یا گناه کدام گناه **جواب** ذکر چه در

من باب حنفية بدعت مكر جابيه در ان ذكر جهارده مثل اذان وغيره وان
 بدعت وما سواي ان بدعت قال في فتح القدير والاصل
 في الاذكار الاخفاء والجهنمها بدعة انتهى جابيه بدعت را
 مطلقا لانه بدعت يه مراد مني باشد جابيه از عبارات كتب فقهيه معلوم
 مني شور وفي غايه البيان شرح الهداية في تعلييل مذنب
 الى حنيفه لان الجهنم بالثكبير بدعة لقوله تعالى ادعوا
 ربكم تضرعا وخفية انتهى قال في الكفاية شرح
 الهداية ان الجهنم بالثكبير بدعة وفي الجرات
 الجهنم بالثكبير بدعة في كل وقت الا في المواضع
 المستثنات وصرح قاضيان في فتاواه بكرهه الله
 جهنم وتبعه على ذلك صاحب المصنف وفي فتاوى
 العلامة وممنع الصوفية من رفع الصوت والضيق
 وصرح في بحر تارة المعنى في شرح الخفة وممنع على من
 يفعلها مندوبا انه من الضوفية وفي البرهان شرح مؤ
 الرخمين رفع الصوت بالذكير بدعة لمخالفة قول
 تعالى واذا ذكر ربك في نفسك تضرعا وخفية
 ودون الجهنم من القول وقوله صلى الله عليه وسلم

اذكار
 حنفية
 بدعت
 مكر
 جابيه
 در
 ان
 ذكر
 جهارده
 مثل
 اذان
 وغيره
 وان
 بدعت
 وما
 سواي
 ان
 بدعت
 قال
 في
 فتح
 القدير
 والاصل
 في
 الاذكار
 الاخفاء
 والجهنمها
 بدعة
 انتهى
 جابيه
 بدعت
 را
 مطلقا
 لانه
 بدعت
 يه
 مراد
 مني
 باشد
 جابيه
 از
 عبارات
 كتب
 فقهيه
 معلوم
 مني
 شور
 وفي
 غايه
 البيان
 شرح
 الهداية
 في
 تعلييل
 مذنب
 الى
 حنيفه
 لان
 الجهنم
 بالثكبير
 بدعة
 لقوله
 تعالى
 ادعوا
 ربكم
 تضرعا
 وخفية
 انتهى
 قال
 في
 الكفاية
 شرح
 الهداية
 ان
 الجهنم
 بالثكبير
 بدعة
 وفي
 الجرات
 الجهنم
 بالثكبير
 بدعة
 في
 كل
 وقت
 الا
 في
 المواضع
 المستثنات
 وصرح
 قاضيان
 في
 فتاواه
 بكرهه
 الله
 جهنم
 وتبعه
 على
 ذلك
 صاحب
 المصنف
 وفي
 فتاوى
 العلامة
 وممنع
 الصوفية
 من
 رفع
 الصوت
 والضيق
 وصرح
 في
 بحر
 تارة
 المعنى
 في
 شرح
 الخفة
 وممنع
 على
 من
 يفعلها
 مندوبا
 انه
 من
 الضوفية
 وفي
 البرهان
 شرح
 مؤ
 الرخمين
 رفع
 الصوت
 بالذكير
 بدعة
 لمخالفة
 قول
 تعالى
 واذا
 ذكر
 ربك
 في
 نفسك
 تضرعا
 وخفية
 ودون
 الجهنم
 من
 القول
 وقوله
 صلى
 الله
 عليه
 وسلم

حِينَ الذِّكْرِ الْخَفِيُّ يَقْتَصِرُ فِيهِ عَلَى مَوْرِدِ الشَّرْعِ وَقَدْ قُرِدَ فِي الْأَخْيِ كَذَا فِي رِسَالَةِ مُحَمَّدٍ عَابِدِ الْأَسَدِيِّ الْأَضَارِ

و آنچه در بعضی احادیث ذکر چه ثابت شده بغیر مواضع مقرر پس بنا بر تعلیم است
چنانچه در شرح مشکوٰۃ ملا علی قاری تصریح کرده است من شاع فلنظر

سؤال هفتاد و ششم

مراقبه در شرح چه حکم دارد و جایز است
که ام گناه جواب مراقبه که عبارت از تفکر نمودن در صفات مانند

علم و قدرت و رحمت و احاطه است جایز است سخن چنانچه در کتاب ترجمه

البالغه که از تصنیفات حضرت شاه ولی الله المحدث قدس سره

سر مرقوم است هكذا عبارتته التفکر فی صفات الله تعالى

كالعلم والقدرة والرحمة والاحاطة هو المعبر عن صفات

اهل السلول بالمراقبة والاصل فيه قوله صلى الله عليه

وسلم الاحسان ان تعبدا لله كما ان تربه فان لم تكن

ترب فانته يراك وقوله صلى الله عليه وسلم احفظ

الله بحجته بجاهك وصغره لمن اطاق ذلك ان

يقرء وهو معكم انما كنتم وقوله تعالى وما تكونون

في شان وما تملون منه من قران ولا تعملون من عمل

الا كنا عليكم شهود اذ يقضون فيه وما يعزب

لکه در این رساله
در ذکر صفات الهی
که در بعضی احادیث
ذکر چه ثابت شده
بغیر مواضع مقرر
پس بنا بر تعلیم
است چنانچه در شرح
مشکوٰۃ ملا علی قاری
تصریح کرده است
من شاع فلنظر
سؤال هفتاد و ششم
مراقبه در شرح
چه حکم دارد و جایز
است که ام گناه
جواب مراقبه که
عبارت از تفکر
نمودن در صفات
مانند علم و قدرت
و رحمت و احاطه
است سخن چنانچه
در کتاب ترجمه
البالغه که از
تصنیفات حضرت
شاه ولی الله
المحدث قدس سره
سر مرقوم است
هكذا عبارتته
التفکر فی صفات
الله تعالى
كالعلم والقدرة
والرحمة والاحاطة
هو المعبر عن
صفات اهل السلول
بالمراقبة والاصل
فيه قوله صلى الله
عليه وسلم الاحسان
ان تعبدا لله كما ان
تربه فان لم تكن
ترب فانته يراك
وقوله صلى الله عليه
وسلم احفظ الله
بحجته بجاهك
وصغره لمن اطاق
ذلك ان يقرء وهو
معكم انما كنتم
وقوله تعالى وما
تكونون في شان
وما تملون منه
من قران ولا
تعملون من عمل
الا كنا عليكم
شهود اذ يقضون
فيه وما يعزب

آن اینست که در این
رساله در ذکر صفات
الهی که در بعضی
احادیث ذکر چه
ثابت شده بغیر
مواضع مقرر پس
بنا بر تعلیم است
چنانچه در شرح
مشکوٰۃ ملا علی
قاری تصریح کرده
است من شاع
فلنظر سؤال
هفتاد و ششم
مراقبه در شرح
چه حکم دارد و
جایز است که ام
گناه جواب مراقبه
که عبارت از تفکر
نمودن در صفات
مانند علم و قدرت
و رحمت و احاطه
است سخن چنانچه
در کتاب ترجمه
البالغه که از
تصنیفات حضرت
شاه ولی الله
المحدث قدس سره
سر مرقوم است
هكذا عبارتته
التفکر فی صفات
الله تعالى
كالعلم والقدرة
والرحمة والاحاطة
هو المعبر عن
صفات اهل السلول
بالمراقبة والاصل
فيه قوله صلى الله
عليه وسلم الاحسان
ان تعبدا لله كما ان
تربه فان لم تكن
ترب فانته يراك
وقوله صلى الله عليه
وسلم احفظ الله
بحجته بجاهك
وصغره لمن اطاق
ذلك ان يقرء وهو
معكم انما كنتم
وقوله تعالى وما
تكونون في شان
وما تملون منه
من قران ولا
تعملون من عمل
الا كنا عليكم
شهود اذ يقضون
فيه وما يعزب

احاجت ثابت شده در کتب احادیث مذکور مرفوع است پس
 اذن دادن برای این امور مذکوره و معتقد سنت این شدن
 غیر جایز است و اعتقاد نمودن غیر سنت را سنت موجب
 بزه کاریست و الله اعلم **سوال هشتم و دوم**

مصلی که بران امام ایستاده نماز جنازه می کند چه حکم دارد
 جایز یا گناه کدام گناه **جواب** اگر مصلی بر ائمه تجتهد و تکفیر
 می بیند عیبها و کند یا اعتقاد نماید که بدون آن نماز جایز نمی شود یا می
 شود و لیکن بران ایستاده نماز کند اذن موجب یا دینی ثوابت یا سنت
 پیغمبر است صلی الله علیه و آله و سلم و ازان سبب تاخیر نماز نمودن جنازه که
 مأمور به تعجیل است باین جهت غیر جایز خواهد شد و اگر برای دفع نجاست
 مکان بساط انداخته نماز گذارند پس این جایز خواهد شد لیکن تمام به
 طیار کردن مصلی نباید ساخت زیرا که هر مباح که از کردن آن جهال اعتقاد
 سنت یا وجوب آن کنند آن مباح را کردن مکروه است **وَفِي الْعَالَمِ الْكَيْتِيَّةِ**
وَ اَمَّا اِذَا سَجَدَ بِغَيْرِ سَبَبٍ فَلَيْسَ بِغُرْبَةٍ وَ لَا مَكْرُوهٍ وَ مَا
يُفْعَلُ عَقِبَ الصَّلَاةِ مَكْرُوهٌ لَآ اَنَّ لِجَهَالٍ يَعْتَقِدُوْنَهَا
سُنَّةً وَ وَاجِبَةً وَ كُلُّ مُبْلَغٍ يُؤْتَى اِلَيْهِ فَمَكْرُوهٌ اِنْ تَرَى
 لهذا در کتب فقهیه در کتاب اینجنانیز ذکر کرده اند **سوال هشتم**

۹۹
 در کتب احادیث مذکور
 مرفوع است پس اذن
 دادن برای این امور
 مذکوره و معتقد
 سنت این شدن غیر
 جایز است و اعتقاد
 نمودن غیر سنت را
 سنت موجب بزه
 کاریست و الله اعلم
 سوال هشتم و دوم
 مصلی که بران امام
 ایستاده نماز جنازه
 می کند چه حکم دارد
 جایز یا گناه کدام
 گناه جواب اگر مصلی
 بر ائمه تجتهد و تکفیر
 می بیند عیبها و کند
 یا اعتقاد نماید که
 بدون آن نماز جایز
 نمی شود یا می شود
 و لیکن بران ایستاده
 نماز کند اذن موجب
 یا دینی ثوابت یا سنت
 پیغمبر است صلی الله
 علیه و آله و سلم و ازان
 سبب تاخیر نماز نمودن
 جنازه که مأمور به
 تعجیل است باین جهت
 غیر جایز خواهد شد
 و اگر برای دفع نجاست
 مکان بساط انداخته
 نماز گذارند پس این
 جایز خواهد شد لیکن
 تمام به طیار کردن
 مصلی نباید ساخت
 زیرا که هر مباح که
 از کردن آن جهال
 اعتقاد سنت یا
 وجوب آن کنند آن
 مباح را کردن
 مکروه است و فِي
 الْعَالَمِ الْكَيْتِيَّةِ
 و اَمَّا اِذَا سَجَدَ
 بِغَيْرِ سَبَبٍ فَلَيْسَ
 بِغُرْبَةٍ وَ لَا
 مَكْرُوهٍ وَ مَا
 يُفْعَلُ عَقِبَ
 الصَّلَاةِ مَكْرُوهٌ
 لَآ اَنَّ لِجَهَالٍ
 يَعْتَقِدُوْنَهَا
 سُنَّةً وَ وَاجِبَةً
 وَ كُلُّ مُبْلَغٍ
 يُؤْتَى اِلَيْهِ
 فَمَكْرُوهٌ اِنْ
 تَرَى

سوم حافظانرا که بر قرائت نذیبه حکم دارد و جائز یا کناه کدام کناه ^{جواب}
 حافظانرا بر پای قرائت قرآن نشاندن نزد قبر درین مسئله علمار اختلاف
 است مختار همین است که جائز است بشرطیکه با و از بلند جسم فرود نماند
فِي الدِّيْرِ الْحَنَارِ وَلَا يَكْرَهُ لِجُلُوسِ الْقَارِئِينَ عِنْدَ الْقَبْرِ هُوَ
الْحَنَارُ **أَيْ فِي نَصَابِ الْأَحْسَابِ أَنْ تَخْتَمَرَ الْقُرْآنُ**
تَجْمَرًا بِالْحَجْمَةِ **وَلَيْسَ بِإِلْقَائِهِ بِالْقَارِئِ سَيِّئًا نَسِيْبًا** **أَوْ خَوَانًا**
مَكْرُوهًا **أَنْتَهَى** **وَفِي خَرَانَةِ الرَّوَايَاتِ** **وَفِي الشَّاهَانِ أُجْرَةٌ**
الْقُرْآنِ **مِثْلُ أَنْ لَيْسَ تَجْرَحُ جَلًّا لِيَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَى رَأْسِ الْقَبْرِ**
فَقِيلَ هَذِهِ الْقِرَاءَةُ لَا تَسْتَحْرِبُ بِهَا التَّوَابُ لَا مَيْتٌ وَلَا قَارِئٌ
أَيْ فِي سَوَالِ هَشْتَادِ وَجِهَارِ رَوِي سُوْمُ
 که حافظانرا صاحب خانه و دهکد یا کم زیاده میدید با طعام خوراند
عوض قرائت جائز یا کناه کدام کناه ^{سوال هشتاد}
و بیچم مقرر کردن حافظنی بر روی سر ختم قرآن یا چهار چه حکم دارد
 جائز یا کناه کدام کناه **جواب** هر دو سوال این است که اصل قاعده
 فقهاست که اجرت دادن و گرفتن بر طاعت جائز نیست در صورت
 مقرر کردن حافظنی بر روی سر ختم قرآن صریح اجرت مقرر کردن است و در صورت
 عدم مقرر کردن و او را بعوض اقامت دادن شبیهه اجرت است و از حدیث
 شریف

در قرائت نذیبه حکم دارد و جائز یا کناه
 حافظانرا بر پای قرائت قرآن نشاندن
 مسئله علمار اختلاف است مختار همین است
 که جائز است بشرطیکه با و از بلند جسم
 فرود نماند فی الدیور الحنار و لایکره لیجلوس
 القارئین عند القبر هو الحنار ائی فی نصاب
 الاحساب ان تخرم القران تجمرًا بالحجمه
 و لیس بالقارئ سئیًا نسیبًا او خوانا مکروهه
 انتهی و فی خرانه الروایات و فی الشاهان
 اجره القران مثل ان لیس تجرح جلا لیکرأ
 القران علی رأس القبر فقیل هذه القراءه
 لا تستحرب بها التواب لا میت و لاقارئ
 ائی فی سوال هشاد و چهار روی سوم
 که حافظانرا صاحب خانه و دهکد یا کم
 زیاده میدید با طعام خوراند عوض قرائت
 جائز یا کناه کدام کناه سوال هشتاد
 و بیچم مقرر کردن حافظنی بر روی سر
 ختم قرآن یا چهار چه حکم دارد جائز یا
 کناه کدام کناه جواب هر دو سوال این است
 که اصل قاعده فقهاست که اجرت دادن و
 گرفتن بر طاعت جائز نیست در صورت
 مقرر کردن حافظنی بر روی سر ختم قرآن
 صریح اجرت مقرر کردن است و در صورت
 عدم مقرر کردن و او را بعوض اقامت
 دادن شبیهه اجرت است و از حدیث شریف

صیغ معلوم می شود که بقرات قران چیزی نگیرد و سحر و دعای عام است که مقرر
 کند یا کند فی شبح الوقاییه والاصل عندنا انه لا یجوز الا
 على الطاعات وعلى المعاصی انتهى وفي المشکوة عن
 بریدة رضی الله عنه قال قال رسول الله صلے
 الله علیه وسلم من قرأ القرآن یتأکل به الناس جاء
 نعيم القيمة ووجهه عظیم لیس علیه الحکم رواه البیهقي و
 وعید که در حدیث شریف است معلوم می شود که اجرت گرفتن برقران و
 خوردن عوض آن گناه بکیره است و الله اعلم سوال هشتاد
 و ششم تصور نمودن صورت شیخ در وقت ذکر چه حکم دارد و جایز
 یا گناه کدام گناه جواب تصور نمودن صورت شیخ با این وضع
 که بسبب اطلاق و وسعت او را اطماع می شود و صورت او را بر رخ سازد و
 این نپارد که ارواح مشایخ در انوقت حاضر می شوند و میزند که درست
 نیست بلکه کفر است كما قال الشيخ فخر الدين ابو سعيد عماد
 ابن سلیمان الجياني المحمدي في رسالة ناقلة عن
 التبرازية و عنهما من كتب الفتاوى من قال
 ازواح المشايخ حاضره تقام بغير انتهى و در تفصیلت مولانا
 امشاه عبد الغزیز صاحب قدس مدسه در مقام تفسیر انواع شرک و غیره

فقیهان مشایخ
 صلوات الله علیهم
 عظیم الله علیهم
 کتب و تصانیف
 مفید
 این کتاب
 در حدیث
 شریف
 است
 معلوم
 می
 شود
 که
 اجرت
 گرفتن
 برقران
 و
 خوردن
 عوض
 آن
 گناه
 بکیره
 است
 و
 الله
 اعلم
 سوال
 هشتاد
 و
 ششم
 تصور
 نمودن
 صورت
 شیخ
 با
 این
 وضع
 که
 بسبب
 اطلاق
 و
 وسعت
 او
 را
 اطماع
 می
 شود
 و
 صورت
 او
 را
 بر
 رخ
 سازد
 و
 این
 نپارد
 که
 ارواح
 مشایخ
 در
 انوقت
 حاضر
 می
 شوند
 و
 میزند
 که
 درست
 نیست
 بلکه
 کفر
 است
 كما
 قال
 الشيخ
 فخر
 الدين
 ابو
 سعيد
 عماد
 ابن
 سلیمان
 الجياني
 المحمدي
 في
 رسالة
 ناقلة
 عن
 التبرازية
 و
 عنهما
 من
 كتب
 الفتاوى
 من
 قال
 ازواح
 المشايخ
 حاضره
 تقام
 بغير
 انتهى
 و
 در
 تفصیلت
 مولانا
 امشاه
 عبد
 الغزیز
 صاحب
 قدس
 مدسه
 در
 مقام
 تفسیر
 انواع
 شرک
 و
 غیره

باید داشت که بیان
 ممکن بخوام از طرف شیخ
 علی بن ابی حمزه
 از اصحاب او
 تا بیان نماید که در این
 دو جوهر یکسانی نیست با
 زیاده از حدیث بیست و دو
 یا شصت و بیست و دو
 بیستم و بیست و دو
 آن که در آن است که در آن
 بزرگ است که در آن
 چنانکه در کتب نقل یافته

مشرکین نوشته اند نیز حال برزخ ساختن معلوم شود و عبارت التفسیر
 هکذا چهارم بر پرستان گویند چون مرد بزرگی که بسبب کمال باخبت
 و مجاهده مستجاب الدعوات و مقبول شفاعت عند الله شده بود
 ازین جهان می گذرد روح او را قوت عظیم و وسعتی بس فخیم بهم رسد
 برکه صورت او را برزخ سازد یا در مکان نشست بر خاست او و
 یا برگردد او سجود و تدلل تمام نماید روح او بسبب وسعت و اطلاق بران
 مطلع شود و در دنیا و آخرت در حق او شفاعت نماید انتهی و اگر تصویب
 صورت شیخ بطور رابطه باشد پس معمول بعضی مشایخ است
والله اعلم بحقیقة الحال سوال هشتماد و هفتم
 جواب نامه که بر کفن میت می نویسند چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه
جواب از فوائد الفوائد معلوم می شود که نباید نوشت عینا
هکذا یعنی سخن در دعاء اموات افتاده بنده عرض شد
 کرد که این که بر تریبت باقران و دعای می نویسند چگونه است
 فرمود که منی باید نوشت و بر جامه کفن نیز نوشتهمی و آنرا
 کتاب در مختار جواز معلوم می شود چنانچه در جواب سوال آئینه
مرفوم خواشد سوال هشتماد و هشتم
 بسم الله نوشتن بر جبهه میت چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه **جواب**

در حدیث آمده است که در آن روز که
 رسول خدا را دفن کردند او را
 در کفنی که بر او می نوشتند
 می نوشتند که ای رسول خدا
 در روز قیامت ما را از این
 دنیا بگردان
 در حدیث آمده است که در آن روز که
 رسول خدا را دفن کردند او را
 در کفنی که بر او می نوشتند
 می نوشتند که ای رسول خدا
 در روز قیامت ما را از این
 دنیا بگردان

از کتاب در مختار مجاز معلوم می شود کتبت علی جهته المیت او عمامة
 او کفینه عهدنا ما به یرجی ان یعفر الله للمیت انتهى
 و ازین عبارت در مختار معلوم می شود که روایتی در باب نوشتن بر جبهه
 میت از فقها یافته شده و در کتاب در هم الکیس فارسی مرقوم است و
 بنویسند بر پیشانی میت بعد از ادب المیت انتهى **سوال هشتم**
و هم الامم و مؤمن مقرر نمودن با جرت به حکم دارد جایز یا گناه که ام
گناه جواب موافق اصل قاعده در روایت فقهای متقدمین
 غیر جایز است و بعضی علماء متأخرین تجویز نموده بجز از ان فتوی
 داود و فی الهدایة قال لا یجوز الاستیجاره علی
 الاذان و الحج و لذلک الامامة و تعلیم القرآن
 و الفقه و الاصل ان کل طاعة یتخصرها
 المسلم لا یجوز الاستیجاره علیه عندنا و قال
 الشافعی رح یصح فی کل ما لا یتعین
 علی الامجد لانہ استیجاره علی عمل
 معلوم غیر متعین علیه فیجوز و لنا قوله
 علیه الصلوة و السلام افتراء و القرآن و
 لانا کما یاب و فی الحد ما عهد رسول اللہ صلی الله علیه و سلم

۲
 در مختار مجاز معلوم می شود کتبت علی جهته المیت او عمامة
 او کفینه عهدنا ما به یرجی ان یعفر الله للمیت انتهى
 و ازین عبارت در مختار معلوم می شود که روایتی در باب نوشتن بر جبهه
 میت از فقها یافته شده و در کتاب در هم الکیس فارسی مرقوم است و
 بنویسند بر پیشانی میت بعد از ادب المیت انتهى **سوال هشتم**
و هم الامم و مؤمن مقرر نمودن با جرت به حکم دارد جایز یا گناه که ام
گناه جواب موافق اصل قاعده در روایت فقهای متقدمین
 غیر جایز است و بعضی علماء متأخرین تجویز نموده بجز از ان فتوی
 داود و فی الهدایة قال لا یجوز الاستیجاره علی
 الاذان و الحج و لذلک الامامة و تعلیم القرآن
 و الفقه و الاصل ان کل طاعة یتخصرها
 المسلم لا یجوز الاستیجاره علیه عندنا و قال
 الشافعی رح یصح فی کل ما لا یتعین
 علی الامجد لانہ استیجاره علی عمل
 معلوم غیر متعین علیه فیجوز و لنا قوله
 علیه الصلوة و السلام افتراء و القرآن و
 لانا کما یاب و فی الحد ما عهد رسول اللہ صلی الله علیه و سلم
 ۱۰۳

اِلَى عُمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ التَّفَيْحِيِّ اِنْ لَحِزْتَ مُوَدَّةً فَلَا
 تَأْخُذْ عَلَى الْاَذَانِ اِحْرًا وَلَا اِنْ الْقَرْيَةَ مَتَى حَصَلَتْ وَفَعَلَتْ
 عَلَى الْعَامِلِ وَهَذَا يُعْتَبَرُ اَهْلِيَّتُهُ فَلَا يُجُوزُ لَهُ اَخَذُ
 الْاَجْرَ مِنْ غَيْرِهِ كَمَا فِي الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَلَا اِنْ التَّعْلِيمُ تَمَّا
 لَا يَقْدِرُ الْمَعْلَمُ عَلَيْهِ اِلَّا بِمَعْنَى مِنْ قَبْلِ التَّعْلِيمِ فَيَكُونُ
 مُلْتَمَسًا مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى تَسْلِيْمِهِ فَلَا يَصِحُّ وَتَعْضُضُ مَسَائِلُهَا
 رَحِمَهُمُ اللهُ اسْتَحْسَنُوا الْاِسْتِجَارَةَ عَلَى تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ الْيَوْمَ
 لِأَنَّهُ ظَهَرَ التَّوَالِي فِي الْأُمُورِ الدِّيْنِيَّةِ فِي الْأَمْتِنَاعِ
 تَضَيُّعِ حِفْظِ أَصْرَانِ وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى اِنْتَهَى وَفِي الْاِتْمَانِ
 حَاشِيَّةٍ الْهَدَايَةَ يَجِي لِذِمَّةِ ام وَالْمُوَدَّةِ وَالْمَعْلَمِ لَخْدِ الْاَجْرِ
 اِنْتَهَى **سؤال نودهم** تعين فاشحه بر شیرینی و غیره از طعام
 در شب جمعه و شب برات و شب عاشوره و شب فد و آمدن ارواح
 درین شب چاه حکم دارد جائز یا گناه کدام گناه **جواب**
 تعین فاشحه بر شیرینی و غیره از طعام درین شب از احادیث و روایات
 کتب معتبره ثابت شده و آمدن ارواح درین شب از روی احادیث
 صحیحه مرفوعه مفضل الی اسناد ثابت گشته و آمدن علم بالصواب اگر درین
 بشهره بدو اصرار و اعتقاد لزوم تصدق کند و یا ثواب بخوت رساند جائز است

نقلی که اگر در وقت کرده شریک در
 سبب علم کردن از روی اولی که
 قیادت و تفکر حاصل از این طریق
 خواننده بر عاقل امری بین بقدر
 کرده می تواند یافت اولی بین بقدر
 بجای او گرفتن از طرف اولی بین بقدر
 در عین حال که از طرف اولی بین بقدر
 از آن جهت که از طرف اولی بین بقدر
 از آن جهت که از طرف اولی بین بقدر
 از آن جهت که از طرف اولی بین بقدر
 از آن جهت که از طرف اولی بین بقدر

۱۰۶

در شب جمعه و شب برات و شب عاشوره و شب فد و آمدن ارواح
 درین شب چاه حکم دارد جائز یا گناه کدام گناه
 تعین فاشحه بر شیرینی و غیره از طعام درین شب از احادیث و روایات
 کتب معتبره ثابت شده و آمدن ارواح درین شب از روی احادیث
 صحیحه مرفوعه مفضل الی اسناد ثابت گشته و آمدن علم بالصواب اگر درین
 بشهره بدو اصرار و اعتقاد لزوم تصدق کند و یا ثواب بخوت رساند جائز است

مضمون این است

مکر اصرار و تاکید بر مندوب نمودن باین حیثیت که گاهی ترک کند پس بصب
 شیطانست چنانچه ملا علی قاری و طیبی و سید در شرح مشکوٰۃ تحت این حدیث
 لَا يَجْعَلُ لِلشَّيْطَانِ شَيْئًا مِنْ صَلَواتِهِ يَهْمِي أَنْ حَقًّا
 عَلَيْهِ أَنْ لَا يَصْرِفَ إِلَّا عَنْ عَيْنِهِ مِيلًا يَسْتَدِ فِيهِ أَنْ
 مَنْ أَصْرَعَ عَلَى أَمْرِ مُنْذُوبٍ وَجَعَلَهُ عَزْمًا وَلَمْ يَجْعَلْ
 بِالرَّحْصَةِ فَقَدْ أَصَابَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْأَضْلالِ
 فَكَيْفَ مَنْ أَصْرَعَ عَلَى بِدْعَةٍ وَمُنْكَرِ آيَتِي وَاللَّهِ أَعْلَمُ فَالِدَةٌ
 در بیان حقیقت کبیره و صغیره است اما تعریف کبیره این است که کبیره بزرگتر است
 و عید بران بانس یا عذاب سخت در قرآن شریف یا در حدیث صحیح
 که معروف نزدیک محدثان باشد یا مکتب انرا در حدیث کافر گفته باشد
 یا بر مکتب آن در شرع حدی مقرر کرده باشد یا مفده گناه برابر آیه
 از گناهان منصوصه باشد انرا کبیره گویند و گناه صغیره آنست هر
 چیزی که در شرع نبی از آن آمده باشد یا خلاف شروع شود یا طریقه
 ماموره که در زمین مرتفع شود گناهان فی قول الجحیل عبارتند
 هَكَذَا وَ الْحَقُّ أَنَّ الْكَبِيرَةَ كُلَّ ذَنْبٍ أَوْ عَدَّ عَلَيْهِ بِاللَّتَارِ وَ
 الْعَذَابِ الشَّدِيدِ فِي الْقُرْآنِ أَوْ السُّنَّةِ الصَّحِيحَةِ الْمَعْرُوفَةِ

در بیان حقیقت کبیره و صغیره است اما تعریف کبیره این است که کبیره بزرگتر است
 و عید بران بانس یا عذاب سخت در قرآن شریف یا در حدیث صحیح
 که معروف نزدیک محدثان باشد یا مکتب انرا در حدیث کافر گفته باشد
 یا بر مکتب آن در شرع حدی مقرر کرده باشد یا مفده گناه برابر آیه
 از گناهان منصوصه باشد انرا کبیره گویند و گناه صغیره آنست هر
 چیزی که در شرع نبی از آن آمده باشد یا خلاف شروع شود یا طریقه
 ماموره که در زمین مرتفع شود گناهان فی قول الجحیل عبارتند
 هَكَذَا وَ الْحَقُّ أَنَّ الْكَبِيرَةَ كُلَّ ذَنْبٍ أَوْ عَدَّ عَلَيْهِ بِاللَّتَارِ وَ
 الْعَذَابِ الشَّدِيدِ فِي الْقُرْآنِ أَوْ السُّنَّةِ الصَّحِيحَةِ الْمَعْرُوفَةِ

پس از لفظ خدا صفا و دع ما که معلوم شد که آنچه موافق شرع است
باشد آنرا اخذ نموده اتباع نماید و آنچه برخلاف شرع باشد آنرا ترک باید کرد

سوال دویم مردان و معتقدان بران و بزرگان دین زمانه خلاق طریقه ایشان

در عبادت او ریاضت نموده تبرکات ایشانرا مثل آب وضو مالیدن و جیره خر قدای

بتعظیم و تکریم بسیار بر سر و چشم نهادن و بوسه دادن همین معامله را چه

ارادت می نهند از پس دین صورت این قدر معامله در تمام حب کمال ارادت

کافیست **بجواب** این قدر کافی نیست بلکه اصل محبت و ارادت با بران

و بزرگان این است که اتباع اقوال و افعال ایشان که موافق سنت است

بپذیرند اصلی امد علیہ و آله وسلم باشد کرده باشد و بجز مالیدن آب وضو

ایشان و خر قدای ایشان را بر سر و چشم نهادن اتباع و محبت تمام نمی شود

چنانچه از حدیث که مذکور می شود معلوم می گردد **عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي قُرَيْبٍ**

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ يَوْمًا فَجَعَلَ أَضْبَاطَهُ يَمِينَهُ

بِوَضْوَيْهِ فَقَالَ لَهُمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَحْمِلُكُمْ عَلَى هَذَا

حَبْلِي وَرَسُولِي فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْبِلَهُ وَرَسُولَهُ أَوْ

يَحْبِيَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلْيَصِدِّقْ حَبْلِيهِ إِذَا أَحْدَثَ وَيَلْمُؤْ دَامَانَتَهُ

إِذَا أُمِنَ فَلْيَحْبِسْ حَبْلَهُ مَنْ جَاوَرَهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ كَذَا فِي الْمَشْكُوتِ

پس ازین حدیث معلوم شد که ادعای محبت خدا و رسول خدا تمام میشود مالیدن آب وضو

است از عبد الرحمن بن
ابن وادعته بنی صلی الله علیه و آله
و معنی فرمودند و در بعضی نسخ
اصحاح ایشان است این حدیث را
پس فرمودند برای اصحاب این حدیث
صلعم و غیره از این حدیث
الذات کبری فرمودند غیر از صلعم
و صل اولین فرمودند غیر از صلعم
بر کتفین آید و اگر محبت در او
و صل اولین که در حدیث کبری
و تفسیر سخن کند و با کمال ادب

فرمودند و تفسیر کرده اند و باید
که این حدیث را در کتب معتبره
نمکن است و این حدیث را در کتب معتبره
است ۱۱

جان بفرستد در کعبه مشکوبه در روز چهارشنبه عیدین یعنی در روز چهارشنبه در محل و در محل او را نام نمی شود با این که بعضی از این مضمون می شود تا مضمون ظاهر می شود در آنجا است

تمام محبت باین امور می شود که فرمودند پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم درین حدیث
 كَمَا قَالَ الرَّسُولُ فِي حَاشِيَةِ الْمَشْكُوبَةِ فِي تَحْتِ هَذَا الْحَدِيثِ
 لَعْنَةُ إِدْعَاءِكُمْ حُجَّاتِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لَا يَتَمُّ بِمَسِيرِ الْوَصْوَ عَلَّ
 هَذِهِ الْأُمُورِ أَيْ سَوَالِ سِيَوْمِ اجابته دعوت و
 ویا طعام جائیکه منکرات همچو فرامیر و معازف و دیگر کم و لب باشند
 است یانه و رفتن و شرک شدن درین محفل جائز است یانه و اگر این چنین
 منکرات و هو و لعب نزد فرزات اولیاء الله قدس الله سرهم باشند
 در اینجا حضور مومنین و علماء و مشایخ در انوقت جائز است یانی جواب
 اجابت دعوت و لیمه و غیران جائیکه منکرات باشند جائز نیست و همچنین
 رفتن و شرک شدن در آن محفل درست نیست تفصیلش این است اگر
 میدان پیش از حاضر شدن که در آن محفل مایه فرامیر و منکرات خواهد شد آیا
 دعوت لازم میشود و خواه مقتدا باشد خواه غیر مقتدا و اگر او را معلوم نبود که
 در اینجا منکرات می شود در آن بجان حاضر شد اگر این شخص مقتدا
 در اینجا نشیند و بیرون آید اگر قدرت بمنع کردن دارد بنشیند و منع کند و اگر غیر
 مقتدا است و منکر در آن مجلس است باید که بیرون آید و نه نشیند و اگر در آن بجان
 حاضر شد و منکر در دیگر طرف است و این در دیگر مکان است و غیر مقتدا
 است لیکن بیرون طلوع در آنجا اسرار است و فی الهدایة که مکرر

معلوم شد که هر محفلی و مجلسی در آن بدعات و منکرات الیه و غیره باشند
 در آن مجلس حاضر نباید شد حتی اجابت دعوت لازم نمیشود با وجودیکه تا کید
 احادیث دعوت و لیمه در حدیث شریف بسیار وارد شده پس وقتیکه بر
 قرارات اولیا رسیده قدس الله سراره هم و دیگر آن خصوص منکرات و ضرب
 آفات لهو مثل معازف و فرامیسه باشد آن وقت برای
 زیارت تسبیح نباید رفت زیرا که در رفتن آن وقت ادای
 مستحب می شود و ارتکاب منهیات لازم می آید از ارتکاب منهیات
 احتراز واجب چنانکه ادائی مستحب و ارتکاب منهیات جمع شود آن وقت
 مستحب ترک باید نمود و ادای مستحب هم غیر موقوف برین وقت نیست
 و اگر وقت هم ادای شود پس کسیکه در آن وقت درین مجلس شرکت
 خواهد شد در وعید این حدیث که صاحب بدایه نقل کرده داخل خواهد شد
 مَنْ كَانَتْ سَعَادَاقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ اَعْلَمُ
 بِالصَّوَابِ **سوال چهارم** مجالس شایخانی که در آن مجمع
 مردمان جوانان و غنیان می شوند نهو و لعب باشد یانی **سوال**
پنجم لهو و لعب حرام و واجب المنع است یانی **سوال**
ششم وقتیکه مردمان حرام و واجب المنع را لازم بر خود
 نمرده مهران باشند و از آن باز نیابند بلکه حجت و سند بر آن خود گرفت

این است که در وقت
 صحبت با کسی
 از آن جوانان
 است و از آن
 در این مجالس است
 عادت و غیره

عبارت سار
 این چنین است
 در تحقیق و توفیق
 سلطان قطب
 الدین در بیرون
 سلطان
 در شهر
 دینی جامع
 علمای آن
 زمان
 جهت نقل
 در وقت
 این سلسله
 این برود
 منع کردن
 ایشانرا
 در نقل
 کرده است
 بعد از آن
 محضر اینجا
 عبارت او

کیونکه با هم موافق عمل بر این خودی کنم پس این قول ایشان حجت
 باشد و از حرمت برآده معدوم باشد بانه **سوال هفتم** برگاه
 قول ایشان حجت نباشد و معدوم نشوند و شهرت در شهر با این مرتبه
 شده که عوام و اکثر خواص انرا بر خود لازم و مثل واجب دانند پس درین صورت
 بر قاضی و حاکم متبع شرع شریف هم مانع لازم باشد **سوال هشتم**
 برگاه جمیع مردمان شهر از او امر و نواهی سکوت نمایند و زجر و اکاه نمائند
 گناه می شود بانه **سوال نهم** شنیدن فراموشی و معارف را موجب
 تقرب بارگاه الهی و مستحسن شدن و منکر از اقیح و مستزن اکثر است بانه +
جواب این شش سوال در مختصر که در وقت سلطان قطب الدین
 بحضور حضرت سلطان المشایخ حضرت نظام الدین قدس سره در شهر
 باجماع علماء آن وقت واقع شده بود مرقوم و مسطور است حاجت جواب
 جدید نیست بعینه عبارت محضر از رساله مولوی عصمت الدین اعظم ساکن
 سهارنپور که از معتمدین علمای متاخرین است و تصانیف دیگر دارند نقل میشود
 عِبَارَةُ الرَّسَالَةِ هَكَذَا اَقْدَوْقَ مَحْضَرِي فِي عَهْدِ سُلْطَانِ
 قُطْبِ الدِّينِ بِحُضُورِ سُلْطَانِ الْمَشَايِخِ فِي بَلَدَةِ دِهْلِي
 بِاجْمَاعِ عُلَمَاءِ ذَلِكَ الْعَصْرِ عَلَى حُرْمَةِ السَّمْعِ وَالرَّقْصِ
 وَتَرْجِيهِ أَهْلِهِمَا وَمَنْعِهِمْ وَنَقْلِ ذَلِكَ الْمَحْضَرِ هُنَا بِعِبَارَتِهِ

مع بعض الالفاظ وقعت فيه بخریف الکاتبین وهو
هذا محض من چه نفر نمایند و درین ذکر کتابین معضلاً
 احکام پیر **حصل** الله امالهم و کتفی الخافین امثالهم
 در آنچه سماع دروفشان اهل روزگار که مستلست بر جمعیت پران و جوانان
 و قوالان باوده کش و کج کج و غیر آن این مجموعه لهو و لعب و عبث
 باشد یا نه **ح** علما بالاتفاق جواب دادند باشد باشد باشد و الله اعلم
من و ما قولهم چون لهو و لعب باشد واجب المنع و الزجر و حرام
 باشد یا نه **ح** بالاتفاق علما جواب دادند باشد باشد باشد و الله اعلم
من و ما قولهم چون حرام و واجب المنع و الزجر باشد جماعتی
 که از اسیرت و عادت خود سازند و بران اصرار نمایند و ممنوع نشوند و حجت
 کنند که در شهرهای معظم چنین می کنند و یا گویند که فلان و فلان مشایخ
 متقدم بودند کرده اند ما نیز می کنیم مجرد قول ایشان حجت شود و فعل
 از حرمت بیرون آید و ایشان معذور باشند یا نه **ح** علما جواب دادند
 و گفتند فی نفسه فی و الله اعلم **من** و ما قولهم چون مجرد قول
 ایشان حجت نشود و ایشان معذور نباشند و فعل از حرمت بیرون
 نیاید و فعل ایشان در شهرهای مسلمانان مشهور شود چنانچه صفار و کبار
 جمله شهرت بقول و فعل ایشان راضی شوند و عوام خلق آنرا اسیرت

مع بعض الالفاظ
 وقعت فيه بخریف
 الکاتبین وهو
 هذا محض من
 چه نفر نمایند
 و درین ذکر کتابین
 معضلاً
 احکام پیر
 حصل
 الله امالهم
 و کتفی الخافین
 امثالهم
 در آنچه سماع
 دروفشان اهل روزگار
 که مستلست بر جمعیت
 پران و جوانان
 و قوالان باوده کش
 و کج کج و غیر آن
 این مجموعه لهو و لعب
 و عبث
 باشد یا نه
 ح
 علما بالاتفاق
 جواب دادند
 باشد باشد باشد
 و الله اعلم
 من
 و ما قولهم
 چون لهو و لعب
 باشد واجب المنع
 و الزجر و حرام
 باشد یا نه
 ح
 بالاتفاق
 علما جواب
 دادند
 باشد باشد
 باشد و الله
 اعلم
 من
 و ما قولهم
 چون حرام و
 واجب المنع
 و الزجر باشد
 جماعتی
 که از اسیرت
 و عادت خود
 سازند و بران
 اصرار نمایند
 و ممنوع
 نشوند و حجت
 کنند که در
 شهرهای
 معظم چنین
 می کنند و یا
 گویند که
 فلان و فلان
 مشایخ
 متقدم
 بودند
 کرده اند
 ما نیز می
 کنیم
 مجرد قول
 ایشان حجت
 شود و فعل
 از حرمت
 بیرون آید
 و ایشان
 معذور
 باشند یا نه
 ح
 علما جواب
 دادند
 و گفتند
 فی نفسه
 فی و الله
 اعلم
 من
 و ما قولهم
 چون مجرد
 قول
 ایشان حجت
 نشود و
 ایشان
 معذور
 نباشند و
 فعل از
 حرمت
 بیرون
 نیاید و
 فعل
 ایشان
 در شهرهای
 مسلمانان
 مشهور
 شود
 چنانچه
 صفار و
 کبار
 جمله
 شهرت
 بقول و
 فعل
 ایشان
 راضی
 شوند و
 عوام
 خلق
 آنرا
 اسیرت

سیرت خود گیرند بعده خیر کردن و مرافقت کردن بر قاضی سلیمان
 و بر ارکان دولت و اعیان صد و لازم باشد و زجر این طائفه بر قاضی
 و بر والی لازم باشد یا **ح**ج علما جواب دادند باشد باشد باشد
اعلم **مس** و ما قولیم چون جمله اهل شهر امر معروف نکنند و منسوخ
 گذارند و بنی منکر بجای نیاورند و از منع ایشان باز استند آنم شوند یا نه
حج علما جواب دادند شوند شوند شوند و اند **مس** و ما قولیم چون
 سماع کردن با جمعیت بر این و جوانان و قوالان و راقصان و امرودان
 و دستکزدان و ضیاعیدن اعضا واجب الاثر است چنانکه در صد
 فتوی یاد کرده شد لعین و لهو است و محرم است و واجب الاستماع است
 باجماع مسلمانان بر ولایت و قضات و صد و و اکابر و غیر هم من المسلمین
 بعد از قدرت بر منع و زجر بقدر وسع واجب باشد یا منع و زجر
 بر وجه مشروع و بسترک امر معروف و بنی منکر آنم شوند هر که اینچنین
 سماع را حلال دارد و بگوید این سماع طاعت است و موصل الی الترتیب و تعزیر
 الی حضرت آمد و سبب مکاشفات حقایق و وقایع عیسی و اوصیلت
 و رفع درجات عقبا و لیست و جماعتی در تصدیق میکنند و متابعت
 می نمایند قولاً و فعلاً و قول و فعل و بر استحسان میکنند و نابیه
 دین منکرات را اجزا میکنند و استیفاء میکنند این جماعت بحلال

و استن این چنین فعل و متابعت و تصدیق و استعجاب و اصرار کافر
 شوند یا نه بیان فرمائید تا ثواب حاصل شود و شهادت تعالی ج علی
 جواب دادند شوند شوند شوند و اسم علم کتبه مولانا فخر الدین
 صلواتی کتبه محمرب احمد قاضی الامام کبر الدین و اسم علم کتبه ابوبکر
 بن علی بن عثمان قاضی الامام جلال الدین و اسم علم کتبه عبدالعزیز بن محمد
 مولانا نجم الدین دمشقی و اسم علم کتبه عبدالعزیز الزراد قاضی الامام
 جلال الدین و اسم علم کتبه محمد بن عبدالرحمن بن عبدالعزیز الخطیب
 و اسم علم کتبه شرف یحیی و اسم علم کتبه علی بن محمد عطاردک
 الامام سید الدین المفسر و اسم علم کتبه محمد بن محمود الکاشانی قاضی
 بداون و اسم علم کتبه علی بن علی الفرشوری و اسم علم کتبه محمد
 بن احمد الحلواتی قاضی اوده و اسم علم کتبه ابوبکر بن یوسف بحسن
 السقراقی الامام سراج الدین اسجری و اسم علم کتبه عبدالرحمن
 بن احمد بن عبدالرحمن بن محمد امام ضیاء و الدین عبدالوهاب سفری
 و اسم علم کتبه محمود بن حسین اسعد البعلخی بزاز و اسم علم
 کتبه ابوطاهر بن ابی بکر الحسین الخطیب الامام غزال الدین منصب دلی
 و اسم علم کتبه احمد بن محمد یوسف ضیاء الدین و اسم علم
 کتبه ابوالمفاخر محمود البلیغی قاضی برهان الدین بزرگ و اسم علم

كتب عبد الرحمن بن محمد بخط قاضي سرسك واسد اعلم والروايات
 التي كتبت على ذلك المحصر في تحريم السماع منه في الذخيرة
 ان التعبي مع جميع انواعه حرام عند علماءنا بقوله
 تعالى ومن الناس من يشري هواه بالدنيا ولم يدر منه
 الغناء بائفاق اهل التفاسير في فتاوى السفى استماع
 صوت الملاحى والغناء حرام كقوله عليه الصلوة
 والسلام استماع الملاحى معصية والجلوس عليها
 فسق والتكلم بها كفر وقال ابن مسعود رضي الله عنه
 الغناء يبيد التفاف كما يبئ الماء النبات في الصيرة
 الذي يخصوا بغير ليسوا استعلوا باللهو والرقص
 وادعوا لانفسهم الميزاة افتروا على الله كذبا ام بهم
 حنة فليعر النبي صلى الله عليه وسلم من الدر ولا اذ منه فالله
 عن ليس الشهرتين فليسوا على شئ الاكساء ما يرزون قبل هم
 ان كانوا راغبين عن الطير المستقيم هل ينفون من البلاد
 لقطع فتنهم عن العامة فقال اماطة الاذى البغ في
 الصيانة وامتل في الدنيا به وتميز الجحيت من الطيب اركى
 واولى من الغناء في باب تعليم القران والعلم من كتاب الكرامة

دروالمسألة ونسبها
 من هو من لا يفرق بين
 في قوله تعالى ومن
 الغناء بائفاق اهل
 استماع الملاحى
 والجلوس عليها
 فسق والتكلم بها
 كفر وقال ابن
 مسعود رضي الله
 عنه الغناء يبيد
 التفاف كما يبئ
 الماء النبات في
 الصيرة الذي
 يخصوا بغير ليسوا
 استعلوا باللهو
 والرقص وادعوا
 لانفسهم الميزاة
 افتروا على الله
 كذبا ام بهم حنة
 فليعر النبي صلى
 الله عليه وسلم من
 الدر ولا اذ منه
 فالله عن ليس
 الشهرتين فليسوا
 على شئ الاكساء
 ما يرزون قبل هم
 ان كانوا راغبين
 عن الطير المستقيم
 هل ينفون من البلاد
 لقطع فتنهم عن
 العامة فقال اماطة
 الاذى البغ في
 الصيانة وامتل في
 الدنيا به وتميز
 الجحيت من الطيب
 اركى واولى من
 الغناء في باب
 تعليم القران
 والعلم من كتاب
 الكرامة

وَسَأَلُوا الْحُلُومَ عَنِ سَمَوَاتِهِمْ بِالصُّوفِيَّةِ وَاخْتَصُوا
 بِسُجُوعِ لَبْسٍ وَاسْتَعْلَوْا بِاللَّهُوِ الرَّقِصِ وَادْعُوا لِنَفْسِهِمْ
 الْمُنِزَلَةَ فَقَالَ افْتَرَوْا عَلَيَّ لَيْتَنِي لَيْتَنِي لَيْتَنِي لَيْتَنِي
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ لَدُنِّي وَلَا لَدُنِّي وَهِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ عَنْ لَبْسِ الشَّهْرَتَيْنِ فَلْيَسُوا عَلَى شَيْءِ الْأَسَاءِ مَا
 بَيْنَ رَوْحٍ وَسُئِلَ رَجُلٌ لَكُمْ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ كَانُوا زَارِعِينَ
 عَنِ الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ هَلْ يُفْعَلُونَ عَنِ الْبِلَادِ وَيَقُطَعُ
 فِتْنَتُهُمْ مِنَ الْعَامَةِ فَقَالَ أَمَا طَهَّ الْأَدَى الْبَلِغِ فِي الصِّيَانَةِ
 وَأَمْسَكَ فِي الدِّيَابَةِ تُفْعَلُ عَنْ نَوَادِرِ الْبُرْهَانِ كَذَا
 فِي الْمَبْسُوطِ وَحَكَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَاصِمِ بْنِ
 الَّذِينَ الْحَوَارِثِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ الْغِيَاءَ مِنَ
 الْمَغِيَةِ أَوْ مِنْ غَيْرِ الْمَغِيَةِ أَوْ يَرَى سَبَابًا مِنَ الْحَرَامِ
 فَيَحْسِنُ ذَلِكَ بِإِعْتِقَادٍ أَوْ غَيْرِ إِعْتِقَادٍ يَصِيرُ مُرْتَدًّا
 فِي الْحَالِ نَبَاءً عَلَى أَنَّهُ أَبْطَلَ حُكْمَ الشَّرِيعَةِ وَمَنْ أَبْطَلَ
 حُكْمَ الشَّرِيعَةِ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا عِنْدَ كُلِّ مُجْتَهِدٍ وَلَا يَكُونُ
 يُقْبَلُ اللَّهُ طَاعَتَهُ وَأَحْبَطُ كُلِّ حَسَنَاتِهِ وَبَانَتْ مِنْهُ أَمْرًا
 فَإِنَّ تَابَ لَا يَجُزِبُ الْقَتْلَ وَالْأَبْضَرُ عُنُقُهُ يَقُولُ

ورواه سنن
 الامام احمد بن حنبل
 في مسنده
 في كتاب
 القصاص
 في قوله
 من ساء
 ما بين
 روض
 وسئل
 رجلا
 لعل
 الله
 تعالى
 ان
 كانوا
 زارعين
 عن
 الطريق
 المستقيم
 هل
 يفعلون
 عن
 البلاد
 ويقطع
 فتنتهم
 من
 العامة
 فقال
 اما
 طه
 الا
 الذي
 البالغ
 في
 الصيانة
 وامنك
 في
 الديابة
 تفعل
 عن
 نواير
 البرهان
 كذا
 في
 المبسوط
 وحكى
 عن
 ابي
 عبد
 الله
 عن
 عاصم
 بن
 الذين
 الحوارثي
 رحمة
 الله
 من
 سمع
 الغياء
 من
 المغية
 او
 من
 غير
 المغية
 او
 يرى
 سبابا
 من
 الحرام
 فيحسن
 ذلك
 باعتقاد
 او
 غير
 اعتقاد
 يصير
 مرتدا
 في
 الحال
 نباء
 على
 انه
 ابطل
 حكم
 الشريعة
 ومن
 ابطل
 حكم
 الشريعة
 لا
 يكون
 مؤمنا
 عند
 كل
 مجتهد
 ولا
 يقبل
 الله
 طاعته
 واحبط
 كل
 حسنة
 وبانت
 منه
 امرا
 فان
 تاب
 لا
 يجزب
 القتل
 والابضرب
 عنقه
 يقول

١١٤

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَدَلِ دِينِهِ فَأَقْتُلُوهُ فَإِنْ قَتَلْتَهُ قَاتِلٌ
 قَبْلَ عَرْضِ الْإِسْلَامِ عَلَيْهِ كِرَاهٍ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ مِنْ مَخْتَارِ
 التَّوَادِدِ لِلدِّهَانِ الْحَكِيِّ عَنِ إِمَامِ الْهُدَى أَبِي مَنْصُورِ
 الْمَازِنِيِّ رَحِمَهُ مَنْ قَالَ لِمُقَرَّبِي زَمَانًا أَحْسَنْتَ عِنْدَ
 قِسَاتِهِ يَكْفُرُ بِهَا نَتَّ مِنْهُ أَمْرًا لَهُ وَأَحْبَطُ اللَّهُ كُلَّ
 حَسَنَاتِهِ إِنْ تَأَكَّبَ يَجِبُ الْقَتْلُ وَالْأَكْبَرُ بِعُنُقِهِ وَالذَّلِيلُ
 عَلَى هَذَا قَوْلُهُ مَنْ بَدَلِ دِينَهُ فَأَقْتُلُوهُ فَإِنْ قَتَلَ قَاتِلٌ قَبْلَ
 عَرْضِ الْإِسْلَامِ كِرَاهٍ ذَلِكَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَبِهِ أَحَدُ الْمُتَأَيِّدِينَ
 وَعَلَيْهِ الْقَتْلُ مِنَ الْكَافِي قَالَ مَسْلُحْنَا اسْتِمَاعُ الْقُرْآنِ
 بِالْحَاكِ مَعْصِيَةٌ وَالتَّالِي وَالسَّلَامُ إِيمَانٌ وَرِخْوَانٌ وَسِينٌ
 قِرَانٌ بِالْحَاكِ خِوَانٌ وَشَوْزٌ كَانُ وَشَوْزٌ كَانُ بَرَهُ كَارِ شَوْزٌ وَرِخْوَانٌ
 شَعْرٌ وَغَيْرَانٌ بِطَرِيقِ سِرٍّ وَشَيْنٌ كِي دَرَسَتْ بِأَسَدٍ مِنَ السَّيْلِ لِحْمِيَّةٍ
 لِيَسْتَجِيبَ فِي الدَّعَاءِ الْأَخْفَاءُ وَرَفَعَ الصَّوْتُ بِدَعَاةٍ وَرَفَعَ
 الصَّوْتُ عِنْدَهُ سَمَاعُ الْقُرْآنِ وَالْوَعِظُ مَكْرُوهٌ وَقَوْلُهُ
 حَمْدٌ رَحِ اللَّعْبُ وَالْغِنَاءُ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الْحَرَامَ
 لَا يَخْتَصُّ بِالْمَزْمُونِ لِأَنَّ الضَّرْبَ وَالْقُصْبَ وَالتَّغْنِيَّ مَعَهُ
 حَرَامٌ لِأَنَّ ذَلِكَ هُوَ وَاللَّهُوُ كُلُّهُ حَرَامٌ إِلَّا ثَلَاثَةً مَلَاعِبَةٌ

كذا من خود را زنی که
 او را پس از آنکه او را قاتل
 کردن اشخاص بود که در آن
 بعد از قتل او نمودند بر آن
 المسموعا الوضوء من غير ان
 كذا من خود را زنی که
 او را پس از آنکه او را قاتل
 کردن اشخاص بود که در آن
 بعد از قتل او نمودند بر آن
 المسموعا الوضوء من غير ان
 كذا من خود را زنی که
 او را پس از آنکه او را قاتل
 کردن اشخاص بود که در آن
 بعد از قتل او نمودند بر آن
 المسموعا الوضوء من غير ان
 كذا من خود را زنی که
 او را پس از آنکه او را قاتل
 کردن اشخاص بود که در آن
 بعد از قتل او نمودند بر آن
 المسموعا الوضوء من غير ان

الرَّجُلِ مَعَ أَهْلِهِ وَقَدْ أُولِيَ بِفِرْسِهِ وَمَضَلَهُ بِقَوْسِهِ وَهَذَا
 نَقْلٌ مِنْ قَتَاوَى الْعَتَابِيِّ حَقَائِقَ السَّلْمِيِّ مِنْ قَتَاوَى الصُّوفِيَّةِ
 فِي بَابِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 اسْتِمَاعُ الْمَلَأَهِيَ مَعْصِيَةٌ وَالْجُلُوسُ عَلَيْهَا نِسْقٌ
 وَالتَّلَذُّذُ بِهَا كُفْرٌ سَرُودٌ كُفْرٌ وَثَنِيْدٌ وَنِسْتَنٌ بِإِنْجَافِ سِقْتٍ وَ
 لَذْتُ كُفْرٌ بَانَ كُفْرًا سِتٌ وَلَذَاتُ أَنْ بَاشِدُ كُفْرٌ زَنْدٌ وَبَاشِي كُفْرٌ وَجَاهِرٌ
 بِبِرْدَانٍ بِمُحْرَمَاتٍ وَفِي الْمُضْمَرَاتِ وَفِي الْمَنَافِعِ أَعْلَمُ إِنَّ
 النَّعْتِي حَرَامٌ فِي جَمِيعِ الْأَدْيَانِ وَقَالَ الزِّيَادِي إِذَا أَوْصَى
 بِمَا هُوَ مَعْصِيَةٌ عِنْدَ وَعِنْدَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَذِكْرٌ مِنْهُ
 الْوَجْهَ الْمُسْتَعِينِ وَالْمُعْتَبَاتِ وَذِكْرٌ فِي الْجَامِعِ الصَّغِيرِ
 لِقَاضِي خَانَ فَإِنَّ الضَّرْبَ بِالْقَصْبِ وَالْمَعْنَى حَرَامٌ كَأَنَّهُ
 لهُو وَلَعِبٌ وَفِي الْخُلَاصَةِ فِي الْفَصْلِ الثَّانِي فِي الْعِبَادَاتِ
 فِي كِتَابِ الْكِرَاهَةِ وَفِي الْمُنْتَقَى التَّجْمِيعُ بِالْقِرَاءَةِ
 يُكْرَهُ عِنْدَ أَبِي جَنِيْفَةَ وَابِي يُوسُفَ رَجَمَهَا
 اللَّهُ لَا حَسَانَ وَقَالَ أَكْثَرُهُمْ مَكْرُوهٌ وَلَا يَجِلُّ
 وَلَا يَجِبُ الْاسْتِمَاعُ وَهَذَا الْمَعْنَى يَكْرَهُ هَذَا التَّجْمِيعُ
 فِي الْأَذَانِ أَيْضًا وَذَكَرَ فِي الْكَبْرِيِّ فِي الْفَصْلِ الْمَسْبُوعِ فِي اللَّهِ

وَلَمْ يَكُنْ يَدْرِي بِهَذَا
 خُوْدَادُوْنَ وَتَوَسَّلَ كَرِيْمًا
 اسْتَمَاعُ الْمَلَأَهِيَ مَعْصِيَةٌ
 وَالتَّلَذُّذُ بِهَا كُفْرٌ سَرُودٌ
 لَذْتُ كُفْرٌ بَانَ كُفْرًا سِتٌ
 النَّعْتِي حَرَامٌ فِي جَمِيعِ الْأَدْيَانِ
 بِالْقَصْبِ وَالْمَعْنَى حَرَامٌ كَأَنَّهُ
 فِي كِتَابِ الْكِرَاهَةِ
 يُكْرَهُ عِنْدَ أَبِي جَنِيْفَةَ
 اللَّهُ لَا حَسَانَ
 وَلَا يَجِبُ الْاسْتِمَاعُ
 فِي الْأَذَانِ أَيْضًا

انما تعبد المسيح حيا لله وروى عن ابن عباس رضوا لله
 عنه وقف النبي صلى الله عليه وسلم على قرنين وهم في
 المسجد الحرام وقد نصبوا الاصلنام وعلقوا عليه بامض
 النعام وجعلوا في اذانها الشنوف وهم لسجدوا لها فقال
 النبي صلى الله عليه وسلم ولم يامعشر القرنين والله لقد
 خالفتم ملة ابيكم المراهيم واسم حيل فقالت له قرنين
 انما تعبدنا حيا لله ليقربنا الى الله زفنى فقال الله تعالى
 يا محمد ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله في المومنين
 لله تعالى اتباعهم امره وامثال طاعة واتباع مرضاته في جميع
 امر حركه ونهى وحب الله المومنين تناوؤة وتوابه لهم وعقوة
 وخلاصهم عن النار وتبليح رجائهم لما نزلت هذه قال عبد
 الله بن ابي المنافق لا صحابه ان محمد يجعل طاعة الله ويا عرفا
 ان تحبوا كما احب الصاري المسيح فانزل الله تعالى قل اطيعوا الله و
 الرسول فان تولوا الى عرضوا عن طاعتها فان الله لا يحب الكافرين
 فعلمهم ولا يغفر لهم روى عن ابي هريرة رضي الله عنه ان رسول
 صلى الله عليه وسلم قال كل امتي يد ستملك الجنة الا من اقبل
 ومن ابي قال ومن اطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد ا

انما تعبد المسيح حيا لله وروى عن ابن عباس رضوا لله
 عنه وقف النبي صلى الله عليه وسلم على قرنين وهم في
 المسجد الحرام وقد نصبوا الاصلنام وعلقوا عليه بامض
 النعام وجعلوا في اذانها الشنوف وهم لسجدوا لها فقال
 النبي صلى الله عليه وسلم ولم يامعشر القرنين والله لقد
 خالفتم ملة ابيكم المراهيم واسم حيل فقالت له قرنين
 انما تعبدنا حيا لله ليقربنا الى الله زفنى فقال الله تعالى
 يا محمد ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله في المومنين
 لله تعالى اتباعهم امره وامثال طاعة واتباع مرضاته في جميع
 امر حركه ونهى وحب الله المومنين تناوؤة وتوابه لهم وعقوة
 وخلاصهم عن النار وتبليح رجائهم لما نزلت هذه قال عبد
 الله بن ابي المنافق لا صحابه ان محمد يجعل طاعة الله ويا عرفا
 ان تحبوا كما احب الصاري المسيح فانزل الله تعالى قل اطيعوا الله و
 الرسول فان تولوا الى عرضوا عن طاعتها فان الله لا يحب الكافرين
 فعلمهم ولا يغفر لهم روى عن ابي هريرة رضي الله عنه ان رسول
 صلى الله عليه وسلم قال كل امتي يد ستملك الجنة الا من اقبل
 ومن ابي قال ومن اطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد ا

١٢١

انما تعبد المسيح حيا لله وروى عن ابن عباس رضوا لله
 عنه وقف النبي صلى الله عليه وسلم على قرنين وهم في
 المسجد الحرام وقد نصبوا الاصلنام وعلقوا عليه بامض
 النعام وجعلوا في اذانها الشنوف وهم لسجدوا لها فقال
 النبي صلى الله عليه وسلم ولم يامعشر القرنين والله لقد
 خالفتم ملة ابيكم المراهيم واسم حيل فقالت له قرنين
 انما تعبدنا حيا لله ليقربنا الى الله زفنى فقال الله تعالى
 يا محمد ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله في المومنين
 لله تعالى اتباعهم امره وامثال طاعة واتباع مرضاته في جميع
 امر حركه ونهى وحب الله المومنين تناوؤة وتوابه لهم وعقوة
 وخلاصهم عن النار وتبليح رجائهم لما نزلت هذه قال عبد
 الله بن ابي المنافق لا صحابه ان محمد يجعل طاعة الله ويا عرفا
 ان تحبوا كما احب الصاري المسيح فانزل الله تعالى قل اطيعوا الله و
 الرسول فان تولوا الى عرضوا عن طاعتها فان الله لا يحب الكافرين
 فعلمهم ولا يغفر لهم روى عن ابي هريرة رضي الله عنه ان رسول
 صلى الله عليه وسلم قال كل امتي يد ستملك الجنة الا من اقبل
 ومن ابي قال ومن اطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد ا

انما تعبد المسيح حيا لله وروى عن ابن عباس رضوا لله
 عنه وقف النبي صلى الله عليه وسلم على قرنين وهم في
 المسجد الحرام وقد نصبوا الاصلنام وعلقوا عليه بامض
 النعام وجعلوا في اذانها الشنوف وهم لسجدوا لها فقال
 النبي صلى الله عليه وسلم ولم يامعشر القرنين والله لقد
 خالفتم ملة ابيكم المراهيم واسم حيل فقالت له قرنين
 انما تعبدنا حيا لله ليقربنا الى الله زفنى فقال الله تعالى
 يا محمد ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله في المومنين
 لله تعالى اتباعهم امره وامثال طاعة واتباع مرضاته في جميع
 امر حركه ونهى وحب الله المومنين تناوؤة وتوابه لهم وعقوة
 وخلاصهم عن النار وتبليح رجائهم لما نزلت هذه قال عبد
 الله بن ابي المنافق لا صحابه ان محمد يجعل طاعة الله ويا عرفا
 ان تحبوا كما احب الصاري المسيح فانزل الله تعالى قل اطيعوا الله و
 الرسول فان تولوا الى عرضوا عن طاعتها فان الله لا يحب الكافرين
 فعلمهم ولا يغفر لهم روى عن ابي هريرة رضي الله عنه ان رسول
 صلى الله عليه وسلم قال كل امتي يد ستملك الجنة الا من اقبل
 ومن ابي قال ومن اطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد ا

در این باب از امام رضا علیه السلام روایت شده است که هر کس در روز قیامت با او بیعت کند...

وردی عن جابر بن عبد الله يقول جاءت الملائكة الى النبي صلى الله عليه وسلم وهو نائم فقال بعضهم ان لعين نائمة والقلب يقظان قالوا ان لصاحبكم هذا فاضربوا له مثلا فقالوا مثله كمثل رجل بنى دارا وجعل فيها مادبة وبعث داعيا فمن اجاب الداعي دخل الدار واكل من مادبته ومن لم يجيب الداعي لم يدخل الدار ولم ياكل من المادية فقالوا لو هاله يفقهها فقال بعضهم انه نائم وقال بعضهم ان العين نائمة والقلب يقظان فقالوا الدار البنية والدار عجمي صلح فمرا طاع عجمي فقد اطاع الله وعصى عجمي فقالوا عصى الله ومحما فمرت بين الناس هذا كله منقول من تفسير معالم التنزيل للبعثي ونزل حين قال اليهودي عن ابناء الله واحباؤه قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوا يحببكم الله عبيدة العبد لله ايتار طاعة على غير ذلك وسجدة الله للعبد ان يرضى عنه ويحمده فعله ومن الحسن يزعم قوام على عهد رسوله الله صلح ابيهم بحسب الله فانه ان يجعل لقولهم تصدقوا من عمل فمردعي بحسب الله ونحالف سنة رسولهم كذا يكتب الله بكنز به وقيل سجدة الله معرفة ودوام خشية

در این باب از امام رضا علیه السلام روایت شده است که هر کس در روز قیامت با او بیعت کند...

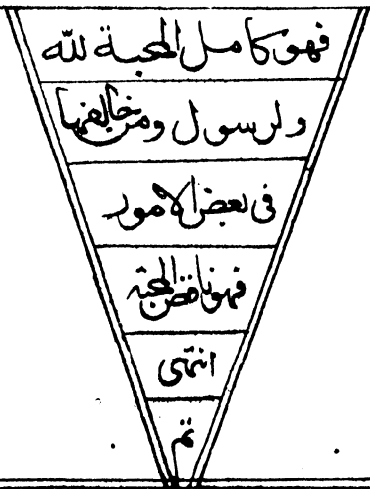
۱۲۲

فدا را در این کتاب از امام رضا علیه السلام روایت شده است که هر کس در روز قیامت با او بیعت کند...

در این باب از امام رضا علیه السلام روایت شده است که هر کس در روز قیامت با او بیعت کند...

در این باب از امام رضا علیه السلام روایت شده است که هر کس در روز قیامت با او بیعت کند...

نیز باید پس آنکه موافقت نماید بر فعل آنچه شارع کرده باشد مستتر بود
 کذا قال المحدثون انتهى قال في سيرة الكاظمي من
 علامة محبة صلح ايتاره وايتار اتباعه فمن احب شيئا
 اشته واش موافقة و الا لم يكن صادقا في حبه وكان عملا
 فالصادق في حب النبي صلى الله عليه وسلم من ظهر علما
 ذلك عليه واو لها لاقتدار به واستعمال سنة واتباع
 اقواله و افعاله و امثال او امره و اجتناب نواهيها
 و التادب بادابه في العسرة و اليسرة و منشطه و مكروهه
 و شاهد هذا قوله تعالى ان كنتم تحبون الله فاتبعوني
 يحببكم الله و ايتار ما شرعه و خص عليه على هو
 نفسه و موافقة شهرته فمن اتصف بهذه الصفات



از علامت محبت و وصلی الیه علی وجه
 انظار در این نزدیکی او را در اختیار کردن
 تا بعد از آنکه در وقت هلاک او در آن خیر را
 صادر کند موافقت او را و اینست که او را در
 معنی کلامی پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 خدا را پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 بر روی او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 بود در عمل او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 آرزوی او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 بر روی او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 ۱۲۳
 کردن نمانی او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 و نشان شدن او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 و نشان خود و زاری خود و فزونی
 خود و نشان او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 است که او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 دوست مدارید خدا را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 تا بعد از آنکه در وقت هلاک او در آن پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 شما را خدا را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 آنچه مشرک در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 کرد بر روی بر روی او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 خود و بر موافقت با خدا در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 خود و بر موافقت با خدا در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 بین صفات مذکور در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 کامل المحبت او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 خدا را پس از آنکه در وقت هلاک او در آن پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 بر کلمات او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن
 در بعضی کلمات او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن

کلامی است که در این
 کتاب آمده است و در بعضی
 کلمات او را در این پس از آنکه در وقت هلاک او در آن

فهرست کتاب مائة المسائل

<p>۳۵ مسئله دعا که از خدای الهی بخود و برای سبت</p> <p>۳۵ مسئله دعا که از خدای الهی که بجز سبت و روزی که در آن روز دعا خواند</p> <p>۳۵ مسئله دعا که از رسول الهی و ادای سهار از من</p> <p>در خدای الهی عرض کنید که حاجت من برآید</p> <p>۳۷ مسئله اعمال عباد از غیر سب و روز و دعا را نشان میزند</p> <p>۳۸ مسئله اگر از نیکو گویان رسول الهی اولیا الله و اگر</p> <p>اهل مغرب گویند یا رسول الله برینها</p> <p>۴۱ مسئله توابان دیگر عمل صالح با اهل بیت میسر یازد</p> <p>۴۶ مسئله سعادتی که از حیوانی اسلام</p> <p>۵۲ مسئله بر اینست که در آن مقام قیوم بر ذریه که در آن</p> <p>۵۴ مسئله اذان بر قبر دادن بعد از دفن میت</p> <p>۵۵ مسئله نازک کردن بر طرف قبر یا باغین قبر</p> <p>۵۶ مسئله مساجد حق در گورستان بر نماند و مکان حقین بر نماند</p> <p>۵۸ مسئله اگر در گورستان بر نماند قبرها نماند اگر کلمات گفته شود</p> <p>و پیش روی مقبره این قبر باشد نماز یکسان باشد</p> <p>۵۸ مسئله شخصیکه در غمی و در غم بود و نماز کند</p> <p>۵۹ مسئله سببی که در آن قبر را برای تعظیم</p> <p>۶۷ مسئله از طواف کردن قبر است</p> <p>۶۶ مسئله قبر نبوی بر قیامه انقش</p>	<p>۹ مسئله شرک چه معنی دارد</p> <p>۱۰ مسئله عبادت چه معنی دارد</p> <p>۱۱ مسئله لفظ الله چه معنی دارد</p> <p>۱۱ مسئله ادله شریعی چند اند</p> <p>۱۲ مسئله یکیکه متوجه بر کمال الاله محمد رسول الله باشد</p> <p>۱۳ مسئله یکیکه منکر قیوم است و منکر باشد در عالم تریخ الهی</p> <p>۱۳ مسئله یکیکه بگویند بقض ارواح اولیا در عالم برنج</p> <p>۱۵ مسئله یکیکه منکر باشد از کرامت ولی عیون</p> <p>۱۷ مسئله یکیکه باشد از کرامت ولی خصوصاً حضرت</p> <p>شیخ عبدالقادر جیلانی و اولیا الله که در آن عالم بقدرت خود</p> <p>۱۸ مسئله زیارت قبور از انواع فعل آنحضرت است</p> <p>۱۹ مسئله زیارت قبور از انواع و با معین و غیر معین است</p> <p>۲۰ مسئله رفتن بعد از مردم برای زیارت قبور</p> <p>۲۵ مسئله مقرر کردن زیارت قبور از روزها</p> <p>۲۶ مسئله مقرر کردن یوم غم</p> <p>۲۷ مسئله مقرر کردن روز برای فاتحه چه هم و غیره</p> <p>۲۸ مسئله آدن از کابل است زیارت قبر یا زین العابدین</p> <p>۲۸ مسئله السلام علیکم اهل مقابر السعیدین گفتن</p> <p>۲۹ مسئله سعادتی که از سلام بر ائمه</p>
---	---

۶۲ مسئله شامیان و خیمه کشان که درون بر قبر
 ۶۳ مسئله بوسه گرفتن قبر الدین
 ۶۸ مسئله معانقه کردن از قبر
 ۶۸ مسئله روشنی کردن قبر بر آب تقطیر است
 ۶۹ مسئله اگر روشنی برای جنوع مردم غیر کند
 ۷۰ مسئله چادر گل انداختن بر قبر
 ۷۲ مسئله صیغه دادن از نقد جنین طعام خواندن
 ۷۳ مسئله وکیل حاضرین خواندن از ادا کنند
 ۷۴ مسئله تقطیر است در شرح به قدر آمده
 ۷۵ مسئله مصافحه کردن با عالم یا شریک بعد نماز
 ۷۶ مسئله معانقه کردن نمایان بعد نماز
 ۷۷ مسئله تبارک الهی خواندن فائده دادن
 ۷۸ مسئله برای فاتحه قهر طعام از قسم شریک غیر
 ۷۹ مسئله نذر کردن که اگر حاجت من خدا بر آید
 بر گاه طلال در این تقدیر خوش طعام است
 ۸۱ مسئله اگر خدا حاجت بر آورد این طعام
 فقر و اغنیای را بخورد
 ۸۲ مسئله خوردن طعام عزیمت یا اولیا و صحابه
 ۸۳ مسئله مفهوم بدعت چه است
 ۸۵ مسئله اقسام بدعت چند اند

۸۶ مسئله بدعت حسنه در شرع جایز است
 ۸۶ مسئله ادنی بدعت سیئه چه است
 ۸۶ مسئله مرتکب بدعت سیئه کافر می شود یا نه
 ۸۷ مسئله احادیثیکه در آن عید مرتکب سیئه دانست
 ۸۸ مسئله مرتکب بدعت سیئه نماز فرض خود ادا کند یا نه
 ۸۸ مسئله بدعت نه محمده در وقت یا غیر محمده در وقت
 ۸۸ مسئله بدعت سیئه محمده است یا غیر محمده
 ۸۸ مسئله نماز بر بدعت حسنه ادا یا سیئه
 ۸۹ مسئله مقلد ایشان از بدعتی گویند یا نه
 ۹۳ مسئله بر تقدیر بدعتی کفایت نماز و افعال ایشان بر این است
 ۹۴ مسئله بر تقدیر بدعتی کفایت نماز و افعال ایشان از تقدیر بدعتی دیگر
 ۹۵ مسئله تسبیح که بر آنی نهاد می آید بدعت حسنه است یا سیئه
 ۹۶ مسئله تسبیح بر وقت کبیر در شروع امام در نماز خواندن
 ۹۶ مسئله مسح کردن بر وضو نماز یا غیره تسبیح یا بدعت حسنه
 ۹۸ مسئله خواندن علم صرف بخوبی بدعت حسنه است یا سیئه
 ۹۹ مسئله علم فقه بدعت حسنه است یا سیئه
 ۱۰۰ مسئله دیگر علوم که در علم حدیث قرآن بدعت حسنه است
 ۱۰۱ مسئله علم کلام بدعت حسنه است یا سیئه
 ۱۰۲ مسئله تفسیر الفاظ قرآن حدیث که از کرده اند بدعت حسنه است یا سیئه
 ۱۰۳ مسئله تعریف علم دانش فرض و اجتناب غیره و غیره

۹۶ مشکل ذکر خفی در شروع جاری است یا نه
 ۹۷ مشکل ذکر جهود در شروع جاری است یا نگاه
 ۹۸ مشکل مراقبه در شروع چه حکم دارد
 ۹۹ مشکل مراقبه عند القبر چه حکم دارد
 ۱۰۰ مشکل اعلام روز جزای علی علیه السلام که کفن چه حکم دارد
 ۱۰۱ مشکل اذان برای دفع دبا چه حکم دارد
 ۱۰۲ مشکل اذان برای باران چه حکم دارد
 ۱۰۳ مشکل اذان انجام حاجت چه حکم دارد
 ۱۰۴ مشکل بیگانه بران نام استیاده نماز خوانده می کند
 ۱۰۵ مشکل حافظان که بر قرمی نشانند
 ۱۰۶ مشکل بر سر کرم حافظان را صانعان زود که سیدیم بخورند
 ۱۰۷ مشکل مقرر کردن حافظی پیشتر هم خوان یا کم زیاد
 ۱۰۸ مشکل تصور نمودن صورت شیخ در وقت ذکر چه حکم دارد
 ۱۰۹ مشکل جواب نامه که بر کفن میت نوشته زیند چه حکم دارد
 ۱۱۰ مشکل ایستادن در وقت بر خیزد چه حکم دارد
 ۱۱۱ مشکل اقامه و موعود معتمدان با جورت چه حکم دارد
 ۱۱۲ مشکل تغییر نیت بر سر نیمی زنی از طعام در شب چه حکم دارد
 ۱۱۳ مشکل در شب با شور و شوق قدر و اولاد ارواح درین شب چه
 ۱۰۱ خانه در بیان سوالات عشره معلومه

۱۰۶ مشکل مرید را بر جمیع افعال بجز در جمیع
 لازم یانه
 ۱۰۷ مشکل مریدان و معتقدان پیران و تبرکات
 درین زمانه خلاف طریق ایشان و عبادات و ریاضات
 تبرکات ایشان از مثل ایضاً قبول الیدان و چه و خرقه
 ایشان را بتعظیم و تکریم بسیار بر سر و چشم نهادن بوجه
 دادن همین معاصی را حسب ارادت بندارند
 ۱۰۸ مشکل اجابت نمودن دعوت و لیمه
 جامه کسکرات همچو مزایر و معارف دیگر بوجه و لیمه
 باشد درست است یا نه
 ۱۱۱ مشکل مجالس شایگان کردن و دل جمع مردمان
 جوانان و بیغیان می شود و لیمه و لعب باشد چه
 ۱۱۲ مشکل لیمه و لعب در وقت نماز و ایستادن
 ۱۱۳ مشکل وقتیکه در آن جامه را بلباس در آن وقت
 در میان باشند و از آن بازیاید بکنند بلن خود گویند
 ۱۱۴ مشکل هرگاه بفرقی ایشان صحبت نباشد و معذور
 هم نشود و شهر در شهر هم نباشد که عوام بجز و لازم است
 ۱۱۵ مشکل مردان جوان و نوجوانان که در وقت نماز
 ۱۱۶ مشکل شنیدن بر ارجحیت با کمال الهی
 ۱۱۷ مشکل استغفار بعد از صلوات چیست

چیتنکمه اغلاط فامة المسئل

نصفه	۴	۳	موج	نصفه	۴	۳	موج
۲	۹	۲۱	۲	۲	۲۱	۲	۲۱
کنند	نمبند	نمبند	نمبند	نمبند	نمبند	نمبند	نمبند
۳	۱۶	۲۶	۸	۲۶	۲۶	۸	۲۶
فرض خود	بودند که	بودند که	مصاب	مصاب	مصاب	مصاب	مصاب
۵	۴	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
انتاع	هویب	هویب	نارمید	نارمید	نارمید	نارمید	نارمید
۷	۱	۸	۱۲	۸	۸	۱۲	۸
اربعیت	لغت	لغت	عرس و تمام	عرس و تمام	عرس و تمام	عرس و تمام	عرس و تمام
۸	۶	۲۸	۱۳	۲۸	۲۸	۱۳	۲۸
علی هر	بغیرند	بغیرند	می میروند	می میروند	می میروند	می میروند	می میروند
۸	۱۵	۲۸	۱۴	۲۸	۲۸	۱۴	۲۸
نزدیک	فان	فان	باشند	باشند	باشند	باشند	باشند
۹	۵	۲۸	۱۶	۲۸	۲۸	۱۶	۲۸
ثابت	چو ایند	چو ایند	تغذیر	تغذیر	تغذیر	تغذیر	تغذیر
۱۰	۱۱	۲۸	۱۷	۲۸	۲۸	۱۷	۲۸
صفت	افضی	افضی	استخوذ	استخوذ	استخوذ	استخوذ	استخوذ
۱۰	۹	۳۲	۱۸	۳۲	۳۲	۱۸	۳۲
بعد الاعلام	عبارت	عبارت	علیم فعال	علیم فعال	علیم فعال	علیم فعال	علیم فعال
۱۱	۲	۳۷	۱۱	۳۷	۳۷	۱۱	۳۷
استسقا	الکریم	الکریم	طوائف	طوائف	طوائف	طوائف	طوائف
۱۱	۱۳	۳۹	۱۷	۳۹	۳۹	۱۷	۳۹
جائز	بغیرند	بغیرند	ظهور دیگر	ظهور دیگر	ظهور دیگر	ظهور دیگر	ظهور دیگر
۱۲	۷	۴۱	۱۰	۴۱	۴۱	۱۰	۴۱
شبهه	می	یعنی	إلا علمهم	إلا علمهم	إلا علمهم	إلا علمهم	إلا علمهم
۱۲	۱۰	۴۵	۱۵	۴۵	۴۵	۱۵	۴۵
بانهوات	مشک	مشک	جمهور	جمهور	جمهور	جمهور	جمهور
۱۲	۱۱	۴۰	۷	۴۰	۴۰	۷	۴۰
وضو	الغری	الغری	کل عرق	کل عرق	کل عرق	کل عرق	کل عرق
۱۳	۱	۴۱	۱۱	۴۱	۴۱	۱۱	۴۱
القدرت	وزیر	وزیر	او امین	او امین	او امین	او امین	او امین
۱۳	۱۴	۷۰	۱۰	۷۰	۷۰	۱۰	۷۰
گرفت	جو	جو	براین	براین	براین	براین	براین
۱۵	۵	۷۰	۳	۷۰	۷۰	۳	۷۰
سیرت خود	ایان	ایان	رضت	رضت	رضت	رضت	رضت

